۴۸ رحمانی در جواب عرضی مرقومه سبت و دوم
ذاکری از معرفت آصف بی نظیر عز ابعض ایشان بر
حضور می آید هانوقت جواب مرسولداشته شده است

قطعه

۴۹ امر بمعرفت آصف بی نظیر در جواب عرضی مرقومه
۱۸ ذیحجه یکقطعه

۵۰ رحمانی سال شتا متضمن مضمون صدر و
نبه کنان نضارا را داخل ملک او نموده شده و نبز
غذب مقهور خواهد شد در جواب عرضی مرقومه هشتم
ماه ذاکری

۵۱ رحمانی مضمون صدر در جواب عرضی مرقومه ۴ ماه
ذیحجه یکقطعه

۵۲ رحمانی ملفوف صدور بی نظیر

قطعه

۵۳ امر بنام مرزا باقر خان بهادر مشتمل بر خبر

که تا عاجز شده از محاصره باز آیند و برای رسانیدن
غله بفوج ایشان نماشیر تاکید بنام اصفهان نگردد خورشید سواد
نبرد مرقوم است از انجا خواهند رسانید شما هم به نزدد
خود غله و بیزه بوفور جمع نموده بقلعه هم برسانند و کیفیت
رویداد را بلا توقف متواتر بحضور معروض داشته باشند
بهمین مضمون صدر بتاریخ مذبور سه قطعه نخبر فت

سه
سه قطعه

۳ امر بمعرفت اصفهان بتن
بکقطعه

۳ امر بصفات پیاده تلفدار بتن
بکقطعه

فرجا کصار
۳۸ نمر
در جواب عرضی مرقومه سیوم ماه
بکقطعه

بکقطعه

در جواب بکقطعه عرضی مرقومه دهم ماه
بکقطعه

۳ امر رحمانی سال رستا بکقطعه در جواب
عرضی مرقومه مشتمل فاکرتی
بکقطعه

۷

باید نمود باقی جمعیت همراهی خود معه درخش و غیره
سرانجام همراه خود کرفته بوقت شب ازانجا
تفاصله یکدو کروهی در جهاری رفته سکونت دارند
دنبا دیق وغیره سرانجام اکر زیاده باشد همانجا در
قلعه کذارند و بوقت برسیهداران تعقب باید داشت
کرکسی پس و پیش راهی نشوند اکر اجانا مخالف
درانوقت رونماید تنبه کنان در جهاری برفته و در انجا
همه مردم فراری خود را جمع نموده غله وغیره بوفور از اطراف
جمع نموده مردم را ارام دهند بعد ازان کیفیت ازا
بحضور معروض دارند مطابق مرقومه صدر ایشان سیر بعمل
اورده در اطاعت خاندکور سرکرم فدویت و جانفشانی
سرکار باید بود ۵ تمام صدر بهمین مضمون سه قطعه

منه

سه قطعه

۲۹ مرهمی مضمون یکقطعه | ۸ رجهای مضمون یکقطعه | ۲۳ رجهای مضمون قطعه

بنظر انور بگذشت کیفیت مندرجه بوضوح پیوست
باوجود جمعیت سنگین بهمراهی خود و بودن پناه قلعه
با نیقسم از جمعیت قلیلی مخالف مضطرب شدن
بسا تعجب روی نمود للوکیا خرج نموده نوکران را
بیرورش میبا خشیم مخلص برای اینکه بوقت پیشخدمتی و
خدمت جانفشانی بعمل آورند نه که روبفرار نهند
در اینصورت لازمه نجابت و نمکحلالی انکه برنامی
عهده و الا دیگره بنوعی تقید و تاکید دارند در احدی
فراری نشده تمام یکدل بوده بجان و دل در فدویت
سرکار سرگرم باشند در اینولا به بدر الزمانخان بهادر
حکم فرموده شده که چهار صد جوان حبش مکیده
جوان عسکر اعتباری معتمداران بنر قدیم و معتمد
که والسبگان در ملک سرکار داشته باشند و بدو
منعین صدور قلعدار نموده تاکید دارند که بجمیع وجوه
در اطاعت صدور قلعدار بوده در کار سرکار جانفشانی

۱۲ مرتبه تمام صد و در خور شدند سواد عرضی مرسلان
بنا کردند تفصیل کیفیت سرعت گشت در اینولا
بنا بر آنکه از پیوستن جمعیت کثیر در قلعه تکلیف غله و غیره
بر مردم نمیتوانم نمود لهذا بدر الزمان خان بهادر جهار صد
سوار از جمله سوار و پیاده لشکر قدیم اعتمادی بدرقه ایشان
نموده خود مع جمعیت همراهی بقاصله یک و کروهی از قلعه
برای رسانیدن رسد غله بایشان روانه میشود باید
ایشان جمعیت سابق و حال را باتفاق قلعه دار در
اطاعت خود داشته در فدویت و جانفشانی سرکار
سرگرم باشند که آینده منجر این فدویت و محنت برضا
و فلاح مبدل خواهد گشت و از حضور پر نور دو فوج
جیش برای کمک روانه نموده شده است متعاقب
میرسد کسانیکه در اینوقت فدویت و جانفشانی
درکار سرکار بعمل می آرند منجر ان سرفرازیها خواهند
یافت ۵ بهمین مضمون نگاشته شده

[illegible] قلعه از خورشید سواد و لاد در خان لوهانی
در اینولا بدر الزمان خان بهادر چهار صد جوان حبش ذ
یکصد نفر عسکر سوای جمعیت مقرری قلعه بذمه ایشان
نموده معه جمعیت خود برای رسانیدن غله بان
ازانجا بفاصله یکدو کروهی میباشند بدیکه ایشان با
مردم قلعه یکدل بوده در قدومیت و جانفشانی
سرگرم باشند امیدوار نتیجه این محنت بر فاه و فلاح
مبدل خواهد گشت و از حضور پر نور نیز دو فشون برای
کمک روانه نموده شده است متعاقب خواهد رسید
بدلدهی و خاطر جمعی در امورات سرکار سرگرم بوده
شبوه نجابت و نکوئی بردی کار آورده بدیکه
در امور سرکار ثابت قدمی و قدومیت و جانفشانی
خواهند نمود امیدوار سرفرازی خواهند یافت

بتاریخ صدر بهمن تضمون [illegible] قطعه
[illegible] قطعه

از معرفت اصف بی نظیر شرف وضوح و کیفیت مندرج
ظاهر شد دیگر عرایضیات ایشان که مصحوب بکلران
مضور روانه کرده اند از باعث بعد مسافت تا حال
نرسیده آینده خواهند گذشت سواری خاص نضارا
رانیه کنان در ملک او داخل نموده بر تاکر فرود آمده
ثبت ان، والله المستعان عقرب صلح با نضارا خواهد
شد جواب خطوط ان ن که از نزد راو راسته دهر
هرکه خواهد بحضور روانه سازد مسموع شد که در
هندوستان فوج هولکر وسندهیا همه غارت کرده
لهذا بنا بر اطلاع قلمی گشت باید که ان ن چهارصد
جوان جیش دیکصد جوان عسکر در قلعه نزد صدور
قلعدار داده خود معه بخشی چهارم جیش کچهری در
حاری روند تمام دکمال مضمون سابق نوشته
شده

۱۶ امر بنام غلام علی قلعدار کهل عرضی عرض

صد
سے قطعہ

امر بنام اصفان خورشید سواد در انجولاست بسبب اینکہ
از بودن جمعیت کثیر در انجا تکلف غلہ و غیرہ میکنند
بدر الزمان خان بہادر چہار صد مردم جبش و کمید
جوان عسکر اعتمادی سوای جمعیت سابق در قلعہ
گذاشتہ مبدو بستگردہ خود معہ فوج ہمراہی از قلعہ
بفاصلہ دو سہ کروہی در رہداری روانہ خواہد شد
تا بمردم قلعہ رسد برسانند و محاصرہ بردارند باید
ایشان سر ہمراہ ماندگور بودہ از تعلقات غلہ و غیرہ
بوفور طلبیدہ میدادہ باشند و عوض طلب ماہہ بمردم
متعینہ قلعہ ہم حوالہ صدور قلعدار سازند
بہمن مضمون سہ قطعہ

صد
سے قطعہ

امر بہمن مضمون صدور

یکقطعہ

امر بنام بدر الزمان خان بہادر مرقوم سمت ہفتم ماہ دینی بتاریخ ہجدہم ماہ ذاکری

انفوز

سرب کامکاری سیوم دارالضرب بالکلیه موقوفست
لهذا بنام قلعدار مشور تاکید درباب دادن سرب روانه
نموده آید بتاریخ یازدهم داکری بنظر انور رسیده حسب المعروضه
ایشان تاکید بنام قلعدار مرقوم و ملفوفست از انجا
سرب گرفته کارمکاری دارالضرب جاری دارند ۵

---

۱۱ مرقوم بنام شیخ امام فاروقی تحویل فقرای مجاوران
شاه عبدالله نموده شده از خارج کیفیت آراده
حاضر شدن ایشان بحضور مفهوم گردید باید که ایشان
نظر بپاس اسلام بخاطر جمعی معه متعلقان خود و دیگر
اهل اسلام بحضور بیایند بافضال الهی رفاه و فلاح
ایشان بالتمین خواهد شد ۵

---

۱۲ داکری بنام علیرضا عرضی مرسله مرقومه فهم
داکری بنظر انور رسیده فرستادن یکوری هرکاره
نزد راو راسته بجا مستحسن شد دراین روزها تتبه
کنان دکن ان کشان نصارا را داخل ملک او نموده شده

Wie Ata Jan Tuqan zu Lenetta.

North Chuny Riva Ta Lupin Sack zu Ta Lu Dominions

متضمن غارت شدن متعلقان و کذا نشانه آوردن
ایشان همه متعلقان خانمذکور و پسر خورد و شتران
سامان و یک زنجیر فیل موضوع شد حضرخان پسر
کلان غازی خان در انجا رسیده است همراهی او
متعلقان خانمذکور را روانه بتین سازند

۱۶ امر بنام آصف بتین عرضی مرسله حویشگی بدرالدوله
که بنام ایشان مرسوله داشته بودند بنظر انور بگذشت
کیفیت مندرجه موضوع بیوست یکقطعه منشور بنام
خانمذکور ملفوف است روانه سازند

۱۷ امر بنام قلعه الدین درانبول کیفیت نبودن
سرب کامکاری دار الضرب سیوم بالکلیه موقوفست
لهذا حکم فرموده میشود که بقدر ضرور سرب دار الضرب
توشکی را تقدی سرب بدار الضرب میداده باشند

۱۷ امر بنام دارغهای نقدی توشکی عرضی مرسله
محرره چهاردهم ماه دینی متضمن براینکه بسبب نبودن

۱۲

معروض دارند

۱۱ امر بنام حقایق آگاه حضوری شاه خادم درگاه
سید شهیار برهنه مبلغ یکهزار روپیه بنا بر خرچ ضروریات
درگاه از حضور مرحمت است باید که مسجد قدیم را اول
مرمت نموده و از طرف سرکار هم یک مسجد خشتی
هم کنار تیار ساز زود کیفیت تیاری مسجد بحضور
معروض داشته باشند ۵

۱۲ امر بنام قطب الملک بهادر بنا بر انیکه فوج
تعیناتی کمانبعی در اطاعت و فرمانبرداری نمیباشد
لهذا ایشان را حکم فرموده شده بود که مردم اشراف
نجیب و مرد آدمی و شجیع و هنرمند خود نوکر
دارند تا بوقت ضرورت جنگ و محنت هرکاه رود
در فدویت و جانفشانی سرگرم بوده داد شجاعت
و جوانمردی دهند بنا بر همین قسم ایشان خود فوج
را نوکر داشتند خرچ لشکرکهای سرکار کرده آخر در عین

الحال لشکر فیروزی بر مقام تباکرد ابره دارد برای جمع
ضروری دربار وغیره مبلغ یا نصد هون از نزد اصف
فرجا بالحصار بگیرند در همقدمه با صف مذکور نیز رفوم
است ۵

۱۶ امر بنام قلعه اتین صحح قلعه نما شیرسه فارسی
یکی نوشته حسین علیخان دومی اصف فرخی سبومی
بنام میر محمود سپهدار دو هندوی یکی بنام تعلقه
رونق آباد دویم به تعلقدار چرکل ملفوف بر سلسله
از راه تا ملچری بفرنجی روانه نمایند

۱۶ امر بنام اصف دهم در صدد ابا قبیل از بن معروض
داشته بودند که نصارا از سلام آبا درخت ادبار
کشیده بمغز خود رسیده است و مکان مذکور بالکلیه
غالبست باید که اهال نیز خبر واقعی دریافته بحضور

مرقوم نمایند

در قلعه معتبر تکلیف غله وغیره میشود لهذا حکم فرموده
می شود ایشان اگر مناسب دانند معه فوج جنبل و سوار
بیرون برآمده بطرف سوند و ریاهندی رانت پور
همچنان پیش قلعه ای عمده عمده و در روز سه روز
اقامت می ورزیده باشند اگر دران نزدیکی فوج
مخالف بنظر در آید شبخون زده تنبه متهوران ساخته
باشند در قبض حصار ماندن وقتیکه فوج مخالف
نزدیک رسد آنزمان برامدن لطف ندارد باید
که در انجکه کار سرکار بوجه احسن برآید بدانموجب بعمل
آورده باشند حسین خان لودی و حیدر بخش وغیره
مردم قدیم و هوشیار بسند منشورت یکدیگر بنحوی
هر یک کار سرکار بعمل آورند چنانچه بدر الزمانخان بهادر
را نیز از ممر تکلیف غله وغیره حکم فرموده شده است
که بیرون قلعه بسمت جهاری رفته سکونت ورزند
و بکفار تنبه رسانند بنابر اطلاع ایشان قلمی گشت

خنک شیوه نکوهیدی اختیار نموده سواران همراهی ایشان
رو بفرار نهاده اند سوای این در وقت شادی فرزند
خود چیزی نذرانه مقرر نموده از تمامی مردم فوج خود گرفته
اند و هم برقاصان و لولیان داده اند چنانچه اجمعی در
وقت مقابله دشمن در جنگ هر یکس علانیه می
گفت که امثال آن رقاصان را آورده جنگ کنانند
لهذا از بی نگاریش می باید که ایچنین معاملات ازیشان
بعمل آمدن جای تعجب و ناز یبایست که با وجود اعتماد
در امورات سرکار اینقدر تساهل و تکاهل نمودن بعید
از امانت و دیانت است باید که آینده از ایچنین
حرکات باز آمده باین همین سلک خود دانسته حتی
بمقدار واجبی رسانیده در فرو گذاشت جانفشانی
سرگرم باشند اگرچه مقدمه مرقومه صدر قرین صدق
نمی آید کیفیت آنرا مفصل معروض دارند ۵

۴۴ مرتبه بام قطب الملک بهادر از بودن فوج کثیر

در قلعه

سه چهار نفر کرستان یا بت مرسله مبدو رجال آباد
نزد ایشان رسیده اند سوای این یکصد و نوزده نفر
کلاه پوش علاقه آدل حبش در انجا بوده آلات از انها
بدانوده داشته اند بجهت دادن طلب پادشاه مردم
سندی قلعه خشناش سرخ کهنه باشالی در مودنخانه
مانده است دو رباب دادن سامان در سرانجام حیلی تعویل
ایشان بوقت ضرور نیاکید بنام داده نهای جنبی
نوشکی نه فرستاده آید و خود بیرون قلعه رفته بندوبست
اسک سازد یا اندرون بوده بندوبست قلعه نماید دیگر
کیفیت آواره کردیدن سواران مقهور موضوع و مفهوم شد
بندوبست چوکیات اسک تعلق بایشان ندارد باید که
در قلعه با مورات متعلقه خود سرکرم و خبردار باشند و چند
سوار مقهور دزدی پیشه که بانست آوارکی دارند برای
تنبیه انها یکهزار سوار دو توپ جبش از حضور روانه
نموده شده عقب رسیده باشند چندر بهان سهم باشی

بمضمون مرقومه الصدر دو منشور در منشور قلعه ارتین
ملفوف روانه شد

۲۴ مرتبه نام سید محمد قلعه ارتین دو قطعه منشور موسوم به
قطب الملک ملفوف رسالت باید که بصحابت آدمان
هوشیار اول یک منشور روانه ساخته بفاصله دو
سه روز منشور دیگر روانه سازند

۲۴ مرتبه نام شیخ امام حسین مهدار و میر غلام علی سپهدار
دو قطعه مغلفه مشتمل بر یک جو ان را متفرق
نساخته با تمامی مردم خود بکوه بالا و مرجان رفته به تنه
مفهوران پردازند و سخنان اصف و صدور نشنوند
که انها ناتجربه کار و خانه نشین اند

۲۴ مرتبه نام قلعه ارتین سه قطعه عرائض یکی از آن
محرره شانزدهم ماه و ذاکری و رباب جادوکیا و خبر
انصرام شادی مکتب برخوردار نظام الدین معه مجدد
مذکور و دو محرره نهم ماه مذکور متضمن مراتبکه هفت نفر کلاه پوش

دارد نهای جنسی تو شکنی نه ملفوف مرسلت ۵

۵ مرسلہ نام دارد نه جنسی تو شکنی نه تین در انبولا
تفنگ دنوسدان و نیزه سرنجام جنگی هر قدر که سید محمد
قلعه از تین ازیت ان خواهند طلبید حواله نامبرده نموده
رسید میگرفته باشند در انباب پر دانکی و جنگم مجدد
نطلبند ۵

۵ داکری بنام محمد عثمان و شاهد علی عرضه مرسله بظر
انور بگذشت قلم تراش و مقراض خوش اسلوب و قلمدان
چینی و سوزن ها که مرسول داشته اند تا حال بحضور نرسید
شاید در راتهای راه بوده باشد متعاقب موصول خواهد
گشت الات کهربا سازی را تمام و کمال از دست
فرنگی کارگر تیار کنانیده باتباع اللهیان نیز تعلیم دهانند
اگر فرنگی کهربا ساز برای ساختن او بلا عذر آورد ازروی
فعالیش برابکار باید آورد قلمدانهای چینی هم بقدر تیار
کنانند ۵

بکنل کجل هتی رسیده به بندوبست کنل مذبور سرکرده است
چهار فیلی نه علاقه ایشان که در کلش آباد و سولانگ
طلبیده نزد خود دارند باقی فیلی نجات را قبل ازاین
مناشیر تاکید مرقوم است بدانموجب درجرائی خواهند بود
یکصد و نوزده نفر کلاه پوش علاقه اول جنس را الات
حرب انها گرفته بیرون قلعه بدارند سوای این کس نیکه
از خود باراده نوکری سرکار از مکان خود کرنخیه آمده اند
انها را بضابطه سرکار نوکر داشته داخل فرنگیان بیرون
قلعه بدارند کس نیکه بگیر درآمده اند در زنگ دارند
بینی هندوی اس می فرنگیان که مرسول بود بر بالای هر
ازان از هندوی نوب نیده ملفوف رسلت بموجب
ان بعمل آرند و روبه قلعه که فرنگیان ساخته اند برای
ملاحظه حضور روانه سازند اگر خشخاش سرخ کهنه و
شالی کهنه در مودنجانه نباشد بمردم سپندی قلعه
هردو جنس نوید هند ۵
تاکید بنام

داروغه

دار السلطنه بین سازند نزد در عایت خان قلعدار
بالای کتل تا بلچری یکدسته جبش نگهدارشته وقت
بوقت خبر گیران آدبا شند تا مضبوط باشد هر کسکه
از مردم فوج آزان راه بیاید او را خبر داده و نیز سالدار
جوقدار یلم باشی و سرحشمه و غیره عهده دار هر که باشد
بذمه او جوابان داده سند و بست نموده نزد خود نگهدارند
و بحضور معروض داشته باشند احمد حسن سابق در
اسکدار نوکر بود حال بتعلقدار پیروای سرفرازی یافته
سوای این محی الدین محمدی یا جنید محمدیان همراه حسین علیخان
نوکر سرکار بود و تعلقدار تا بلچری این هر سه کس را معه
محمدیان همراهی محی الدین نزد خود حاضر داشته ضرآن
ملک و حسین علیخان واحد یک و ما نخان و راحمد را
طلبیده باشند و همین کیفیت انها بحضور معروض دارند
ظاهر میگردد که وقت خلک چندین اشخاص در عقب
مانده ازدور فراری گردیده اخبارات مختلفه شهره داده

۵ ۱۲ مرحبا نام سید محمد خان آصف جاه چهار صد
هون حیدری برای خرج دربار وغیره عایض نموده
رسید بگیرند ۵

۶ ۱۲ مرحبا نام سید غلام علیخان از معروضه داروغهای
سقط ظاهر حضور شد که ایشان مبلغ ده هزار روپیه
عوض فروخس بابت جده نزد دلال گذاشته
یک تنگ دست او نیز دلال مذکور نوشنده
گرفته اند چونکه داروغهای کوتهی سرکار ازان اطلاع یافته
درخواست مبلغ نمودند عذر می آورد که تنگ دست او نیز
اگر واپس دهند مبلغ کوررسانیده اند لهذا انکارش
میرود جهی دست او نیز روانه خدمت نذر باسقط
فرستاده زر معلومه از دلال اجا گرفته شود ۵

۷ ۱۲ مرحبا نام محمد عبید آصف فرخی ایشان نزد یک
کندل بوده هرقدر که از فرخی خزانه همراه خود دارند
از انجمله پنج شش هزار راجه نزد خود داشته باقی روانه

دارالسلطنه

انجا نام مرتب نام چراغ الدین بهمنی مخدوم فرخ حسینی

صدر

نام مرتب نام مهتاب خان آصف ثانی واصف و صدر

فرخی و اصفان احمد غایت در یکجا بوده موجودات

مردم دیده خرج با نهاد هند و در یکه از آصف فرخی گرفته اند

دالیس نگاشته با نیقسم نامردی اختیار نموده فراری شدن

بعد از نشه غیرت و شجاعت الحال هم مستقل بوده در

مدوبت و حاضر نی سرکرم باشند مشیر سومه علی را

دبیر محمود فوجدار برکت اباد مرسلت همراهی ادمان با

هوش روانه سازند

نام مرتب نام هر دو اصفان احمد غایت ایشان

صدر و فرخی و مهتاب خان در یکجا بوده موجودات

مردم از روبروی خود نادیده خرج مردم هند و در یکه

بوقت روانگی از آصف فرخی گرفته اند مهتابخان

تاکید سازند که همراه الیس هند و از راه نامردی فراری

اندیافضل الهی همه بجربت بوده باشند دفاتر حساب
روانه پتن سازند که نیکه زخمی شده آمده باشند زخم انها
دهانیده در قلعه کندل که مضبوط و مستحکم است انگهداشته
احتیاط کنند تا صحیح و درست شوند نیز بکمر جهازات
دیگره دیم دارد غنها و متصدی علاقه دار الضرب
دیگره هر کسیکه آمده باشد انهارا نیز خود بدارند طلا
دنقره و مس ترمیم سیاه و مندل بابت علاقه
کدام کدام کس چه مقدار در انجا مانده دریافته
اطلاع دهند از معروض چراغ الدین ظاهر حضور شد
که بوقت روانگی ایشان مبلغ بست هزار روپیه
بجوبان مهانجان داده بودند باید که زر مذکور را
از انها طلبیده گرفته هر قدر مردم که همراه مهانجان
بوده باشند بالفعل بطور علی الحساب خرچ دهند
بعد فراهمی همگی مردم متبی طلب تمام و کمال نوشته
بحضور ارسال دارند قسمیکه حکم شود بدانموجب بعمل اورده

خواهد شد

بنام شمس الدین جان خلف فقون غلام محی الدین عرضی
مرسلان نفض کیفیت رویداد انی بنظر انور رسید
باید که آینده بنامردی و دین کار فرموده باستقلال پیش
آصف صدور فرمی بوده همه مردم منتشره را جمع و فراهم
آورده بهده والا مقرر نموده خرچ زخم ها وغیره دانند
تعداد پیاده وغیره هر جیکه حاضر و فراهم آیند بحضور معروض
داشته باشند ۵

بنام مرتضی بهادر مفتون بنام میر کرم علی خلف فقون
احمد بیک ۵

دور از اہل غیرت بود الحال ہم باستقلال بودہ در کار سرکار
سرکرم فدویت و جانفشانی باید بودہ

بنام میر محمود سپہدار کہ کیفیت فرخی باستماع
ایشان رسیدہ باشد باید کہ ایشان معہ یوسف خان
فوجدار برکت آباد بسمت کوریال رفتہ در سلی سر
سکونت دارندہ

Captain
Franklin

بنام یوسف خان فوجدار برکت آباد کہ کیفیت
فرخی باستماع رسیدہ باشد باید کہ ایشان معہ میر محمود
سپہدار بسمت کوریال رفتہ در سلی سر سکونت
دارندہ

Captain
Franklin

بنام علی راجہ کنا نور کہ کیفیت فرخی باستماع
ایشان رسیدہ باشد باید کہ ایشان معہ یوسف خان
فوجدار برکت آباد و میر محمود سپہدار را ہمراہ خود کرفتہ
بسمت جمال آباد و کوریال روانہ شوند اکر ہرکدام ان عوالیمت
نصارا غالب آید باز کشی کاری نمودہ از نصارا واپس کرفتہ

Captain
Franklin
Major Shee
Major Popham
Lieut. Col. Close
Major Kirkpatrick
12th Decem. 1790

یازدهم ماه دینی سال شتا بتاریخ هشتم ماه رجبی سال
مذکور سنه الیه بنظر انور رسید شرح مرقوم بود که نسبت مرافعت
نثاری صدور انجا و نزدیکان انتقیا نهایت هنگامه آرائی
برپا نموده آند موضوع نشد منشور تاکید بنام آصف زمان
تنبیه رسانیدن دزدان متهور مرقوم و ملفوف گشته
ایندفعه نظر بشیوه نجابت خود البته بسرکوبی مخدولان
مشغول خواهند شد و ازین نامردی سرباز خواهند زد
بمرشام میر علی نقی صدور بطرآباد درین روز ها که
باکز متعلقات متعلقه طرآباد دزدان انتقیا سرشقاوت
افراخته بغارت گری اموال و تاراجی رعایا مشغول
باوجود ایمنی ایشان نجواب سرکوشش رفته معکر
بودن غیر ازین و نامردی چه تصور توان نمود باید در
آینده از راه نمک حلالی در فدویت سرکار سرگرم
بوده به تنبیه متهوران پردازند

بمرشام کطب الدین خان طلب نشستم حسین بهدی

مناشیر صادره من ماه رمضانی سال [illegible] محمد غایه امر شهریار مذکور

سه اله

Schmaeny

۴ مرقوم بنام محمد مجدی آصف دارالسلطنه تبریز عرضی مرسله
مرقومه سبت و چهارم ماه ذاکری سال [illegible] متضمن براینکه
متعلقداران جعفرآباد بسبب فراغت شعاری و رشوت خواری
مبنی بر تعلقه بدرستی نمی پردازند لهذا سید حسب پسر
متعلقدار ملکارا در عوض نامبرده بر تعلقه مذکور مقرر
ساخته شده موضوع شد تعیین نمودن متعلقداران و رسانیدن
سید حسب بجاشد باید که سید حسب را بر تعلقه جعفرآباد
بحال داشته تاکید سازند که مبنی بر تعلقه مذکور
نموده زر سرکار بموقع وصول آرد و در توفیر زراعت
و دلاسای رعایا سعی وافر بکار برد

۵ مرقوم بنام محمد مهدی آصف جعفرآباد عرضی مرسله مرقومه

ماه ذی

همانوقت باصف رسانند بنابر اینکه فوج متعینه کماحقه
در اطاعت و رفاقت نمی باشد لهذا ان نزا
اجبار بر طرفی و بجای دیگر شرح شش قرار و سی روزه مقرر
فرموده شده بود بارها بالتفات فهمیدیم باصدار مناشیر حکم
فرموده بودیم کسانی را که نوکر خواهند داشت و ابتکار
انها بملک سرکار طلبدارند بموجب حکم بعمل نیاورده امروز
بی اعتباری و نارضامندی داشتند و حق انها نیز تمام و کما
نرسانیدند ازاین سبب در وقت غلبک مقابله دشمن
هزار سوار رد بوزارنیاوردند و بار احوال خود معروض داشته
که سوار مفود از راه شرمندگی قول درخواست میدارند
چونکه ایشان را معتمد علیه تصور فرموده بودیم باقسم
بعمل نمودن چه مناسب بود ایشان را بانضباط جمعیت
سنگین و تعیناتی ششم جیش کهری برای این نگهداشته
انما بود که نظام علیخان با مرتبه آمده متنبه رسانند
نه که از سواران فردی پیشه غارتگری روزگار فرای

بجماعه چهارده شده ده هزار روپیه فاضل وسابق در عوض
علی الحساب دوازده هزار دیابت بازیافت فوتی و
فراری شش هزار و هشتصد جمله نوزده هزار و پانصد
راحتی بابت قشونات چیش بخشی و متصدیان کچهری
ششم چیش خورد و برد نموده اند در اینصورت اگر آصف
رصدور استفسار سازند بجیله و حوالجواب میدهند
که باوجود بودن ایشان با یکدیگر در سرکار ضایع
خواهد شد الحال باید که اول محمد یک بخشی ششم چیش را
باز بخبر نموده ذمه قلعدار فیض حصار دارند و ذمه
بخشی مذکور بعهده متصدیان طلبیده باصف رسانند
آینده تا آمدن پتی از حضور بجوانان چیش و عسکر سرانجام
رود و راحتی و بعهده والا انچه در باقیه ذات و رسد
میرسد بقدر نصف عوض انها بطور علی الحساب بعد
سی و شش روزه دست بدست روبروی آصف
رصدور میداده باشند هرقدر سلک و غیره که باقی باشد

شوند الحال نیز صد و دو صد سوار دزدان که بی فکر داشته
در تعلقات اینجا گذشته میدارند تا بینند که تهمت مردانه
معه جمعیت همراهی خود ننموده اینها بعمل آورده اسیران را
برزخان او نخته و باقی را دست و پا بریده باشند
تا دهشت ناک گشته در ملک سرکار شرارت ننمایند
و سوارانی ایشان نیز تا صدور حکم نام آصف در باب
فصل حساب فی راس پچراسی و زیاده ما عوض هفت
صد پراسی حکم فرموده نشده حاضر سواران را موجودات
گرفته بیمی بهر و دستخط داده مبلغ بگیرند و آصف صدور
از خود طلبیده روبروی دست بدست تقسیم نمود
باشند و در تیاری حرص و تنبه دزدان مشغول و
سرگرم باشند و کار حیش کچهری از منصب حیدر بخش
میگرفته باشند و والسکان مردم حیش نیز ملک سرکار
جارند تا دوازدهم ماه ذاکری طلب سواران بهاره رسیده
هفت هزار فاضل طلب مانیقسم بی باق احوال نوکری

باقیم

وصول مجرا نداده اند از انجمله هشتاد و هشت جوان رجوع
شده باقی هم می آیند لهذا حکم فرموده می شود که بالفعل
عوض جوانان مفرور مجرا داده برعهده دارالانشا انداخته
نوشته بفرستند آینده قسط مقرر نموده بمرور در هر جا که
وضع ساخته باشند و هر قدر جوانان که آمده باشند
خواهند آمد در طلب شامل نموده وصول وضع نموده
طلب میداده باشند مگر انکه جوانان اکبر میرآیند
آنوقت چند ایام غیر حاضری نموده باقی طلب میدهند
باشند مسموع شد که هر جوان را از بابی او وصول
دریافته مجرا میدهند باقی را قبول ندارند باید که
دراینصورت از سپهدار و سالدار و جوقدار و بخشی
و منصبدار قشونات دریافته بداخلان مجرا دهند و
بخشی و منصبدار کچهری یا عهده دارهای قشونات هر قدر
که در سرکار خود دوبرد نموده اند رجوع دیده از انها
نقد عوض باید طلبید متعلقان عهده داران که در

بارها بایشان حکم فرموده شده که روبروطلب تقسیم می
ساخته باشند باوجود این بفکر نبوده با تقسیم حالا
معروض داشته اند در این روزها سواران قطب الدین خان
فی سوار بجراضی وزیاده عوض هفتصد راضی دادن حکم
فرموده میشود بدانموجب خود و صد و رنزد قطب الدین خان
رفته تقسیم مکنانیده باشند در باب تنبیه نمودن
وزدان بقطب الدین خان مرقوم است بدانموجب بعمل
آرند تنبیه خواهد نمود مکرر انکه عرضی اهل کچهری در اینمعنی
صادر شده است که ازان هشتصد و چهل و یک جوان
که در جنگ بکار آمدند و فراری کشته اند طلب اینها سیزده هزار
و دو صد و هفتاد راضی منها نموده اند و بجوانان مذکور
برسم علی الحساب بفت هزار و هفتصد و هشتاد راضی
شش فلم وصول بود عوض مذکور در بیتی حاضر جوانان
وضع میسازند سوای این دو صد و چهل و نه نفر
راده آمدن اینها بود اینها را نیز در طلب منهائی نموده

نام وکال نقد وصول نموده بذمه آصف داده رسید بگیرند
ایده تا رسیدن حکم بنام آصف و صدور بجوانان جیش
دکن دود و راحتی و بعهده والا نصف عرض دریا
ذات و رسد دیه سی و شش روزه بمعرفت قطب الملک
دام آصف صدور رو بر و تقسیم منموده باشند و دریا
نبه دزدان نقطب الملک مزدوم است بدانموجب ایشان
هم بعمل آورند سرانجام ضروری درخش و تفنگ و قت بوقت
دیده آماده و درست دارند اگر والا بکان جوان و عهده
والا صدمه نگیرد باشد بفیض حصار طلبیده حاضر دارند ایضا
جمعیت سنگین دهنده داران اعتباری نزد خود داشته
ایضا سپاه گرفته اند احوال هم بخبرداری و هوشیاری بود
در فرد و بست کار سرکرم و حاضر باشند و متصدیان
کار بافعل هستند زر خود و دیرداز ایشان تمام وصول سازند
وایده اگر در کار سرکار دیانت ورزند بهتر والا بحضور
سرو نمدارند متصدیان دیگر از حضور فرستاده خواهد شد

هستند همه را با تعلل بجا بیاورند باید که ایشان هر دو
سه مقصدی نزد قطب الدین خان بهادر رفته بتواره طلب
نموده باشند زخم بهائی که داده اند در طلب مجرا نگرفته
بموجب نگارش بخشی گیری ضابطه دوم قاعده زخم بها
میدهنده باشند در این صدد و مناقشه طلب ندارد
مردم را فراری نکنانند

ششم جیش گیری

مهر نشان حیدر بخش ششم بخشی گیری از دیوان عرض
رسله آصف و صدور تفاوت تنخواه از علاقه داران
ششم جیش گیری دخورد و برداشتها موضوع شد الحال
بنام قطب الدین خان و آصف و صدور علیحده علیحده حکم
نموده شده ایشان را محض بجا بیاورند و بست جیش
روانه نموده شده بود اسقدر تفاوت که نخشیان
و منصبان گیری بعمل آورده اند هیچ در حضور معروض
نداشته اند شاید که خود هم شریک گردیده شرمنده
شده اند باید که الحال عرض خود و دیگر بخشی و منصبان

نام

کنایدن ختم بارب منشور بنام قلعدار متن مرقوم است
که پرتشاه الله لوک را بزخواندن ختم بارب مامور
دارد ۵
۵ امر بنام الصف جمال آباد ظاهر حضور شد که رام کشنا
دیوه متصدیان کچهری ایشان مبلغ شش هزار روپیه
سرکار خورد و برد نموده باوجود اطلاع ایشان در
وصول زر سرکار تغافل ورزیده اند بلکه حمایت زردار
بعمل می آرند باید که بمجرد ورود منشور فیض گنجور بلاتوقف
مبلغ مذکور وصول نموده داخل خزانه سازند والا
رام کشنا را احوال غلام محمد عامل کوریال نمایند تا بسزا
زر وصول خواهد نمود و بغلام محمد تاکید سازند که اگر
رام کشنا را بجان نکشد و در عوض آن از روی شرع
در قصاص بشما قتل نموده خواهد شد زر وصول
سازند و پس عرضی دارونه جهازات خوشحال بور
برای دیدن ایشان ملفوف مرسلت اجناس روانگی

اوراق

ه امر بنام سید محمد قلعه ارتین بزرگی مسمی به میرزا
در قلعه دارالسلطنه تبریز سکونت میدارند و از
خواندن طریقه ختم بارسی وقفیت و مهارت کلی
و اجازت از سلسله جلیله قادریه بان بزرگوار حاصلت
لهذا مرقوم است که سرانجام انها از تعلق ارشت سرانجام
از کسی دیگر توانایت دریافته بموجب اظهاران بزرگوار
سرانجام ختم خوانی مهیا نموده میدهند اگر خواهند که چند
اشخاص صلحی برای خواندن ختم با خود شریک دارند
حسب الخواهش انها چند کس صالح را مقرر نموده بدهند
و طریقه خواندن ختم مع اجازت نوشته کرفته زود
حضور سازند

ه امر بنام علیرضا [illegible] مرسله محرره چهاردهم ذیقعده
سال بشتاد و یک ۱۲۸۱ محمد در اطلاع معاملات عالم رویا و رؤیا
نمودن و دوجوری هر کاره نزد او راستی و هری میدهند
بهر کیه بشرف وضوع بیوست حسب المعروض در باب شیخ
کنعان

کچه را بر مقابل سرکار مابر نموده بزودی بهمراهی منازل
نجار را تبدیل علم روانه سازند تا اشقیای اشقیا نشانند
که منازل سرکار است بجاه نفر خلاصی و یک انبکر
برای حفاظت جهاز فتح سلطانی اگر ضرور دانند تا
بودن ضرورت نوکر داشته بعد ازان برطرف
سازند ۵

۵ امر نظام غلام محمد تعلقه ارکوریل عرضی مرسله دریا
خورد و برد نمودن رام کشنا وغیره مقصدی آصف
کچهری حال اما دلیل وضوح ثبوت ما صفحه دریا
وصول نمودن زر مذکور مرقوم است اگر آصف وصول
سازد بهتر والا رام کشنا را بذمه خود گرفته زر وصول
سازند دریاب و این رام کشنا بندران را در صورت
عدم وصول نمودن خود تاکید ما صفحه مرقوم است
می باید ایشان وصول نمایند چنان نشود که رام کشنا
از جان کشته گردد والا در قصاص او موافق شرع

فتاد نموده خواهد شد

۱۱ مرتبه نام سید محمد مکرم سودا گر از اظهار شیخ بدین
رسالدار ظاهر شد که ایشان آراده امدن حضور
پر نور دارند لهذا از سبب نگارش می یابد که خود را
بلا اندیشه حاضر حضور کردانند بعد آمدن ایشان بحضور
والد ایشان را نیز روانه بهولچری نموده خواهد شد

۱۲ مرتبه نام محمد رضا سید ابراهیم سپهدار را موقوف
تعلقه نزد ایشان روانه نموده شده باید که فتوی مذکور
نیز همراه خود داشته نبنه اشقیا بواقعی پرداخته خود را
بحضر العظیم رسانند

۱۳ مرتبه نام محمد علی آصف فرخی عرضی مرسله محرره
بست و چهارم ماه فاکری سال شتا تشریف فرمای بیوت
مبلغ بست هزار راضی در وقت روانگی از فرخی به
قهانجان داده اند و ایشان بگیرند از انجمله رسم علی نجات
خانمد کور بمردم فوج داده باشند مجرا داده روز بینی مردم

قلعدار مکان مذکور باز قدری جمعیت داده دران قلعه
قایم و مضبوط دارند که دزدان که در اطراف و جوانب قلعه
احمدنگر شرارت و هنگامه آرا اند با ایشان نبه واقعی سازند
۲۴ مرتب شام تهاب خان در وقت برآمدن از قلعه
مبلغ سه هزار روپیه از اصف فرخی گرفته اند باز
واپس نزد آصف سازند اگر خبری علی الحساب مردم
ملازم سرکار داده باشند از او ضع نموده روز بیستی مردم
حال حاضر نویسنده بعد وضع علی الحساب روز بیستی
تقسیم نمایند مردم را جمع نموده دلاسا داده از امان
عهده واگذار مقرر نموده بقلعه نامبری که بالای کتل است
مضبوط سازند مزدوران اطراف و جوانب قلعه احمدنگر
که شرارت پرداز اند تنبیه رسانند شرم نمی آید که برروی
خود ریش و بروت داشته اینقدر بزده بجای برود
خود کرفته اند نوکران نضار را از یک راه زندگی خود
را برآب و برباد داده بملک دکران آمده جبک میسازند

حال حاضر تو لیاقت بنده علی الحساب را در بنی وضع نموده
روز بنی بر هند و تمامی خزانه مصحوب یک نفر معتمد
روانه بنین با مرقوم منشورات علی راه و الیس بحضور تو بفرستند
عرائضیات ایشان که قبل از بن بحضور معروض داشته بود
همانوقت در جواب ان مرقوم ساخته روانه نموده شده است
هر قدر افعال که بذمه ایشان است همه را در پیش طعدار
بنین روانه سازند ۵

۴۳ مرقوم شد نام چراغ الدین فوجدار فرخی همقدر سابق
که اصف فرخی بذمه ایشان نموده اند باید که تمام و
کمال باز و الیس بذمه آصف ساخته بدرگه داده
روانه بنین سازند در انجا هر قدر عهده و الاکه آمده اند
از ایشان رسیدار و جوقدار و سرخیل و غیره عهده منور
نموده مردم متفرق را فراهم سازند و بکار سرکار دیر
فدویت و جانفشانی حاضر دارند ایشان و تهانجات
باتفاق معه جمعیت تعلقه تا ملجری که بالای کنل است رفته

فقط

کردا کی نوکران اسد اللهی بمکان مذکور صرور نیست
بدست آدمان خود خطوط روانه مینموده باشند با این
اگر بسیار بجد شوند مضایقه ندارد آدمان سرکار را
بجانبین روانه باید نمود از جمله او به رویدبسیار
کهنه بود لهذا او این است تازه و نو خرید روانه سازد
عرق باسن را بگمان اینکه هیر اکشش است خریده اند
چونکه عرق هیر اکشش هم مطلوب سرکار بود نگهداشته
شده مقابل عرق هیر اکشش نیز روانه سازند
نابودن لشکر فیروزی باین نزدیکی قدری ترکاری
ان ام ان ام خریده روانه مینموده باشند ۵

ماه مبارک صفر ۱۲۵۰ صد و پنجاه و شش هجری
مرسله مرقومه سیم ذاکری مظفر انور بگذشت مرقوم بود
که سواران قطب الدینخان همه مغرور اند و طلب سواران
نهایت دوازدهم ماه ذاکری تمام و کمال رسیده
دو هزار هون فاضل و چهار هون بابت نیم ماهه جمله

دلیکار آقای خود رونق سید هند لعنت الله بر مثل شما
نوکران که کار خراب و ابتر میمانند ۵

۴۳ رحمانی بنام آصف دصدور خدا آقا سید محمد خان
رسالدار جیش جمعیت رساله خود تعین ایشان
بود نامبرده را معه سامان و سرانجام کنداه وغیره در همراه
روانه حور سازند نا قشون سید ابراهیم سپهدار
که بسمت مکان مذکور روانه کرده است رساله او
هم در قشون ملحق کرده بکاریکه مامور است همراه قشون
روانه کرده ۵

۴۴ مرتب بنام محمد النبی خان طرفی مرسله قصص کواریف
رسید ادمعه دو فرد ملفوفه یکی یادداشت اردوبه
توخرمه دیگری بخط موسی لنزی در باب اخبار خانبین
بنظر انور گذشت مفصل کیفیت مندرجه بوضوح پیوست
همگاکه موسی لنزی و موسی دفرش برای فرستادن
شتر سوار ما هر کاره بخانبین بیایند شوند جواب باید داد

۱۱ اردیبهشت

درسپهدار تا سرحل از جمله خوب دریافته هرقدر
زر داعی سرکار بذمه بخشی و مفسدان بخوف باید
بعرض وصول آورده معروض دارند والا خود ها از
راه موقوفی و فراغت شعاری راضی به خورد و برد
دزدان گردیده الحال مثل زمان شلیته که شور و
غوغا برداشته آند هیچ فایده غیر از ابتری کار سرکار
متصور نیست باید که زر عوض علی الحساب بموجب
حکم سابق بمردم فوج مبلغ داده باشند قبل ازاین حکم
فرموده شده که برای مردم فوج وغیره مبلغ پنجاه
هزار راضی از نزد آصف فرما بحصار طلب دارند
لیکه مزرقه معتبر روانه باید نموده مبلغ مذکور طلب
داشته باشند ۱۲

ه امر بنام محمد خیات دو قطعه عرایض کی مرقومه
ست و پنجم ماه فراکری و دیی محرره پنجم ماه رمضانی
بتاریخ ست و پنجم ماه مذکور متضمن کیفیت شکاری سیر

هفت هزار هون وطلب مردم جنس بعد وضع موقوفی
دفراری بنجاه رسیده ده هزار روپیه فاضل ماوجود
این طلب بیش دو ماهه گرفته میخواهند که بنجاه تقسیم
ساز مفهوم شده هرگاه که در وقت طلب دو ماهه
بذردی درآید مردم فوج شور و غوغا برداشته همانا
برما میبود مذ سوای این ان حکم فرموده شده بود
که با مصدیان خود در نگهری نشسته رو برو دست
بدست تقسیم نمایند باوجود امداد حکم تغافلی ورزند
تساهل نمودند پس جواب اینهمه دزدی تعلق بشما
دارد در این روزها ان خود موجود اند دبخشی
حال چه دریابد وطلب الدینان شریک دزدی
نیستند دبخشی قدیم بازبخیر افتاده است کسی
در اینوقت احوال دزدی او را پرسیده نخواهد داشت
در اینصورت باید در ان دقطب الدینان نگاه
نشسته تحقیقات و تفحص امعنی از اهر هر عهده دار

دار السلام

و مامور و مقید بودن خود بر ختم خوانی برای حصول فتح و نصرت
و مقهوری اعدای دین و دولت بشرف وضوع بوست
سید معصوم و رحمن خان را بهمین کار کنند بدن حروفهای
جبر مقید داشته همادغره هم بزودی در جواهر خانه
تیار کنانیده در عرصه یکماه از اتمام کار سرفراز حال
نموده معروض دارند سوای این در میان علاقه داران
دار الضرب هم اگر سر کنده کرده باشند انهارا
باهر دو نامبرده شریک کنده نمودن باید داشت
در اینباب به سید محمد قلعه دار و علاقه داران خزانه
منشور تاکید مرقوم است

امر مقام سید محمد قلعه دار بین طاهر مصور شد
سید معصوم و رحمن خان در کارخانه قمر الدخانین در دو
روز بکار کنند بدین حروف جبر سرری آیند و بهار
روز بکارخانه نیادین میباشد لهذا امر قوم است بزودی
را تا اتمام کنده جبر همین جا دارند تا بزودی تیار کرده

سر برحاصل آید سوای این اگر درمیان علاقه داران
دارالضرب اگر کسی کنده بهتر و خوب میداند و راهم
داخل و شریک هر دو شمار الیهما سازند در اینباب
علاقه داران خزانه بنز مرقوم است ۵

۴ مرتبه نام وارد نهای خزانه بین منجمله علاقه داران
دارالضرب اگر کسی کنده خوب و بهتر میدانسته باشد
او را تجویل محمد غیاث برای کنده چهار حروف سر بر
سازند تا همراه سید معصوم و رحمان خان کنده نموده
باشد ۵

۴ مرتبه نام محمد رضا داروغه قلعه عرائض محرره پانزدهم ماه
رمضان بتاریخ بیست و پنجم ماه مذکور بنظر انور بگذشت مرقوم
بود که احوال بی بندوبستی قلعه ظفرآباد نمیتوانند بعرض
برداخت فرمودند جمعیت سه هزار سوار و بارودچی
روبروی قلعه بسد هوت فرود آمده است و شیخ دلیمحمد
با جمعیت چهار صد جوان همیشه در سه صد سوار و قدری پیاده ۵

برخوداری

سید ابراهیم سپهدار را معه قشون و سعد در بخش سوای
این چهار در بخش نمایر رسانیدن هم جنس گهری
دیگر صندوق طرنگ از راه سنگلور نزد ایشان
روانه نموده شده انشاء الله تعالی عنقریب خواهد رسید
و نیز بخشی سیک نوشته بکپرسلاح جوانان قدیم اعتماد
نمایر حفاظت قلعه حضن العظیم گذاشته باقی جمعیت
را از راه تراکم اشیای پیش خود طلبدارند مدستور
دلیجه را نویسند که یکصد جوان معتمد در قلعه سد هوت
گذاشته معه باقی جمعیت خود را پیش ایشان برسانند
چنانچه در اینباب بنام هر دو سه را لیها منشورات مرقوم
و مرسول است برسانند و هم بنام بخشی سیوم بخش
و قطب الدینخان مرقوم است که قشون حسین خان نوذی
و سر ابراهیم را پیش ان برخوردار روانه سازند باید که
جا بجا منشورات روانه نموده همه جمعیت مرقومه صدر بخش
خود فراهم آرند بعون الله تعالی بعد فراهمی انهمه جمعیت

در شهر بناه سد هوت اقامت میدارد بهار اهل
واسد علی معه جمعیت ده هزار سوار و بار و توپ و غیره
متصل قلعه حصن العظیم فرود آمده است و بالیکاران
نکحرام اطراف قلعه حصن العظیم محاصره دارند و جمعی یک
معه جمعیت که جلو چهار هزار است در پائین قلعه حصن العظیم
است و از اطراف امدنی اذوقه و غیره مسدود
بنابران هر روز غله از ذخیره بمردمان لشکر جیش کچهری
و سبندی قلعه میدهند و ایشان باندک قابوی راه
زود داخل حصن العظیم گردیده بفضل الهی تردوات
شایسته بعمل خواهند آورد و بنابر دادن دو قشون
از ششم جیش کچهری معه دو هزار جوان غله از فیض حصار
حکم حضور عز اصدار یابند تا حصن العظیم رسیده قشونات
مذکور واپس فرستاده خواهد شد برای فرود آمدن
در اثنای راه قلعه دیجلب پار در الجری و تکلور هم
واقعست معلوم شد پیش از وصول عرایض ایشان

بسم الله

شود که بنا بر طلبیدن اخبار بیخ جوری هرکاره زمان دار
وغیره هر ماهه فی نفر نهصد روپیه نوکر داشته اخبار
مخالف بواقعی طلبیده باشند متعاقب صدور دیگر
بطرآباد معه قلعدار و منشوران از حضور میرسند چهار
صد پیاده معتمد با میم باشی از نزد پر بنا بنا بر بودن
ظفرآباد فرستاده شده مقرر مردم کوری کوبنده و
رضا کرد وغیره اماکن که هستند انها را نیز مرخص فرستاد
دلاسا نموده قایم دارند ۵

۱۶ مرسلهٔ نام محمد مهدی آصف ظفرآباد عرضی مرسله
مرقومه یازدهم رمضانی بتاریخ بست و پنجم ماه مذکور رسیده
کماهی حقیقت مفصل بوضوح پیوست مرقوم بود که احوال
ملکی و اماکن استطلاع و کوتاه اندیشی صدور قلعدار را
نمیتواند هیچ عرض پرداخت بوقت باریابی حضور بعرض
برداخته خواهد شد یکصد نفر پیاده که متعلق آصف
کچهری بودند از چهار ماه صدور موقوف نموده است

مهنا بخان و رعایت خان قلعه دار تابلجری بر سر کتل
رسیده بند و بست قلعه سازند جمعیت معقول در
قلعه گذاشته باقی جمعیت باحمد نکر آمده در دانگه
کرده نواح احمد نکر شرارت پردازند تنبیه کرده باز خود را
در کندل اقامت دارند و دو درخش سر با چهار
هج رطلی معه صندوق ان که قلعه دار تپن میفرستد یکی
را بندر مهنا بخان دهند و دیگری بندر حسین خان
بورای که در اینولا سپهداری انجا مقرر نموده از
تپن روانه نموده شده است فرستادن نمایند و
خزانه را پیش قلعه دار تپن بفرستند و حاضری نمی فوج
متعینه مهنا بخان نیز بزودی روانه سازند

۴۱ مرتبه نام مهناب خان حاضری نمی فوج متعینه خود
روانه سازند ان معه جمعیت و چراغ الدین و
حسین خان بورای که در اینولا برای سپهداری انجا
برسد رفته بند و بست قلعه تابلجری نمایند و درخش

معقول میکردد انوقت به تنبه مفاهیر کرانهمه فرقه ضاله
فی الحقیقت دشمنان دین همرا صلی الله علیه واله
وسلم هستند بیردارند بقتل کلیت کرنا بیدات
غیبی ش ملحال افواج سرکار اسد الهی خواهد کردید بحمد
اینکه نیت حق طویت بر خدا میدانم واستعانت
واستمداد از خدا ورسول واسد الله الغالب است
اکر بعد فراهمی جمعیت مرقومه صدر بحض العظیم رفتن
مناسب دانند از راه تراکم اشجار بردند والا نه بیرون
از پناه مکانها تنبه مفهوران بواقعی بعمل آرند بعد تنبه
مفسدان آن نواحی اکر بسمت قیص حصار هم اکر
ضرورت دانند معه جمعیت کمک سازند دو دو هزار
سه سه هزار که بیفکر کشت دارند یعنی کو با طلبی
وقت آن برخوردار است بعد رسیدن همه جمعیت
جبر درست طلبیده از راه دور رفته برانها شبخون سازند
تا همه قتیل واسیر شوند حسب المعروضه ایشان حکم فرمود
شود

مفهوم و معلوم شد عقریب صدور دیگر و فلعدار منشوران
درانجا از حضور فرستاده میشود بنابر دادن صد بیاده
متعین کجهری ایشان تاکید بنام صدور مرقوم است
مردم کوزی کوتنده و رضاکرد وغیره اماکن را خرج داده
بندوبست نمایند سید عبد الرزاق شخص مالکی نشین
که از ملک کرستان بارادهٔ بهره یابی حضور در انجا
رسیده اند مبلغ یکصد روپیه بخرج راه داده روانه
حضور ساز ند راهداری نیز مرسلست ۵

۴۶ مرسلهٔ بنام سید عبد الرزاق عرضی مرسله متضمن ارادهٔ
آمدن ایشان بحضور پر نور بنظر انور بگذشت مبلغ
یکصد روپیه از نزد آصف نظر انا داد خرج راه گرفته
روانه حضور شوند راهداری مرسلست ۵

۴۷ مرسلهٔ بنام چراغ الدین باید که مردمانیکه می آیند همه را
جمع نموده عهده داران مقرر نموده بندوبست سازند
و کسان متفرق همه یکجا جمع باید نمود موجب خود

تحصیل تعلقات فراهم آورده باشد بقید قلم درآورده
بعرض حضور برسانند تا بعد از یافت آن برای
ارسال حضور پرنور حکم فرموده خواهد شد
صلح مرتبام میرزین العابدین در اصل اسپ یکه
نیلا دو دیم سمند مایت نو خریدی کاروان که بهتر و
خوش اسلوب بنظر درآمده بود نظر بانجا داسپ نیله
برای سواری موسی و فرین کوتر هولچی دیگر برای
موسی لری از راه تفصلات و عنایات مرحمت
فرموده ایم باید که بهر دو رسانند بنا رانیها برسانند
شخصی که با این اسپ موسی لری را به شمشیری
زد و رقید انداخته روانه حضور باید نمود چوبدار را
بسزای بدکرداری ادبی برسیده باز بانجا فرستاده
شده است باید که در تمامی آبادی نشهر بسازند
تا همه ادنی و اعلی سزای بدکرداری معلوم و مشهور
گردد

ملک سرکار حساب چهل روزه طلب یکماهه واز روز یکه بملک
بر داخل شوند از ان روز حساب سی و شش روزه میدادو
باشند سیوسنگر بهشت را بموجب مرقومه سابق بنجاه و
پنج راضی در ماهه میرسانیده باشند هرگاه عرائض ایشان
فایز حضور میگردد بهمانوقت نشانیده در جواب ازیجا روانه
مینمودند یکه میرسیده باشد ۵

امر بنام میر علی صدر در حساب حصار عرضی هرسله
متضمن بر اینکه از استماع خبر تغلب و تصرف مبلغ نوشکی نه
موجودات دیده اند ازان یکهزار و چهار صد راضی از رد
حساب بجا و زاده بطرف کوه بری راد گماشته رام راد
که در نوشکی نه مقرر بود بثبوت پیوست نامبرده نزد یک
محمد دولت رفته کیفیت غبن اسامی و ارظاهر نمود
مفصل کیفیت را معروض داشته اند معلوم شد ایشان
نوکر خیر خواه سرکار نبوده اند که برای تقبیح امر معامله حوالی
محمد دولت باشد باید که اهال کوه بری راد را دستگیر کرده

سر بخر طلی قلعدار بتن مبلغ پسند یکی مذمه خود کرفته در
فوج خود دارند دیکری به حسین خان بوزانی دهند
در قلعه تابلچی جمعیت معقول کذاشته بسمت اندکر
که شرارت در زدان بر بات روانه کرده به تنبیه
متهورسازند و باز معه جمعیت در سکندل رسیده
اقامت در زند ۵

۴۸ مرحوم نام اصفان آمد غایت حاضری نبی مردم
فوج همراهی مهتابخان بفرستند ۵

۴۸ مرحوم نام محمد علی آصف فرخی آب و غیره سامان
در سرخ نام سید محمد خان مرحوم را معه آدمان انها
روانه بتن سازند رسانیدن مبلغ بیجاه هون برای
تجهیز و تکفین سید محمد خان بجا و مقرر شد برای بعد
مردم انجا مهتاب خان و چراغ الدین مرقوم استانش
هم همانجا همراه انها بوده بتن دست کمک سازند ۵

۴۸ مرحوم نام امام بیک آصف فلک الاعظم هر قدر زر

بخل

۱۹۱۸

مباشر حضور پرنور مرحمه مغفره ماه راری سال شتاسر ۱۹۱۸ مجد
نفایه افراد مذکور

غره مذ بنام علیرضا عرضی مرسله مرقومه یازدهم رجائی
سال شتا بنظر انور مکدشت مفصل کیفیت مندرجه موضوع
پیوست مرقوم بود که سابق منشور فیض کنجور معه افراد ضابطه
دادن بیتی مردمان همراهی ایشان که از حضور عز اصدار
یافت در ایشان در باره تمامی مردم یک حکمت از
بسی دشش روزه طلب بکماهه داده باشند و حال
افراد حاضری وصول کچهریجات عز اصدار یافت در بعضی
افراد قید چهل روزه و در بعضی قید سی و شش روزه
و در بعضی نه قید چهل روزه نه قید سی و شش روزه مفهوم
و معلوم شده باید که تمامی مردم متعینه همراهی خود را بودن

بلکه

بدارند و مفصل کیفیت دزدی بحضور عرض پردازند

امر بنام سید جلال الدین خان صدر بکلور عرضی
مرسله متضمن رسیدن ایشان بقلعه بونکور و فراری
گردیدن سمورام وغیره نمکحرام و دادن قلعه دار وغیره قلعه
مذکور را مخالف موضوع شد سابق مکرر بنرقم در آمده
است که قلعه بکلور منهدم سازند اگر موجب حکم بانهدام
در آمده باشد بهتر والا بمجرد ورود این منشور کرامت
کیجور قلعه را شکسته نهانه وغیره مردم بخابر دارند

امر بنام میر زین العابدین و عبد النبی خان عرضی
ایشان متضمن کیفیت کودلور وغیره بنظر انور نگذشت
مفصل کیفیت مندرج بوضوح پیوست باید که مطابق
حکم مکارمند بوده متوانر اخبار رویداد معروضداشت
باشند و اینکه کار بکرر امعه قابل و بدستور دیگران
را که بتفصیل در حکمنامه مرقوم است برای نوکری سرکار
باید آورده باضافهای تمام و تدابیر صایبه مقدمات امور

سرکار را سرانجام دهند ۵

۴ مرقوم شد میرزا زین العابدین مسموع میشود که در میان
انگریز و فرانسیس جنگ و جدال برپا کردیده لهذا اهل
بولچی حسب الطلب مورس والا بالکلیه نهو لچی خالی نمود
میفرمایند هرچند اینمعنی قرین صدق نمیکردد باید که اینمعنی
کماحقی دریافته مفرود ندارند

۴ مرقوم شد اخبار خان عرف سعدی خان مدبت سرمدر عالم
بمعرفت حکم واصل داده شده حسن رسوخیت ایشان
باسرکار اعلی و ثابت قدمی بدین اسلام مکرر بعرض حضور
پوست لهذا حکم فرموده میشود که بر ذمه جمیع اهل اسلام
فرض و متحتم است که در همه حال و بهمه وجوه بتقویت و
حمایت دین بیمثل خود ساعی باشند

۴ مرقوم شد اهل اللہ شاه دهه ایت اللہ شاه و حسبد عبد الغفار

جیش و پیادگان نفرستند که تا نعوان و غیره را تنبیه نموده
خواهد شد جوابش ننوشت و در قلعه مذکور نهصد جوان
عازم اندازان قریب صد جوانان قدیم رو نفرار نهادند
دارند سلوکی علاقه داران پیادگان سرخشمه هاو جیش
ناخوش اند معلوم شد بمجرد رسیدن عرضی ایشان
قاسم بیک برادر نواز بیک که در سوارکهری رسالدار
بود از انجا بر قلعداری ظفرآباد و معظم خان رسالدار
سواران را انجا بر خدمت اول صدوری ظفرآباد مقرر
نموده بتاریخ ست و پنجم ماه رمضانی روانه کرده شده است
نیکه عنقریب خواهند رسید و یک قشون سید ابراهیم را
نیز معه دو شهباز و چهار دو خش بنا بر پیچم جیش همراه داده
فرستاده شده نیکه جلد خواهند رسید و بعد رسیدن
قشون فکر نتیجه مفهوران ساز ند حسینی بیک بخشی
پنجم جیش را نوشیند و بهر طریق معه جمعیت پیش خود
طلبیدارند و ازان چهار صد نفر معتمد در حصن العظیم معه

خطیب بفضل الٰہی آن حقایق آگاہ از جمیع دلایل قطعیہ
و احادیث صحیحہ براکی دارند پوشیدہ نخواہد بود
کہ در ہمہ حال دعای فتح و نصرت غازیان اسلام اہم مہمات
است پس بمقتضای اللہم انصر من نصر دین محمد البتہ در
اوقات مخصوصہ خود بدعا موظف باید بود و باید ہر جود را
بملک احمدی برسانند کہ بفضل الٰہی و باعانت حضرت
رسالت پناہی بجمیع وجوہ اسباب معاش وغیرہ فوق
مہیا خواہد گردید
بر پروانہ اہل اللہ شاہ دستخط شد سوای این حکم شد کہ
دستخط ضرور زینت مہر نموده باید داد ۵

بہ مہر نام محمد رضا فوجدار حصن العظیم عرضی آن
مرقومہ نجم رحمانی بہ بست و ہفتم ماہ مذکور بشرف وضع
پیوست مرقوم بود کہ در ملک طلب آباد حصن العظیم از
رعایا و غیرہ قادر نمانده است بصدور فرمان عالی
خلافرستاده کہ اگر ہفتصد و ہشتصد جوان میدان
کارزار

در جمیع امورات سرکار باتفاق یکدیگر ساعی و امیدوار
سرفرازی باشند و در هیچ امر ضد و خلاف نپردازند ۵

۴ مرقوم شد میرزین العابدین عرضی مرسل شریف
مضمون پیوست دو دستک راهداری مرسلت آدم
ها را از کنار دریا فرستاده از جای معلوم خبر مطلبد
باشند رام راه را رامج داده فرار دوانه نموده میشود
در نزع فلفل کرد و صندل مرقوم است به هولجری واله
بگویند که هر قدر که خواهند از این نزع نخرند ۵

۴ مرقوم شد زین العابدین عرضی اشان محرره چهارم
ماه راری بتاریخ پنجم ماه مذکور بشرف وضوح پیوست باید
که عبدالنبی خان را بالفعل در جای گذاشته مردم همراهی
خود را همراه کرفته بحضور بفرستد ان الله المستعان فیمکه
نصارای بیدین حرف تکبر و غرور سر زده است نتیجه
این به بدترین احوال خواهند دید ۵

۴ مرقوم شد نقیب اهلک قبل ازاین مرقوم بود که ایشان

یک سپهدار نگهداشته باقی طلبدارند و شیخ ولیعهد را از
سه هوت معه سوار دیگر ساله مردم خویش که پیش نامبرده
است از راه تراکم اشجار روبناه کوه پیش خود طلبدارند
دیگر جمعیت متفرق که هست همه را یکجی سازند تا از نوین
جمعیت گران کار بهتر و درست برمی آید و در قلعه ظفرآباد
مردم رعایا و بنزه که هستند همه را برآورده بگویند که
در جاهای پناه بروند و در قلعه مردم رعایا را ندارند
تاکید تمام آصف دوصد در ظفرآباد مرقوم است که بموجب
کفته ایشان کاربند باشند ۵

همه بنام آصف دوصد در ظفرآباد برخوردار محمد رضا
را حکومت یکی ظفرآباد و حوض العظیم داده روانه نموده
شده است باید که در هر کار و خدمت سرکار امدی
مطابق کفته برخوردار مسطور کاربند بوده معروض داشته
باشند خدا نخواسته اگر از دست ایشان در کار و خدمت
سرکار قصوری رود هر مورد عتاب و تقصیر مند خواهند شد

دارالخ

معه جمعیت خود و ششم جیش کمپنی بسمت حصن اعظم روانه
گردیده بکمک و اعانت هجم جیش کمپنی پردازند مکمل
حکم فرموده میشود که روانگی بسمت مذکور موقوف نموده
الیشان معه جمعیت خود و ششم جیش کمپنی در سایان
و سرنجام درخش و غیره ضادیق و قبایل متعلقه خود
معه قبایل علاقه داران کمپنی مذبور باستقلال و دلدهی
خود را بقرحاصار رسانند و بعد رسیدن خود به
مکان مذکور بحضور معروض دارند تا بر انفصال کرده
دادن روز بیتی حکم فرموده خواهد شد حسین خان لود
را با چهار صد جوان جیش قدیم اعتمادی تا بر بودن
بالای قلعه فیض حصار حکم فرموده شده است باید که
از قشون نشانیه و از قشونات دیگر چهار صد جوانان
قدیم اعتمادی بهمراهی سپهدار مذکور داده بالای قلعه
بدارند هر قدر جمعیت سپهدار مذکور که باقی ماند از او در تشمه
بیخ قشون تفریق نموده رساله رساله بدهند خدمکاران

(بهلمان

دهلیانان بدرمه قلعه اولجاست انزاهم کرفته بعلاقه داران
ششم جیش کجهری دهند ۵
ام مبلغ حیدر بخش بخشی ششم جیش کجهری در ابوالا
بقطب الدینخان حکم فرموده شده است که موجمعیت
همراهی خود و ششم جیش کجهری مافیابل متعلقه خود و
نامی اهل کاران و علاقه داران کجهری مذکور نفرحسابها
رسیده ازانجا بحضور معروض دارد لهذا بانیخان
نیز مرقوم است که نامی جمعیت کجهری متعلقه خود همراه
کرفته باما موصوف بیاید حسین خان لودی را
با چهار صد جوانان قدیم اعتمادی مناسب بودن بالای
قلعه نفس حصار تقرر نموده فرمودیم باید که از قشون
منارالیه و از قشونات دیکر چهار صد جوانان قدیم
اعتمادی بهمراهی سپهدار مذکور داده بالای قلعه بدارند
هرقدر جمعیت سپهدار مزبور که باقی ماند انرا در تتمیم
قشون تفریق نموده رساله رساله بدهند چند کاوان

ز جایجصار روانه نمود حسب الحکم روانه خواهد شد ان ن
با بله ای تهل و غیره همانجا باشند و اگر ضرورافتد با کای
قلعه روند ط

۲ مرقوم بنام قلعه از قبض حصار و دره نبولا نبا بودن
در قلعه حسین خان لودی سپهدار را معه چهار صد جوانان
قدیم و اعتمادی حکم فرمودیم باید که ان ن و سپهدار مذکور
هر دو با تفاق بوده در کار سرکار قدومت و جانفشانی
ما سازند جمیع کاوان و اهلیانان که مدت ان ن است
انهم را بجویان علاقه داران نشتم جنس کجهری نمایند ط

۳ مرقوم بنام عبد النبی خان عرضی مرسله شما خطوط سوته
زین العابدین نظر انور نگذشت کیفیت مندرجه بوضوح
پیوست دو قطعه خط میرزین العابدین بنام موسی لری
رسانند اگر موسی مذبور برای روانه نمودن
لشکر کلاه پوشن و دو نفر شتر سوار درخواست دارند
باید داد و به شتر سواران تاکید باید ساخت بوقت روانگی

بحضور معروض مدارند که

بنام مقتدار کوربال منشور موسوم دار دهانی

کوتی مسقط در باب وصول نمودن مبلغ ده هزار روپیه

بابت فروخت مس که نزد سید غلام علیخان بود گرفته

ملفوف مرسلت ما حیاط بمسقط روانه ساخته ما کید بنویسند

که زود بوصول آورده بعرض حضور پرداز دگی

بنام سید غلام علیخان عرضی مرسله مرقوم شد دوم

ماه ذاکری سال شتاسالگه محمد بتاریخ ششم وازی سال

مذکور سه الیه معه جمعی ده هزار روپیه ماوجی دلال مسقط

بابت فروخت مس بنظر انور نگذشت جمعی مذکور نزد

دار دهنهای کوتی مسقط روانه فرموده شده که تا زر مسطور

بعرض وصول آرند گی

بنام آصف خدا آباد محمد معروف منشی که برای

آوردن عموی خود روانه شده بود الحال از معروضه ایشان

ظاهر حضور شد که معه عموی بخدا آباد رسیده است باید

وهلبانان بذمه قلعه دار انجاست انرا گرفته در قشون نیلم
کچر کیله خود بهرتی دهند در ارباب بقلعه دار نیز مرقوم است
و مرتبه نام حسین خان تولدی سپهدار علاوه ششم حسین
بنا بر قرون بالای قلعه قبض حصار ایشان تعین نموده شده
است باید که چهار صد جوان قدیم اعتمادی از قشون خود
ما اگر نباشند از قشون دیگران بهرتی گرفته همراه خود بگیرد
و باقی جوانان قشون ایشان در قشونیت دیگر رساله
رساله بهرتی دهند در ارباب بجنسی ایشان نیز مرقوم
است بکمال مضبوطی و دوربینی بکار سرکار در قندهار
سرکرم باشند در قلعه مذبور از ثانی سه رساله که شش صد
جوان باشند بهستد الحال چهار صد جوان عمله هزاره جوان سوای
این چندین پیاده از تجار شلت پیاده تهل را بالای
قلعه نداشته پیاده های بابت نکر و کولار بالای قلعه مرزه
و مرتبه نام اصف دوصد در قبض حصار در ارباب لاقطب نگاه
را حکم فرمودیم که معه جمعیت خود ششم حسین کچری بسمت
قرباغ

شخصی را که موسی لنزی همراه خواهند داد او را هم بر شتر
همراه خود سوار کنانیده از بالای لشکر فیروزی بردانند
لشکر کلاه پوش کردند و تا کیدات زیاد کردند که نزدیک لشکر
کلاه پوش رفته داخل لشکر مذبور نشوند ملک مذکور جائیکه
سواران طلایه سرکار میباشند توقف ورزیده شخصی را
که موسی لنزی همراه میدهند از درون لشکر کلاه پوش
فرستند و تا آمدن او انتظار کشیده بمجرد آمدن او بطرف
روانه سازند میرزین العابدین که یک شخص تلنگه را برای
مقرر کرده بشما گفته بودند او را معه والسنگان شما بدا
داده به لشکر فیروزی باید فرستاد بعد تقرر در ماه باز
نزد ایشان فرستاده خواهد شد

مترجم دارد و نهایی کوتهی مسقط چنین نمک مبلغ
سه هزار روپیه مادجی دلال مسقط بابت فروخت
که نزد سید غلام علیخان بود ملفوف رسلت باید که چنین
مذکور بدلال رسانیده مبلغ مسطور را از محل کوتهی سرکار نموده

بخشد

HM 1218

باجیناد و خبرداری روانه ظفرآباد سازند ۵

۱۵ امر نظام سید ابو القاسم نشنده ارکان عرضداشت
رسله محتوی بر تصمیم اراده بهرهایی حضور فیض گنجور معروض
داقر بالشرف و ضوح پیوست فیکه بر کافه جمیع مسلمین
لازم و ضرور که خود را از انواع نصرانیان ممالک اسلامیان
برسانند باید که ایشان مع خویش و اقارب خود بملک
سرکار جهدری آمده بشرف ملازمت فایز گردند و به
سلک ملازمان منسلک شوند ۵

۱۶ امر نظام محمد رضا نصارای بدین قصد بعبور کنتل
دانلچ وارد لهذا احکم فرموده میشود که بسیار بخبرداری
و هوشیاری باشند ان الله المستعان ما بدولت
هم عقریب بر تنبه نصارا بانسمت متوجه میشویم پیش
حکم فرموده شده حال محمد امین فهم می در آید که شیخ و الیجه را
در پیش خود طلبدارند و هیچ پیش کهری والا را هم بهتدبیر
پیش خود بطلبند و ایشان در مقدمات خنک جلدی

16 Shafer
The interim of Hyderabad is proved by the Diaries of Army Shura Command.

هر دو را روانه حضور سازند ۵

۴ امر خجسته فرجام میرزا زین العابدین و عبد النبی خان بایک صندوق
خریطه لوره را دو دیگر صندوق خریطه موسومه اهلیه راجه
فراسیس و دیگر خریطه موسومه للوزران و زبر راجه مذبور
و یک صندوق کلان بابت جواهر و ملاع مرسلت باد
که بموسی لنزی داده تاکید سازند که صندوقچه خطوط
را بدست هر کس مذبور رساند و بر بالای صندوقهای
ملاع چرم بدوزانند تا از هوای دریا محفوظ ماند

۴ امر خجسته فرجام سلطان احمد ارادهٔ آمدن انگلیستان
ظاهر شد لهذا امر فرموده است که بخاطر جمعی خود را
بملک سرکار احمدی رسانیده کامیاب ملازمت شوند
بهمه وجوه اسباب معیشت مهیا خواهد گشت

۵ امر خجسته فرجام داروغه اسکدار بطور عرضی مرسله
عرضی ملفوفه میرزا مهدی آصف ظفرآباد منظر انور یکدشت
ثانی امثال منشور در جواب آصف مذبور ملفوف مرسلت باد

باقی

رسیده دانند انشاء الله المستعان بنه اشقیای آن

نواح بوده احسن بعرصه ظهور می درآید

[illegible]

[illegible] نام دارد عنهای توشکی نه بین رد مسکوک سرکار

اسد اللهی از قسم احمدی و صدیقی ذفار وقتی وزراعت

بدستور از قسم نفروی حیدری امامی عابدی باقری

هر قدر که بنا بر وحال حاضر مصلحت بینی ان حضور پر نور

مرسول دارند که بنا بر روانگی حضور حکم فرموده خواهد شد

سواری خاص هم بحضور رسیده رونق افزای سکلوری می

گردد بنا بر اطلاع مرقوم گشت

[illegible] نام حراست خان بخشی دوم چهارم عسکر گجرات

عرضی مرسله مرقومه بستم ماه رازی سال آشتالیه محمد

بتاریخ بستم ماه مذکور بنظر انور گذشت مفصل کیفیت مندرجه

بوضوح پیوست باید که روانگی شیب نظیر موقوف ساخته

باقی شهاذمه قلعدار دار السلطنه پتن رهنمود انشان معه

نموده بهوشیاری کار بندباشند و اسد علی دیزه که
در انجا است چه قدر جمعیت در رکاب میباشند مفصل معروض
دارند در شهرت دهند که سواری خاص بطرف بلغار نمایند
تنبه نصارا دیزه و بانسمت متوجه میگردد

A Jmsdeli

The Emperor of Russia

۱۹ امر شد نام مرا مهدی الصف علوآباد عرضی مرقوم
مرقومه مهدیم در نهصد سال شتنا ۱۲۱۵ محمد منیر فتحعلی
دار دغه اسکدار بمکلور تاریخ شانزدهم ماه رازی مثال
مذکور در مقدمه بمکامه ارائی در زدان دیزه بنظر انور
بگذشت مفصل کیفیت مندرجه بوضوح پیوست نظر
باینری کارهای انجا قبل از این صدور وقلعه اردم را
تغیر ساخته صدور وقلعه اردبیل را حضور روانه نموده
شده است خواهند رسید و محمد رضا هم بانجا باید
که بالفعل ایلات ان حوالی را از اطراف بهر طور که توانند
جمع سازند سواری خاص هم عنقریب بطور بلغار بانسمت
روانه

ان ان که در حضور داشته شده است همانجا باشد
و ان شان معه قشون متعلقه خود بحضور بیایند ۵

۲۶ مرقوم شد شاه دادا و عطا و الله شاه فردا
بزیارت درگاه عطا و الشرشاه صاحب مرحوم میرسم
با صاحب هم اتفاق ملاقات خواهد شد باید که ایشان
درگاه مذبور حاضر باشند ۵

۲۶ مرقوم شد علی رضا عرضی مرسله مرقومه بازدهم رمضان
سال شاشه ۱۲۱۱ محمد منصف بر انکه طلب مردم همراهی
خود بسی و شش روزه باید داد یا بچهل روزه بجهته انکه
سابق منشور برای دادن طلب به بسی و شش روزه
عز امداریافته بود الحال که حاضری وصول مردم مذبور
از کجهریات موصول است در انیان در بعضی بسی و شش
روزه و در بعضی چهل روزه و در بعضی نه چهل روزه
به بسی و شش روزه در انیاب هرچه امر و هم اظهار
سبوسنگرهت انکه خود را در ماه از حضور نصف راضی

AH 1218

شب بامت روانگی مقرب نظیر و دیگر اسپهای همراه
گرفته به بکلور رسانند راهداری نیابر آمدن این سمت
حسب المعروضه ایشان مرسلست ۵

۲۰ مرسلم حافظ محمد خان بخشی اول احدی بخبری عرض
مرسله متضمن کیفیت یورش و جان بحق تسلیم نمودن
صدور بتاریخ بستم ماه رازی بنظر انور بگذشت باید که
ایشان مع جمعیت به بکلور آمده از انجا بحضور رسانند ۵

۲۱ مرسلم محمد خان صدور عرضی مسموع شد که ایشان
تا حال در بالا پور آمده باشند که قشون هم همراه بوده
باشد باید که مع جمعیت قشون خود را بحضور رسانند ۵

۲۲ مرسلم راجه رام صدور عرضی مرسله محبوبی به
ارزوی بهره یابی حضور بنظر انور بگذشت باید که تا انجا
باشند تا بدولت رونق افزای این سمت می
شویم ۵

۲۳ مرسلم سید ابراهیم سپهدار دو جزوی قشون
الشتی

۵ مرقوم غلام محمد تعلقدار کور یال مبلغ سی هزار روپیه
که نصف آن پانزده هزار روپیه باشد بلا قصور به شوکت
و معالی منزلت موسی دفرین کونر پهلوی تنخواه کنند باید
که بمجرد ورود منشور فیض کنجور مبلغ مذکور را بتحویل شخصی
موسی دفرین نزد ایشان خواهند فرستاد نموده
رسید بگیرند ۵

۶ مرقوم غلام علیرضا خوئی مرسله مرقومه سبت و هفتم
راجی سال گذشته بنظر انور رسید شت انکه بر یکبت انگیر
رخت اقامت به بکلور کشیده لهذا سواری خاص بجهت
تنبه اشقیا بمکان مذکوره جلوه افروز بت ان امر ممتنعان
بقریب تنبه واقعی بعمل خواهد آمد ۵

۱۹ مرقوم اصف جبه اساس ایشان نوکر قدیم
و خیرخواه دولت انگلشیه باید که در این وقت انچه شیوه
نمک حلالی و خیرخواهی بوده باشد بعمل آنهد هر قدر علوفه که در
باغین قلعه و بنره باشد انرا از جاله یعنی از کهوه برآورده

No. 218

میرسید الحال بچهون کم است شرف وضوع بپوست باید
در ولایت مردم منعقد خود را نابودن در ملک سرکار
بحساب چهل روزه طلب میداده باشند از روز یکه
در ملک غیر داخل شوند از آن روز بحساب بیست و شش روزه
باید داد و بسوسکر هت تحکم بموجب حکم پناه دهی
میداده باشند زبانی او چه اعتبار دارد

Rabi'u
18th March
began
1791

مامور شد بموجب فرمان مورخ ماه ربانی سنه ۱۲۱۸ محمد نعیمه
مرقومه ۲۰ آخر ماه مذکور سنه ابه

بموجب حکم شیر خان آصف جاه الاد عرضی مرسله
مرقومه دهم رازی معه شش اطل سوتلی و یازده اطل
رال بجمل سه راس کاد بصحابت عبد النبی وکیل
کچهری بحضور پرنور رسیده

Y This Year
10 7 This Year Rains a leap Year
13 months

نامال اگر بشکشت درآمده باشد بهتر والا بزرادلی وتعب
باهندام ان پردازند وبار بار در ایمعنی منظر حکم نباشند
اب محمد قاسم منشور را همانجا در کچهری نویسنده
دوازده راحتی در ماهه میداده باشند بکهار ماده
مضبوط واعتمادی نوکهدا شته تنبه دزدان مغل آرند
شرح در ماهه بیادکان در منشور هندی مرقوم باشد
بامر بنام بدر الزمان تنبه مخالفین وبازپس نمودن
یورش انها کسبار بجاو بهتر شد چونکه اصاحب دانا و
همه مراتب خنک اگاه وواقف وتجربه کار اند هم
قسمیکه مناسب وقت بنظر درآید به تنبه اشقیا پردازند
ودر مقدمه خرم هیچ اندیشه ووسواس نفرموده از
یک روبه تالک روبه درباب دادن انعام
بمردم مختار نموده شده هرچه خواهند بعمل آورند زیرا که
باضافی نیز منشور تاکید مرقوم شد از انها زر گرفته
باشند

Application for
my Jaunakhur
Inquiries
Re: default
Pitcairn
(Statement)

Insert this
with Options
Jones, in duty

Original Sale
Abstract

Lot. 1218

بالای قلعه بردارند که کیفیت معروضه مخالف مفصل بر
پیوست بهمین عنوان تنبه انتقیا نموده مورد تحسین و آفرین
باشند ۵

۱۹ مهر ربانی بنام شیرخان الف خدا آباد مکرر مراسم
الیخانی بنظر انور رسیده بود کیفیت مندرجه مفصل بر ضمیمه
پیوست قبل ازاین روانه نمودن سی هزار روپی بخزانه
دارالسلطنه متبع بجا و مستحسن گردید الحال نیز مبلغ شش هزار
روپی که بار نموده اند مع حمل چهل و شش راس گاو شوره
روانه پیش سازند محمد شریف مرد آدمی ساکن بلوانا نور
که در لفولا متعلقان خود را از ترچناپلی تحت الحکم طلبیده در
خدا آباد سکونت دارد باید که نامبرده را با سی روپیه بخرج راه
داده بکفر پیاده همراه نموده بحضور روانه سازند بعد
ملاقات او در حضور شخصیت او دریافته فراخور حالت
او بدرجه سرفراز نموده خواهد شد قلعه کرور و دیگر چند
کدیجات که قبل ازاین برای تنکش آن حکم فرموده بودیم

ناطل

Vide Letter

Can Carnatic
Government
be explained by
reference to
Persian copy
of 5th Sept 1790
etc. & with
By Persian Letter

رفعت نشان بجمیع مراتب دانا و آگاه اند و هم خیرخواه
دولتخواه قدیم این سرکار جیدری لهذا انظار مدولتخواهی
آن رفعت نشان مرقوم میگردد که در اینولا بنه نصارای
بدکیش اتهم مطلوبات ان شاء الله المستعان علی البر و
الاحسان در عرصه قریب هزیمت کلی یافته نصارای
بدکیش متحذول منهزم نسبت بنودن کاه دکونفند
ریزه در لشکر هزیمت اثر شخت عاجزست هرجاکه
در تعلقه سرکار کاه بوده همه انش دوانیده شده تا ازین
رفعت سبب مخالف عاجز آید باید که ان رفعت نشان
نیز در تمامی مواضع تعلقات خود هرجاکه کاه بوده باشد
تاکید سازند که انش داده یک پر کاه باقی نگذارند
وهم کونفند ان ریزه مواشی را کرفته همه رعایا در بنا
جاری در دست روانه نمایند که از بیمغنی عاجزی
نصارا بوافعی بعمل می آید وهم خوشنودی خدا و رسول
ورفاه و فلاح خلق الله و رضا طلبی مزاج باید دولت حاصل

۱۲۱۹

۳ مرتبه نام هرود افغان خورشید سواد ایشان
بموجب کلمه مدر الزمانخان بهادر در داون انعام
میزه از یکروپیه تا لک روپیه در نمیغ نموده بلا اندیشه
زر میداده باشند در مقدمه صدر خاندکور را
مختار نموده شده است هرکرا خواهند بدهند ۵

۳ مرتبه نام محمد ابراهیم و سید حسین قلعدار رحمت آباد
چونکه ایشان نجیب و اشراف اند نقص ثبت بدادی
در فدویت و جانفشانی سرکار سرکرم خواهند بود که همین
چشمداشت از شرفاست ۵

۳ مرتبه نام آصف نظر آباد خلد بنور جمع نموده در ابنوقت
حسن سعی خود بردی کار آورند و موجب حکمنامه 20 Rubees
حال که بخویل صدور منصور نمی دهد شده است
کاربند جمع امورات بوده حق نمک که فدویت
و جانفشانی است بجا آرند ۵

۳ مرتبه نام حافظ محمد خان جاگیردار شیرزه پورا
این
افغ

فرو نگذاشت در چنین وقت غلوی کفار نصارا توجه
انحضرت در باب مخذولی و منکوبی تعین که فی الحقیقه
تقویت و حمایت دین جد امجد خود و هم محافظت ناموس
لکوکهای غزای مسلمین است ضرور مدبموجب معروض دارند
و حرف بحرف انچنکه بزبان مبارک خود ارشاد می
سازند مفصل برنگارند که
هم مرتبام قادر بادشاه در این روز با کفار هنا
از کمال غرور و نخوت تا به بنکلور رخت اورده بار کشیده
قلعه مذکور بتصرف خود اورده اراده فاسد دارد که
مثل ملک بنگاله و ارکات مردم مسکنه اینملک را هم در
ملت بی دینی خود داخل نموده همه مسلمین را لباس
دکرنه خود پوشاند و ناموس تمامی نجای مسلمین را
دست بحرمتی رساند در اینصورت از مه شفقت بزرگان
انست که در اینوقت غلوی کفار نوعی توجه مبذول
شود که دفعه کفار شقاوت آثار بهزیمت یافته مخذول

است بفکر بزودی بموجب فرمود صدر بعمل خواهند آورد

بنام محمد عبد الله دویم الصفتین عرضی مرسله

مضمن کیفیت اظهار زبانی قادر یادداشت مصاحب نظر

انور بگذشت مرقوم بود که باز دیگر ایلچی را نزد خود

طلبیده بودند باید که ایلچی بحضرت شاهنشاهی موصوف

رفته کیفیت تسخیر قلعه بنگلور ظاهر ساخته بعرض برساند

که در سابق وقت که در ملک بنگاله نامی قوم مسلمانان از

علما و فضلا و شیخ و غیره مسلمین را دعوت میدهی

خود کرده کلاه و کرته خود پوشانیده بر برهمنی از رکاب

همسات گردانیده و ناموس انها را حواله قوم خود

ساخته و قبضه از بحر منی فرو گذاشت همین قسم در

ارکاب هم مقدمات مسطور بعمل آورد انها را که قبول

نکردند مدار کشید و برهمنی را بر دستی لباس خود

پوشانیده و زبان انها همان سلوک بیان آورد همین

قسم در بنگلور اراده فاسد داشته و قبضه از بحر منی

Bangalore
taken
from the
Sirkar
1791.

سرفراز فرموده جاگیر دیگره مرحمت خواهد کرد بدهٔ

نام مرقوم بنام بدرالزمان خان بهادر الصاحب بجمیع مراتب دانا انند انچه مناسب باشند بعمل باید آورد و کلای سرکار اباجی رام وغیره از حضور پرنور روانه نموده اند خاطر جمع باید داشت که در عرصه قریب مجهله روبداد فیصله پذیر میگردد ۵

نام مرقوم بنام صدر و خورشید سواد عرضی مرسله بنظر انور گذشت کیفیت مندرجه بوضوح پیوست در این وقت جوهر قدویت بروی کار آورده نام آوری و عزت خود افزایند و در اطاعت رضای بدرالزمان بهادر بوده مطابق رای صوابدید بهادر موصوف بعمل آرند ۵

نام مرقوم بنام سید ابراهیم نخشبی بخش و سید حسن قلعدار رحمت آباد مکرر عرایض ایشان بنظر انور گذشت و احوال قلعه خورشید سواد بوضوح پیوست باید که همیشه از

ومنکوب و پایمال سم سمند غازیان اسلام شود همگی
در باب فتح و نصرت اهل اسلام که فی الحقیقه موجب
جد امجد خویش است ضرور دانسته

۴۴ مرقوم بنام میر احمد علی و سید اکبر رسالداران سوار اخبار
عرضی مرسله منضم بنگاره وزدان اشقیا و خبر رسیدن ایشان
انها منصاره و در جائی فراهم آوردن رسیدن بنظر انور
بگذشت باید که ایشان در جائیکه اشقیا اجناس غله
فراهم آورده اند رفته همه را تاراج و غارت سازند
حیدر علی بیک را تاکید نمایند که صد و پنجاه جوانان
هر قبیله جیش همراه گرفته بنابر گرفتن بنادیق بحضور بیاید

۴۵ مرقوم بنام محمد قلیخان ایشان خیر خواه و قدیمی
این سرکار اند باید که خود را با هر قدر جوانان که خواهند آمد بحضور
فیض گنجور برسانند که تا ایشان در ساحت دولت سوار
ملاحظه فرموده از چهل روپیه تا شصت و پنجاه روپیه ماهوار
در ماهه مقرر نموده خواهد شد و ایشان را نیز مدد خرچ

نردوات خود مبلغ آورده سرکرم مدد دیت باشند
در ابتیاب بآن رفعت نشان نوشتن زاید است
در باب لالا اباجی رام و غیره وکلای سرکار بسمت پونه
روانه اند منتظر انفصال مهمات روبه اوست دیگر دو خاطر
جمع داشته بکار سرکار رفیقه از قدیمت فرونگذارند
پیام مرسلهٔ نام آصف فرجام بحصار عرضی مرسل مرقومه
ش تردهم ماه برازی سال شتا متضمن کیفیت قلعه جسته
اساس داخر کردن مس در دارالضرب ایجاد بردم
منبنه بالفعل تا صورت بکام نصف درماهه داده
باقی نصف در سرکار داشته بعد امنیت دادن
اولست موضوع شد حسب المعروضه ایشان منشور
تاکید در باب دادن پانصد اطل مس برای اجرای
کامکاری دارالضرب بنام دار و نهای توشکانه بتین
ملفوف ترسلت کاوان یار بردار و آدم بدرقه فرستاده
از تین طلبدارند در مقدمه طلب درماهه داران تصویب

احوال انجا خبر گران بوده کیفیت رویداد را مفصل
معروض داشته باشند ۵

۴۴ مرقوم نام دلاور خان لوهانی قلعه دار خورشید سواد
عرضی مرسله بنظر انور گذشت کیفیت مندرجه بتوضیح
پیوست انچه لازمه فدویت و دولتخواهی است بدان
وقت بروی کار آورده سرمایه نام آوری خود
اندوزند ۵

۴۵ مرقوم نام آصف جنت آشیان در انوقت
بهر قسم که دانند نردوات شایسته بعمل آورده
سرمایه نام آوری خود اندوزند وقت نمود جوهر فدویت
و حلال نمکی همین است ۵

۴۶ مرقوم نام مبارز الزمان خان دو قطعه یکی محرره دهم
دوم مرقومه بیستم ماه رمضانی سال شتا مضمن کیفیت
رویداد انجا بنظر انور گذشت آنصاحب همه مراتب
دانا و آگاه بهر قسمیکه مناسب وقت انگارند بدانموجب

نردوان

تائیدات آلهی وعنایات حضرت رسالت پناهی را
ن ملحال خود انگاشته در فدویت وجانفشانی
سرکرم باشند ان الله یستعان در عرصه قریب رفع مجمله
روبداد بعمل می آید ایامی رام وغیره وکلای سرکار هم
بسمت پونه روانه شده اند ۵

۴۱ مرقوم شد در فتح آباد عرضی مرسله منضمن بر انکه
اصف از خانه خود مقرر نموده اند بنظر انور رسیده باید
در باب قلعه که سنگین ست عمارتهای برای سکونت
خود هم مقرر نموده وهم در انجا کچهری سرکار ست باید که
در انجا کچهری مینموده باشند ودر خانه خود احال جای
کچهری مقرر ساخته اند موقوف سازند وهر قدر بارد
که در سراست از انجمله نصف طلبیده در فتح آباد بدارند
ونصف به رتنگری روانه سازند ۵

۴۲ مرقوم شد اصف فتح آباد در امینوا لاخوانیس ان
متضمن کیفیت روبداد انجا بالکلیه بحضور منیر رسیده از انجمله

آن رفعت نشان درکار نیست فسمیکه از سابق حکم حضور
بعمل آورده باشند واز این گفتگوها بی معنی باز آیند
بنام داروغه توپخانه معلی باقصد اتصال
برای کامکاری دارالضرب جا بحصار مطلوب مأمور
انجا کاوان و آدمان نزد ایشان خواهند فرستاد حواله آنها
باید نمود

بنام قلعدار رحیم آباد عرضی مرسله منظور بکد
کیفیت مندرجه موضوع ثبوت یابد که ایشان معه جمعیت
متعینه قلعه و رسالداران سوار در جائیکه کفاران مفسد
مجتمع اند رسیده تنبیه سازند جمدر علی بیک معه مکیدو
بنجاه جوان بحضور رسیده است بنادیق داده روانه
نموده میشود

بنام بدر الزمان بیگ عرضی مرسله
مرقومه ششم ربانی سال گشتا متضمن کیفیت روبداد
انجا بنظر انور بکد شت حقیقت مندرجه مفصل موضوع ثبوت

چونکه مقدمه جهاد است لازم که در مبدأ فتوحات توجه خاص
انصاحب بر رکاب فتاح مطلق منبوعی گردد که در عرصه
تریب کفار نابکار مخذول و منکوب بفتح و نصرت
غازیان اسلام محصول انجامد

متن

۲۹ مرقوم بنام امیر محمد علی دار و غه عمارت کچهری
عرضی مرسله مرقومه نوزدهم ماه رجانی سال شتاد و سه هجری
متضمن کیفیت کامکاری حویلیها و موقوف نمودن کامکاری
بسبب نرسیدن نجار دکانی و آهنگر وغیره بموجب حکم
ارکانی کچهری قلعه بشرف وضوح پیوست حسب المعروضه
نامبرده تاکید بنام قلعدار و علاقه داران توشکخانه
مرقوم و مرسلست باید که همه اسباب ضروری را از انها
گرفته شب و روز بکامکاریهای حویلی های خاص مقید
و سرگرم بوده در عرصه قلیل از تیاری ان فراغ حاصل
نموده بحضور پرنور معروض دارند والا نه خرف برابری
خود یقین پندارند ۵

غیر از فراغت شعاری چه تصور توان نمود نشود که یکطرف
و صدور یکطرف کجهری سازند در اینولا عراض این
مختص بکیفیت خویش باید که در مابین قلعه که کجهری های
قدیم سرکار است ایشان و صدور یکجا نشسته کجهری سازند
۴ امر بنام میر احمد علی و سید اکبر رسالداران سوار کجهری
عرضی مرسله مضمون بر اینکه یک کمپ و دیگر چهار نفر انصار را
و چند سیدران کفار بارادہ رسانیدن رسد غصاره بر
موضع اوکل فرود آمده است بشرف وضوح پیوست
میر قمر الدین را معه جمعیت همراهی اینها بانصمت روانه نموده
شده ایشان نیز ماهر دو رسالهای همراه میر مذکور
بوده هر جاکه اجتماع کفار مذبور بوده باشد بانجا رسیده
رسد هم غارت نمایند و بتنبیه معقول پردازند
۵ امر بنام بدهن شاه قادری خطاب مرسله مضمون
سرکرم بودن بر خواندن اسماء الله و خاطر جمع بودن
اینجانب منظر انور بگذشت کیفیت مندرجه بوضوح پیوست

نوده به نبه اشقیا پردازند

نوه مرزبان محمد مهدی اصف پتن عرضی مرسله در
ترفیم نمودن قلعچه موسهلل و نوکهداشتن بجاه نفر
پیاده بلاحکم حضور و یک قلعدار و پنجاه نفر پیاده
مزدار بودن بقلعچه مذکور شرف وضوح پیوست بتعجب
ازانشان که در امنوقت شکشتن کدبجات درعامی
قلمرو سرکار حکم صادر است یک کهری و برانه محض
رامیخواهند که قلعدار و غیره مقرر سازند نگهداشتن
پیاده ها و غیره ضرور و در کار نیست قلعچه مذبور بتحویل
عملدار انجا سازند

نوه مرزبان مهد یعلیخان قلعدار محمد دفعدار سوار را
که ازنجا همراه ایشان روانه نموده شده است باید
نامبرده راهمراه خود داشته تا بقبض حصار برود و
ازانجا به تمرپتن و از تمرپتن مستقر بملک او هونی داخل
شوند بعد رسیدن بملک او هونی سواران را واپس

۱۶۵

درباب رفتن ایشان بخدمت قادر پادشاه اصالت و ظاهر
بودن احوال غرور و نخوت کفره نصارا و استمداد و اعانت
برفع و نصرت مجاهدان دین اسلام ترقیم نموده شده بود
تا بانگارش می پذیرد که ایشان اکثر بخدمت شاه صاحب
موصوف مستعد گشته استدعای فتح و فیروزی لشکر
محمدی و منکوبی کفره ظلام نموده از ان کیفیت بخصوص
پرنور بر معروض داشته باشند حسب المعروضه ایشان
تاکید بنام متعلقدار مکور مرقوم گردیده که رعایای کثیر
مرور آنها کند ساز تا همه بخدمت حضرت معزالیه رفته
اقرار ساز تا که همه در اطاعت و فرمانبرداری حضرت
حاضر هستیم بقیکه عاقریب رعایای مذکور بانجا حاضر شده
باظهار مرقومه صدر خواهند پرداخت نظر بر انکه موضع
قلیل است و ایشان برادر بزرگ و پسر عموی پدر شاه صاحب
موصوف بااکثر خویش و اقربای خود بسر دو اوقات اند
لهذا تا بجا کیکه بکنار رودبه نباز جمیع اخضرت مقرر فرموده

با منصوب روانه سازند

همرجام عبد الله بیک صدور فتح آباد عرضی از
دزدیدن طلبیدن باروت از تعلقه سرانظر انور نگذشت
بزودی باروت را طلبدارند و قلعه اندرونی سرا را
دروازه ها بسوزانند و برج ها بیرشکست آورده
قلعه اردو بغیره مردم انجا را پیش خود طلبدارند
همرجام تعلقه اردو شخال پور کیفیه شور نوشته
دارد غیای کونچی کچه ملفوف سلت با نجا روانه سازند
همرجام محمد مهدی آصف نظر انا عرضی مرسله قبض
داون هفت هزار و هشتصد و دوازده روپیه بخش
برای هرقی سواران بهاله مراجی دکی بشرف وضوح
پیوست داون زر منظور نظر گنجا شد بعد هرقی
سواران باز دیگر مساعده دهند پیش ازین ضرور
نیست

همرجام محمد عبد الله آصف دویم بخشی اول

دربار

انور بکیشت خزانه مرسله معه جهاز کشته روزه بحضور پرنور

رسیده

امر بنام اشرف ظفر آباد خراطین مرسله بکی محوره دم

دیگری مزبوره بحکم مضمن بر انکه ایشان وصدور بموجب

حکمی نه بزمیداران قول نوشته فرستاده اند نامبرده ها

سوال وجواب خاطر خواه خود ها میدارند از انجمله کرداله

زمیدار سوال دارد که سوای مکان خود یکفریه از سرکار مرحمت

دمانک تملک کندی والا که در قید ست رها شود موضوع کردید

باید که نامک تملک کندی والا را خیه داصل جهم ساخته

شهره دهند که بقضای الهی باجل طبعی فوت شد دنامبرد

کرداله گفته فرستند که هر امکنه ورسوم های بکی نوگذاشته

نشود هر گاه که بسرکار رجوع شود ای انوقت یکفریه چه

معنی دارد ملکه دو موضع مرحمت واقع سرفرازی یا

مند دل خواهد گشت همین نوع بزمیداران دیگر هم بحکمت

عملی سوال وجواب نموده همه ها را رجوع سازند وبانها انشاء

شده بهرجای و مکانی و بنام هر کسیکه فادر بادشاه مصاحب
خواسته باشند دریافته باطلاع حضور پرداز مرسند عاکر
مذکور نوشته فرستاده میشود ۵

امر بنام علی رضا سبب فرستادن مراسله بکدخدایان
محمد دولت و سید یسین و سید محمد آصف و میر علی نقی
صدور امورات درسنی مذدولت قرحصار رودبرانی
آورده اکثر کارهای انجا اینست موسی الیهم ترک در
قسم نکرامی کرده طرفه اجلاف که مذموم ترین اطاعت
اخبار نموده اند باید که ایشان همه را ایکی نشده از
هر کس سبب مراسله دریافته مفصل معروض دارند ۵

امر بنام دارو غهای توشکی خانه بابن دو قطعه رواس بر قوم
پنجم ماه احدی سال زبرجدی از ان متضمن روانه نمودن
سی فرشش گونی خزانه معه بنی یاداشت فارسی و
هندوی دکنری دیگری درباب فرستادن یکصد و هفتاد
شصت دومه لایق انعام عمال بتاریخ دیم ماه مذکور نظر

خود انداز و زند جمعیت مرسله جمال آباد همراه خود گرفته تا
بقدر تنبه اشقیای بردازند و هم کمک سواری درک
نمایند در باب تعین نمودن جمعیت تا صد و صد در
جمال آباد مرقوم و ملفوف است

~~بمرتبام صد و صد در جمال آباد از معروضه خوشحال~~
و کمال الدین میر بحران خوشحال پور بوضوح پیوست
ان جمعیت هفتصد نفر حشم تنبه مخذولان
بسمت خوشحال پور روانه نموده اند باید که جمعیت مذکور
را تاکید سازند که با هر دو موصی الیها باتفاق بوده به تنبه
اشقیا بردازند

~~بمرتبام قلعه ارتین بقبضی سرانجام تبادقی و غیره~~
بابت موسی ویزی برادر موسی لالی در ارتخانات
باید که یک حویلی در قلعه بدهانند تا سرانجام تبادقی در ان
خانه داشته کسان خود را هم بدارد

~~بمرتبام مهدیقلیخان کلدار محمد و فقدار رامعه سوار~~

سلوک مرعیدارند تا دیگران هم راغب گردیده بیایند هرگاه
مرسلان ایشان فایز حضور شده هر کیفیت مفصل ظاهر
نمود عقرب حساب قلعه دار معزول را تیار کنانیده
روانه نمایند و سواری خاص بطور یلغار بانجا رسیده
دانند ۵

~~بنام حسن خان و کمال الدین اول و دوم میر عرض قلعه~~
جهاز ات جنگی خوشحال پور عرضی مرسله محتوی بر بکانه
ارای انتقای انسمت و احوال قلعه سیاسوکره و رسیدن
کمک قلعه سواری درک و فرستادن مقصد تفرجش آصف
و صد و رجال آباد بنابر دفع و قمعه مخدولان نشرف
وضوح پیوست باید که در انوقت هر قسمیکه دانند
توانند در دفع انتقای مخذول سعی موفوره بکار برده
رونق افزای جوهر فدویت خود باشند بقینکه لازمه
شیوه نجابت و شرافت همین است که در چنین اوقات
تدابیر صایبه و جرات و دلاوری سرمایه عزت و نام آوری

870

ناکاره بنظر آمده بغیر نموده دیگری روانه سازند و اسم نویسی
او را بحضور مفرستاده باشند ۱۲

۱۹ مرقوم بنام اسد خان رسالدار تابعه قلعه تین طرفی
رسله متضمن براینکه تفنگهای جوانان سبب کهنگی همه ناکاره
آمد در باب بدل دادن ان علاقه داران جنبی
نوشتگی نه منشور حضور میخواهند بنظر نگذشت حسب العرضه
ایشان تاکید جنبی نوشتگی نه مرقوم و ملفوف
بنا دین کهنه واپس داده عوضی ان تفنگ بهتر گرفته
بکار سرکار در فرصت سرکرم باشند ۱۲

۱۹ مرقوم دار و غه جنبی نوشتگی نه تفنگهای جوانان
علاقه اسد خان کهنه گردیده است باید که واپس گرفته
بدل او تفنگ بهتر درست دهند ۱۲

۱۹ مرقوم غلام غوث پسر جنبی یار خان مرحوم عرضی مرسله
متضمن تصدیع اراوه ایشان نه بهره یابی حضور و در خواست
ساعده بنظر نگذشت بالفعل متعلقان همانجا داشته

براهی والیس نزد ایشان مرسلست باید که همراهی نامزد
تا بفیض حضور رسیده از انجا روانه حضور سازند ۵

۵ امر جهان مطاع محمد مهدی آصف پس از کیفیت فراری شدن
پانزده نفر بیوقان معه پیاده های احشام که بمحافظت بودند
از قلعه قمرآباد ظاهر شد از بیمعنی غیر از بی بندوبستی و
عدم ضبط و نسق ایشان چه تصور توان نمود باید که
انهمه مغروران را سراغ رسانیده همه را پیدا سازند
بقلعدار انجا نیز تاکید اکید نوشته تلاش روزدان
کنانند ۵

۱۹ امر جهان مطاع صدور یافت چون عرضی مرسله قضمن مسطور بود
دویم قلعدار بقلعه ظفرآباد و سوای این دراماکن دیگر
نیز بعضی جاها قلعدار تا کار رسیدن دیگران از حضور
بمقرر روانه نموده اند بشرف وضوح پیوست باید که
شخص شجیع و مردآدمی نجیب را دویم قلعدار ظفرآباد مقرر
ساخته روانه سازند بدستور دراماکن دیگر هم اگر قلعدار

نگهدارند

۱۹ مرتبام شبی چهارم حبیش کجهری مسموع شده که
برسرام دایاجی رام ملحق شده روانه پونه گردیدند
غلام بیدار در ابتوفت از اطراف وجوانب بخرمدی
باهر طور فراهم آورده مردم متفرق را جمع سازند و نو
نگهداشت هم بتعجیل آورده باشند ۱۲

۱۹ مرتبام اصفهان خورشید جواد الضامن مضمون
مرقوم الصدر

۱۹ مرتبام صدر خورشید جواد مضمون مرقوم الصدر

۲۰ مرتبام قلعدار پتن میر معین الدین راسعه فوج
روانه فرموده شده باندرون ندی در دوبرای سب
ورود باید آورد و فشون قادرخان حوسکی و مهانجان
سعه فوج هم بدسته میر مذکور باید نمود ایشان و میر معین الدین
باتفاق بتقدیر کامکاری بتری کهات ندی باشند
دیگر دفعه کامکاری تمامی بتری ها را میر مذکور نشان داده

خود را بحضور برساند بعد آمدن بحضور ساعده هم
دهنده ایشان را بکار و خدمت عمده سرفراز
نموده خواهد شد

۱۹ احمدی بخاطر مبارک خان بهادر رسانیدند که
شد که مقابیر در خورشید سواد رو گردان شده بقاصله
بعید فرود آمده است و اباجی رام شرش بر سرام
رسیده بر سرام و اباجی رام هر دو با تفاق روانه پونه
شده اند بهذا یک جریده بر کاره مسمی بگشناجی و
رانوجی را مع نشور رسالت باید که از طرف خود یک
ادم معتمد همراه هر دو جاسوسان داده پیش اباجی رام
بفرستند بجمیع امور انصاحب دانا و تجربه کار اند انچه
مناسب وقت دانند بعمل خواهند و از اطراف و
جوانب غله و دیزه بوفور طلبیده جمع سازند و کسانیکه
مفرور شده باشند ما نها طلبدارند سوای این مردم
معتمد در انجا نگهداشت نموده سواران نیز هر قدر که بهم رسانند

نگهدارند

ام مر عرضی مرسله مرقومه شب دهم ماه ربانی سال شتا
معیا دداشت هندوی که بمردمان همراهی محمد رضا داده اند
بنظر انور بگذشت ما مدکه بخبرداری و هوشیاری بکار
مامور ه خود سرکرم فدویت باشند ۵

ام جناب حی الدینخان انجان سپهدار تعلقه بیجنی
عرضی مرسله متضمن استماع خبر کوچ کون و قرارگی
شدن سه روز دارو حه جوفدار معه بدک طلای بنظر
انور بگذشت که بنکه خبر غیر واقعی شنیده شهره
بدهندانها را سزای معقول برسانند عنقریب
بعون و قوت الهی نبه نصارا بواقعی معلوم میآید در
حضر العظیم یک قسم دانستن مغرور فرموده شده
ما مدکه ان شاء الله معه جوانان همراهی خود بهر طور که دانند
و توانند داخل طوفان باد کردند ۵

ام مر محمد شریف الصف خدا آباد ساکن بلوانا حور را
که حسب الحکم روانه حضور نموده بودند باز نامبرده را

پیوسته هر روز یکدفعه نزد ایشان حاضر شده انچه متعلق
بکار و بار بیرونی قلعه باشد باتفاق معمل آرند و
۴م مرتبه نام فهانجان باید که ایشان نیز هفته نوبت بر در
معین الدین بموجب گفته ایشان در کار سرکار سرکرم
باشند
۴م مرتبه نام قادرخان خویشگی سپهدار مضمون مرقومه
۵م احدی عریضه مرسله متضمن کیفیت نمکحرامی داوقزاق
او معه خطوط رسید زنار داری که خطوط نمکحرامان را بر
دعباس حیله نمکحرام و زنار دار یکه او را طعام می بخت
هرسه را بپای فیل انداز مرتبک هر کاره باشند
نزل اجاری ست و دو نفر مقدی قشون محمد قاسم
شصل که نمکحرام فرد آمده بودند ایشان را در بر
مکر را که نام نمکحرام شش کسری که در محلکه نوشته است
انرا در اطراف و جوانب به جات سواران فرستاده
بهر طور بدست آرند

۴۶

۴۶ مرتبام اصف خصال الملقب
کنزاد را که برد کشنزاد
نکوام باشد نزد خود طلبیده
با زیخبر جزا نموده بدارند و بحضور
سرو ضد ارنده

۴۶ مرتبام ضد و زگردون شکوه
رامراد متعلقه از ما کل و هم راد
برادر را نیز سخنان و چوا
نزد خود طلبیده با زیخبر دارند
و بحضور سرو ضد ارنده

ما شیر بحضور فرخ ماه فتی سال بر مسند سلطان محمد غازیه
افرماه مذکور سنه ایه

۴۶ مرتبام اصف بی نظیر عرضی مرسله مرقوم همدم
ی سال شتا زبر مدسنه ۹۱۲۱ محمد یسم یعنی سنه
تضمن کیفیت بکرامی قلعه از حکری که با وجود بودن
جمعیت شایسته و دلاور معقول قلعه را حواله مخالف
نموده خود شبانه بنکی پور رسیده است ظاهر شده باید که

همانجا نزد ایشان مرسلست باید که متعلقان او را در
قلعه داشته از دست او بهر نحو مردم نوکر نگهداشت
کنانیده بنابر تنبیه انتقامی فرستادن ان نواح مامور
دارند

صلح مرقوم فیمابین شیخ ملک و ارسلان
رمانی نامبرده مفصل در یافته ایشان معه نامبرده
نزد من یمین اهل دایره رفته هیچ شش حوان را
صلاح نیک داده از زبانی فقرا ماها اکاه کنانیده بر
تائید دین بمعین خود مقرر باید نمود که تا نام این عزبا
بعد وقوع این نگارنا قیام اسمان و زمین باقی باشد
پیش از این هم از اهل اسلام بنابر تائید دین خود
جرات و انکیز نموده اند و ماها هر قدر رزنقد و جاکیر
که ایشان تقرر نمایند قبول است بعد تقرر اطلاع دهند

مهر عزت پناه مهاری ملک زبرجد سلطان محمد ارغاه
مذکور بمنصه ایه

تصدیق مردم جنبش بهرتی تر یا تور مرسلت خواهد رسید

۱۹ امر بنام جعفر خان قلعه ارشمرتن متواتر عرائض

ایشان بنظر انور رسیده مرقوم بود که طلب مردم سنبلی

متعینه قلعه از سه ماه مرسیده و اکثری اشقیای آن

نواح را بنبه معقول رسانیده اند چنانچه چند اسپان

تفاهیر بغنیمت درآمده و چند تهل کاری مکان هر سال

که نگرانی نموده بودند انها را مقید نموده اند و بکت ترا و

نامی زنار دار که ایشان وقفیت از ذمه ارادتمندان اند

خطوط بنام ایشان و عرائض بحضور مغفرت پناه ظاهر و

هویدا شد بابر داد ان طلب مردم قلعه تاکید بنام اصف

دستور فیض حصار مرقوم است از انجا خواهد رسید منجمله

اسپان غنیمت اگر اسپ خوب و بهتر باشد بسرکار

گرفته قیمتش بدهند باقی اسپان بگیرند که آورده آمد

معاف نموده شده چند سواران بهمانجا بهم رسانیده

نوکر دارند جلال خان برادر حقیقی ایشان را تاکید سازند

قلعدار مذبور را بدار کشند تا سزای بیباکی و اعمال خود
و سبب عبرت دیگران گردد ۵

۱۰ امر نمایم میر صادق بخشی بهرتی برنا تور عرضی مرسله
معه یک نفنگ عسکر نظر انور بگذشت حسب المعروضه
ایشان تصدیق مردم بهرتی بخش نصحات پناهی رام
متصدی ایشان مرسلت مطابق ان کار نباشند
عثمان خان همشیره زاده شیخ حسین تا لامحالی در انجا
میرسد بوزداری بهرتی مقرر سازند ۵

۱۰ امر نمایم اصف و صدور فلک اعظم تصدیق بهرتی
فلک الاعظم و برنا تور مرسلت مطابق آن بعمل آورده
میر صادق بخشی ۱۱ مرضی حضور وقفیت دارد بایده
ایشان و بخشی مذبور در یکجا نشسته جوانان ملاحظه
نموده باشند ۵

۱۰ امر نمایم اصف فلک اعظم عرضی مرسله معه بهرتی
جوانان نبکالی نظر انور بگذشت حسب المعروضه ایشان

نقوی

380

ردم سپندی قلعه حاکم نشین و دیگر تفصیلات متعلقه آنان
بقدر عوض زر ما میت حال حاضر نوشته بفرستند تا بعد
دریافت آن خزانه از حضور فرستاده خود طلب کردم
نفیه قلعه ثمرتین برسانند از معروضه قلعدار ظاهر شد
که محمد صفدر رسالدار متعین حیش ناکاره است بدلی
بسازند از قشون حسین خان لودی یکرساله دیگر بفرستند
۱۶ امر بنام قلعدار نفیس حصار یکرساله از قشون حسین خان
لودی بقلعه ثمرتین فرستاده رساله سابق را پیش خود
بدلی بسازند ۵

۱۷ بنام حسنخان لودهی یکرساله قشون خود بقلعه
ثمرتین فرستاده رسالدار سابق را بدلی نماند ۵

۱۸ بنام علیرضا شیخ هور ارسالدار بیداره
نزد آنان رسیده همراه نامبرده قزاقی نموده بحضور
بیاید همین جا ماهری میدهد بهرکیه دیگره معاملهٔ فیصله
بیابد یک سواره چوبدار عبدالغنی را هم برای بدرقه

که نوکیه داشت مردم جیش نموده باشند ابنده بخدمت
سپهداری هم سرفراز فرموده خواهد شد تا رسیدن نامه
مردم نوکیه داشت جیش بجناب فی نفر نکرا حتی میدانند
باشند و کیفیت ان معروض دارند خیلی هشیاری
هر حال که نکرامی در رزیده اند انهمه را بدرخان آویزند
تا واصل جهنم شوند و بخ فساد ان منقطع شود ابنده
نیز اگر کسی شیوه نکرامی بنظر آید بدار کشند کس نگوید
از اطراف و جوانب خطوط می آورند و ان
از انها وقفیت نداشته باشند یقین دانند که
از طرف مخالفین برای جاسوسی می آمده باشند
باید که هرگز هرگز انها را آمدن ندهند حسب المعروضه
ایشان بنابر میلی رساله سردار جیش تاکید
بنام آصف و صدور مرقوم است رساله دیگر
از انجا خواهد رسید باید که بخبردار باشند ۵

ادام

امر بنام آصف و صدور رقیمی حصار برای طلب

۳۶۲

[illegible]

[illegible] مرزبانم مرزا باقر بیگی چهارم جمادی الثانی

بدر الزمان خان بهادر نزد هری بندت بهرکه رفته

باز بحضور خواهند آمد باید که ایشان معه هرشش سپهدار ان

حال حاضر و مردم فراهی وغیره همراه خود برده به بی تغیر

روند که مردم گجری شما همه همانجاست

[illegible] قبض نامبرده وغیره شهر هری سلک [illegible] محمد

لغایه آخر ماه مذکور سنه ایه

[illegible] اصفهان نگر عرضی مرسله سبط انور بکدخت

کیفیت عدم جرات میر محمود سپهدار و فوجدار بر کرآمد

و تکراریهای مردم علاقه داران سرکار است موقوفی

طلب دو ماه مفصل ظاهر شد سپهدار و فوجدار مذکور که از

ایشان مرسلت که

۲۸ مرقوم نام اشرف فتح آباد مرقوم مرسله مفصل بکار
ابلغ شقیا که دلیل مبارزی و اضطرابی ایشان بود
بنظر انور بگذشت باید که بخوف و هراس کار بند بود
استقامت ورزند و از نشیوه زمانه باز ایند که

۲۹ مرقوم بدر الزمان خان و دو قطعه عرائض مرسله
مرقوم هفدهم بهاری و غره قمی بنظر انور بگذشت مفصل
حقیقت مندرجه بوضوح پیوست بالفعل هری بندت
بهرکیسه که مختار کل و دوست قدیمی ما اند باید که اخلاص
از انجا بلشکر هری بندت بهرکه رفته بار او موصوف
ملاقات نموده در مقدمات مفصل مجمله رویداد مساعی
جمیله بکار برند و یک خط موسومه راو موصوف در باب
طلبیدانش ایشان به نزد خود مرقوم و مرسلت البته
پیش خود خواهند طلبید از انجا بسمت لشکر مذکور باید رفت
مرزا ماقر را در رفت روانگی اصحاب به لشکر هری بندت

۱۰۱ که

بدارند و بگویند که غرض بدو ماهه سرر سانیده اند

امر بنام قلعدار مکر مضمون صدر

امر بنام میر محر تعلقه جهاراب جلی کوربال عرضی
ایشان مضمون هنگامه اشقیای آن نواح و نبه رسانیدن
ایشان بکفار انیکه در نها در بودند و کمک نمودن
شیخ امام سپهدار باد جود فوشتن ایشان معلوم
و مفهوم شد ایشان هم البته در زمره مردان داخل
اند از جمعیت هر اهی خود به خنگ مخالفان پرداختن
ضرور دانسته در دفع کفار کوشند ما این شیخ امام
سپهدار را امیر منشور تاکید مرقوم است کمک خواهد
نمود ۹

بهر بنام آصف سلام ابد عرضی مرسله مرقومه
بست و دوم ماه تقی سال زبر رسیده اند مضمون

اقوال و افعال اینها بوی تکرار می آید [illegible]
طویف درکار نیست هر دو بر فرض جای دیگر مامور اند
صدور چند قطعه از نکر که تکرار چیز از آنش دارند ضمام
اینها نشان تاکید مرقوم و ملفوف است که طلب دو ماهه
هر یک از علاقه داران سرکار موقوف داشته نمی
میگرفته باشند باید که آنان نیز مطابق حکم دو ماه
موقوف داشته باقی میگرفته باشند باید که آنان
نیز مطابق حکم دو ماه موقوف داشته میداده
باشند ۵

۴ مرقوم رونق خان صدور تکرار حکم گردیده شده
که طلب دو ماه علاقه داران سرکار موقوف داشته
تتمه میداده باشند باوجود این از اصفان تکرار درخواست
زر تمام و کمال طلب خود نمودن غیر از بی وقوفی آنان
چه تصور توان نمود باید که آینده مطابق حکم کار بندی نمایند
کردم را بدلاسا و تسلی فعالیش نموده عوض دو ماهه

۱۰۱۲

۳ مرقوم بنام سید عبد الله عبد روس و شیخ سید و عبد
و سید علی بن الحسین و محمود شاه نائب فرخی شب و
روز تقویت و اعانت دین متین منظور داشته
همگی همت مصروف بر دفعه کفار اشقیای لازم
که الصاحب در این وقت علوی کفار از درگاه فتاح
حقیقی مستدعی فتح و نصرت اسلام بوده همه محمدیان
را مجتمع نموده زر از تعلقات وصول ساخته
اند هر قدر که زر از تعلقات وصول شود بخرج محمدیان
داده به تنبیه اشقیای کفار بپردازند ان الله المستعان
منقریب رایات نصرت ایات افواج سرکار روز افزای
به ان نواح میگردد ۵

۴ مرقوم بنام محمد رضا فوجدار عرضی بمرسله مرقومه سوم ثمری

کیفیت فرخی وحید رحصار از نظر انور بگذشت بکیفیت
مندرجه مفصل موضوح پیوست قبل ازاین میر محمد علی
بخشی دویم جیش را با جمعیت کثیر روانه النمت
فرموده ایم باید که ان نیز با جمعیت مسطور ملحق شده
به تنبیه نمکحرامان ان نواح پردازند روغن زرد که برحال
بکیدرسی و هفت دامن کادر دانه ساخته اند
متعاقب خواهد رسید حسب المعروضه بخشی قطعه باهدار
مرسلست به یاریان ان نواح داده تاکید سازند
که همه روغن وغیره اجناس بلشکر فیروزی میاورده
باشند ۵

۳ مرتبه نام مهد علیا ان کشتا مایک هر کاره نروان
رفعت مرتبت روانه فرموده ایم بعرض نواب
صلابتمآب خواهد رسید باید که ان بقصبی کوا
اگر ضروری دانسته باشند بنا برده نیز اطلاع دهند
بالحضور سر و صدا ردد ۵

ایشان در باب دادن دو هزار بنادق معه کمربسته
منشور تاکید بنام آصف و صدور نگر و مناشیر تاکید
در باب روانه نمودن رسالداران قزاق بنام آصف
و صدور فرجبا بحصار دنگر مرقوم و ملفوف همه را احاضر
و بنا را داشته بهر قسمیکه مناسب دانند بندوبست
جنس وغیره نموده به تنبه مفاهیر پردازند و در جنس
کلان همراه خود برده قلعه هر مال تصرف خود آورده
قلعه را منهدم سازند و یکیک راضی خرج برسم علی حساب
بجوانان جنس که فراهم میشوند میدهانیده باشند و
بالاندیشه مفاهیر تنبه معقول رسانند ۵

۱۴ امر بنام صدور قلعه از نگر دو هزار بنادق و
کمربسته برای دادن جوانان چهارم جنس منجمله
بنادق ناری کونلی درک بندمه محمد رشنا فوجدار
دهند بالفعل هر قدر که تیار بوده باشد باقی را امر
کرده اینده ۵

بنظر انور رسانیده رقوم بود که جوانان علاقه چهارم جنس
کچهری یکهزار و هشتصد جوان فراهم اندوده در ان نظر چهار
صد بندوق تبار و سصد و سی کوچ بندوق ناکاره
جمله نهصد بندوق بسرانجام اندازند جهت جوانان
معطل نشسته از یکقطعه منشور در باب دادن دو هزار
بندوقی دکمر بسته و غیره از حضور عراصدار باید از
نکر طلبیده جوانان مذکور نوکر حاضر خواهند داشت
یکرسالدار فراق باسم سید سلیمان معه چند سوار
در نکر و دیکری دفتر چهار رقعه نشسته اند در ان
باب ثبات مامور و صدور نکرد و فرمانجهار منشور
تاکید برحمت شود جوانان چهارم جنس کچهری و
قشون بدر الزمان خان بهادر که فرمان شود تسب
تکلیف قوت پاره بمجرد آمدن برای خرج معروض
سبدارند اگر حکم شود بمجرد آمدن جوانان یکراخی بطریق
علی الحساب داده آید معلوم و مفهوم شد حسب المعروضه

بیان

المرسلین اتم و مقدم بر جمیع امورات انکه شبه بشب و روز
سرگرم و مشغول جهاد هستیم باید که آن حقایق آگاه
نیز در اوقات خاص از جناب الهی مستدعی فتح و
نصرت اهل اسلام و مخذولی اشقیای کفار باشند
باستماع اوصاف پسندیده و اخلاق حمیدهٔ آن
حقایق آگاه بسیار بسیار مشتاق ملاقات هستیم
لازم انکه در این روزها یکبار بحضور شریف آورده
از ملاقات خود مسرور سازند نیز برکات مرسله
بصحابت نیم شاه درویش فائز حضور پرنور
گردید ۵

~~سلخ مرقوم فادر علی اصف سلام آباد حسب الامر~~
~~ایشان شتابی قطعه راهداری نام بی پایان آن~~
نواح مرسلت نبا برده ادا ده تاکید سازند
روغن وغیره سرخ رنگ بنور بحضور آورده باشند
~~سلخ مرقوم لطف علی بیک جمدار کردون شکوه~~

بهمرسی بنام الصف و صدور فیض حصار در اخوا
خواجه عظیم الله خان و خواجه حاجی خان بمعه جمعیت سواران
باراده نوکری بحضور میرسند هرگاه که نامبرده با جمعیت
سواران تردد ایشان بیابند هزار روپیه برای خرج
راه و درستکی اسباب بتحویل نامبرده نموده
رسید بگیرند ۵

۴۴ مرسی بنام [illegible] مرسله بنظر گذ
بالای قلعه بخبرداری بوده باستقلال تمام باشند
و بجاه و اسب مردم نوکر داشته بخبک اشقیا
مقهور بپردازند

۴۵ مرسی بنام اسماعیل شاه سجاده نشین کوه مانند
عرضی مرسله بنظر انور بگذشت و مفصل کیفیت مزدنه
بوضوح پیوست تقویت و اعانت دین متین خنم

الیلین

غازی خان وغیره رسالدار را بحضور فرستاده آمد
و محمد حسین جلادری مست سوار متفرقه فراهم آورده
در باب مثل دیدن انها قسمیکه حکم حضور عزالصدار
باید بدانموجب بعمل خواهند آورد ظاهر و هویدا شد
باید که ایشان سوارلان مذکور را مثل دیده تاریخ
بندسازند همان تاریخ منظور و بحال دانسته خواهد
شد سوای این هر قدر اسپان غنیمت که آورده
باشند همه را ثبت کنند و نقد حکم رسانند که بهرتی
سواران رساله خود ها بوجب نشده و ایشان مثل
سپیدار دیده باشند ۵

امر نظام محمد عبدالله صدر بخش سید ابراهیم
سعد قشون و درخشهای متعینه خود ها بجا برسد باید
که ایشان را دیده هر دو با تفاق حضور رندی نموده
تنبیه مفسدان منظر آباد بسازند هر قدر کفار
در جنگ کشته شوند فی النفار باقی اسیران را خواه

ظاهر حضور شد که بکجوان رساله بری خان فرشی علاقه
اول سوار کچهری کارشکر مخالف معه چهار سوار مرتب
نصارا و یک اسپ سواری جوانان مذکور ما نخار سیده
است ایشان جوان مذکور را گذاشته اسپ سواری
نا برده معه چهار سواران مرتب نگهداشته اند باید
که بر چهار سوار نصارا را معه اسپ در بزرگ داشته
بحضور بفرستند

نشان شیر فیض مآثیر مورخه ماه جعفری سال ۱۳ جلوس محمد
نغایته آخر شهر مذکور رسیده

فرمان بنام محمد باقر مخبر دوم سوار کچهری مرحمتی مرسله
بنظر انور بگذشت مرقوم بود که حسب الحکم حضور پر نور

فارغی خان

خود دایم آمد آده باشند و بعضی ملک بنکه از دین حق
برگشته انکار نموده باشند بسزای بدکرداری انها
رسانیده و از ملک رام ما بر بعضی مفسدان که همکامه
آرا بوده باشند تنبیه واقعی نموده کیفیت را بحضور
معروض نمایند انشاء مخاطر فیض باثر مسرور دارند ۵

~~جعفری بنام ببر جنگ عرضی مرسله قضمن همکامه~~
انقیاد دوسته بار ما خت نمودن ایشان رسید کفار
و نجبرداری بودن ایشان در فرحبا بحصار بنظر انور
بگذشت مفصل کیفیت ظاهر شد برخوردار محمد رضا
نوجداری بی نظیر و نکر که در انبولا در اطراف بی نظیر تنبیه
مخالفان مشغول است باید که ایشان بهر طور معه جمعیت
همراهی خود نزد فوجدار مذکور بروند چونکه جمعیت کثیر همراه
محمد رضا است ایشان هم همراه نامبرده بوده حسن قدردانی
خود بردی کار آورند و به تنبیه مخالفان بردازند ۵

~~جعفری بنام اصف ملک الاعظم عرضی مرسله~~

مثل خواه جوان خواه پیر همه را بالکلیه خوجه ساخته راکرد
باشند تا انقطاع نسل کفار کردد بدستور رعایای ملک
هفت هزار دیوره را که شریک نمک حرامان اند بسزای
مرقومه صدر رسانند
و بنام مشایخ فرخی تقرره یچ اسم سید عبد الغفار
سید عبد الله عمدروس سید علی بن الحسین سید شیخ
شاه محمود در باب تقویت و اعانت دین محمدی
و سعی بمحافظت اهل اسلام بسزای احکام شرعیه
هر چند با نصایح آگاه ساختن از ابدفا بجمیع وجوهات
غیر از امور متعلقه جهاد هیچ امری متصور نیست و بجواب نوشت
باید که در اینولا نصایح نامی محمدیان و احمدیان انملک
را فراهم آورده ترغیب جهاد داده چنان سعی بعمل آرند
که احدی از کفار منکر دین اسلام باقی نبوده روز بروز
ارتفاع الویه احمدیه صورت پذیرد و در زمرهٔ متعلقات
وصول ساخته بجمع فوج محمدیان و احمدیان که بر دین

396

در برآمد کار سرکار حیدری خواهند فرمود نقل قرارنامه
های کلاه پوشان بیش از این مرسلت ضابطه
ترقیم اخبار بر کاغذ علیحده مرقوم ساخته مرسلت
خواهد رسید مطابق آن می نوشته باشند ۵

۱۴ مرسلم اصف نظر آباد مکرر عرائض مرسله
متضمن کیفیت آن نواح معه سنی حاضری وصول
از ساعده رسالهٔ مرسله حمیدی دکی بنظر انور نگذشت
مفصل کیفیت انجا بشرف وضوح پیوست ان اله تعالی
المستعان بتائیدات ملک الدیان در عرصه قریب
رفع مجمله رویداد بعمل می آید باید که ان نجابطرحمی
در فدویت سرکار سرگرم باشند سپهدار و رسالدار
و نایب دار که همراه حسینی بیک بخشی هجم بخش کمری
در انجا حال حاضر اند بهر یک سپهدار سی هن رسالدار

ست و هشتم شهری سال ز بر جد سنه ۹۱۲۱ محمد مؤمن کیفیت
آوارگی نصارا بسمت یسنتی مارن هلی و تسخیر بعضی قلعجات
و مستقل بودن ایشان بالای قلعه سنطراور نگذشت
انشاء الله المستعان در عرضه داشت قسیکه خنه نصارا
معمل می آید مشهور افاق خواهد شد خاطر جمعداران خند
مرد آدمیان رابی است نوکر داشته بحفاظت قلعه
قلاع بردازند نقص نیست که آن فردی قدیم باستقلال
تمام بخنگ انتقای کفار کارنده بوده جوهر فردیت و
شیوه نمک حلالی بروی کار آورنده و کیفیت رویداد
بحضور معروض دارند
و جعفری بنام دلیر دلخان عرضی مرسله سنطراور نگذشت
کیفیت مندرجه مفصل و موضوع پیوست چونکه ان
شهامت مرتبت فردی و دولتخواه قدیم اند نقص نیست
که در باب درستکی امورات سرکار سرمو تفاوت
و تجاوز بعمل نخواهند آورد و با یکدیگر متفق بوده سعی جمله

بنابرخرج به سپهداران ورسالداران حال حاضر بنام
رزا مهدی اصف طغرآباد مرقوم است که مشی هین به
سپهدار و بازده هین برسالدار دنبه دار مبداده
باشند بدانموجب تنها خرج دهانیده بکار فدویت سرکار
سرکرم باشند ۵ مبلغمد کور که بلاحکم ازصدر
الی گرفته اند عاید سرکار سازند ۵

۵ امر بنام میرشجاعت علی عرضی مرسله متضمن تیار
نمودن نیری ها بنابر تسخیر قلعه سلام آباد و یافتن سراغ
جوانان جیش که قبل ازاین فراری گردیده اند بنظر
انور بگذشت باید که درعرصه قریب قلعه را بتصرف
سرکار جبدری درآورده منهدم سازند و همه جوانان
فراری شده را فراهم نمایند سوای این بهرتی جوانان
نو نگهداشت جوانان قوللاذم بنام بخشی مذبور نیز تاکید
مرقوم است براسم نویسی مردم واری تنخواه دارند
و بوقت مثل دیدن حضور معروضه دارند ۵

و تنبیه دار یا نرده هن خرج میدا نبده باشند و ده را
طلب داران مردم متعینه قلعه و رضا کرا از خزانه دا نبده
بحفاظت و درستی تمام بجای خود خبردار و مستقل
باید بود ۵ دیا نصد روپیه را اسپ خریده حسبی سبک
به سپهدار داده زر مذکور از صدور گرفته باید که زر معلومه
از بخشی وصول سازند ۵

۱۴ امر بنام حسبی سبک بخشی هیم چیش کهبری کرا بیض

ایشان بنظر انور بگذشت کیفیت مندرجه شرف وضوح
پیوست مرقوم بود که سید علی شاه سپهدار با جندر سا کدار
و تنبیه دار از راه نمکوامی بعد رسیدن ایشان بنظر آباد
بطرف مخالفین رخت ادبار کشیده مبلغ یا نصد روپیه
از صدور انجا گرفته اسپ خریده به سواری سپهدار داده
از ظاهر دمهوبیدا شد گرفتن مبلغ مذکور بلا حکم و دادن
ان به سپهدار موجب کم عقلی ایشان بود زر مذکور
بزمه خود دانسته بعهده آن جواب دهند حسب العرضه

۱۵

کنند سوای این هر قدر جوانان نو ملازم که بهمرسند نگهداشته
بحضور معود حاضر نمایند که تا حال قلعه سلام آباد بتصرف درآمده
باشد باید که قلعه مذکور را شکسته منهدم سازند ۸

۱۱ امر بنام غلام محمد کوریال عرضی مرسله بنظر انور رسید
مضمون کیفیت شریف وضوح پیوست مرقوم بود که هرگاه
کوهی ایمان در بندر کوریال پیدا شده قیمت زمین کوهی از
ایمان گرفته شود یا نه ظاهر شده باید که بالفعل بنا بر کوهی
ایمان یک حویلی سرکار بطور امانت دهند و دادن جای به
کوهی بجهت بیوپار نمودن نصارای مذکور کوهی خود در ملک
سرکار احدی چه دخل دارد اصلا و مطلقا زمین سرکار ملک
نصارا نباید داد باید که ایمان را دلاسا فرود آورند چنانکه
حویلی سرکار امانت دهند و قبیکه بزود واپس گیرند ۹

۱۲ امر بنام کیخ تری کوهی دار فرنگی و سیخ کجی کوهی دار
سرکره کنخی محی الدین عامل کرت نارائی موستی فلعدار
کاری کوته گله تنی محی الدین ادم هوشیار منجری و آلاموی

حراس

واما در منام اشرف سلام آباد عرضی مرسله بنظر انور رسید
حقیقت مندرجه شرف وضوح پیوست مرقوم بود که ان
بهمراهی میر محمد علی بخشی دویم جیش مفصل قصبه سلام آباد
فرود آمده اند و در عرصه دو سه روز قلعه مذبور را تسخیر
خواهد آمد هر دو میرانند بامید که بعد تسخیر قلعه را نکنه
منهدم ساز مذدوزدار قطعات بزودی بمعرض وصول
آورده رسد معقول روانه حضور ساز مذ فرمان مه نوشته
دادن ایشان بمردم اختام تعلقه فرخی دیگر آوردن
سبا اجاره دار دایر سابر بسیار بحاشده ۵

ثانی الحال عرضی ایشان متضمن رسیدن کمک نصارا به
قلعه فابر حضور شد فرمان جیش خان بورک را مرسلت
ایشان زمانه نبوده مردم باشند ۵

واما عریضه جناب میر محمد علی بخشی دویم جیش مجری
هر قدر جوانان جیش علاقه متعلم جیش کمپنی که سابق
فراری شده اند همه را بمعرفت میر سخاوت علی فراهم

کنند

محمدی را بنابر بندوبست ملک فرخی دراهم آوردن
تمامی محمدیان و تنبه نمکوامان معه مناشیر موسومه محمدیان
آن نواح از حضور روانه فرموده ایم باید که آن شهامت
نشان ده چهار صد نفر پیاده انتخاب کرده ملک فرخی
کرنجیه باشند همه را جمع نموده بهمراهی حسن کتی داده
روانه سازند دویست نفر محمدی که نامبرده بهمراه خود
دارد همه را بر راه دودوراتی نوکر داز هر یک
هندوی باکنری نویس را نیز بهمراهی حسن کتی دهند
تا بهمه متواتر کیفیت رویداد بحضور معروض داشته
باشد

و امر بنام فادرعلی آصف سلام آباد در ایمولا حسن
کتی محمدی را برای بندوبست ملک فرخی روانه فرموده
ایم باید که از تمک مینشی هندوی باکنری نویس را
بهمراهی نامبرده دهند نوکر داشته بدهند همیشه کیفیت
انجا بحضور معروض داشته باشد

هوشیار یونانی والا حسن کورکل چرن کات والا نغرا
هشت نفر پیوسته توجه باید دولت بر دفع اعادی
دین و تنبه کفار مبذول و مصروف است و شب و روز
غیر از اعانت و تقویت اسلام امر دیگر متصور نیست
ایشان که نیز خواه و فدوی نمکحلال قدیم سرکار اعلی
هستند باید که در این وقت بندهای شایسته همه مجدانه
و اصدیانه را با خود فراهم نموده به تنبه کفار نمکحرام بردا
نوعی سرد و عمل آرند که بیخ فساد کفار منقطع و حسن
سعی ایشان مقبول و منظور گردد و الا شجاعت شعار
حسن کنتی را بکار بند و بست انجا از حضور مامور
و روانه فرموده ایم باید که ایشان دنا مرده یکدل و
متفق بود و هر برآمد کار سرکار سعی بلیغ بکار برند انبده
باقسام سرفرازی ها ممتاز خواهند شد همیشه کیفیت
را بحضور معروض داشته باشند

از جانب امیر محمد علی خان دویم جیش در ابولا حسن کنتی

قمی

همانجا گذاشته قشون میر غلام علی طلبید از نده

۴ عرضه بنام محمد باقر خبی دویم سوار کهری تا بید کران
نسل سواران که رسالداران بنا بر بهرتی آورده اند دیده
تاریخ بندیب خته باشند آینده همین تاریخ منظور دکال
داشته خواهد شد

۵ عرضه بنام سید ابراهیم سپهدار عرضی مرسل منظر انور
بگذشت همه کیفیت مندرجه بشرف وضوح پیوست
حسب المعروضه ایشان تاکید در باب احتیاط نمودن
زمیان بنام عمدار و قلعدار مسلور دیم راهداری
بنام عمال بنا بر دادن راتب و داب علاقه قشون
ایشان و بنام محمد عبد الله صدر ریتن برای مساعده
بکیک بجوانان نو ملازم و نیز برای دادن بسته های
طرنک مرقوم و ملفوف است بدانموجب مساعده دهانند
باشند و احتیاط از زمیان کنانیده بکار فدویت سرکار
سرگرم باشند

۱۰ امر بنام میر شجاعت علی میر تزک محمد علی مردم را
نوملازم نگهداشته باشند در ایناب بمیر مذکور نیز
مرقوم است ۵

۱۱ امر بنام میر خنک ایشان خود در اتمعه فوج نزد
پسر خوردار محمد رضا فوجدار بر سانند تا فوج سرکار
همه یکجا گردیده برآمد کار سرکار شود

۱۲ امر بنام شمس الدوله خان بخشی چهارم جیش کی
بیگی بنا دیق حال حاضر را روانه سازند تا بعد در ایاب
همه بنا دیق بعد رجوعان روانه نموده آید ۵

۱۳ امر بنام جسونت سنگهان اول و کمال الدین دوم میر تزکه
جهازات جنگی خوشحال پور رسانه قادر خان را بهمگی
نزد خود داشته به تخالف پردازند در ایاب
قادر خان نیز مرقوم است ۵

و در باب دادن زر مساعده بجوانان نوملازم تاکید تمام
آصف بی نظیر مرقوم و ملفوظست رسانه قادر خان را

تا دل سازند در اجناب تعلق دارند نیز مرقوم است طریقه
ختم اینکه بروز جمعه شروع کنند و بروز پنجشنبه ختم میکردد
جمله یازده کس ده کس میباید که هر روز یکبار یک کس
یکهزار و ششصد و بیست و سه لفظ الله باشد بنویسد
در بالای نقطه الف خطی و در آخر لفظ الله که نامی
نویسند باید که سفیدی در میان آن نمودار باشد
این قسم الله و شخص یازدهم هر روز یکهزار و ششصد
و بیست و هفت لفظ بنویسد جمله در هر روز بهده
هزار و هفتصد و پنجاه و هفت میکردد در روز پنجشنبه
که روز ختم است یک شخص که زیاده مینوشت باید
در آن روز یکهزار و ششصد و بیست و هشت بنویسد
تا در عرصه یکهفته عدد یک یک و بیست و پنج هزار تمام
شود و هر کس را دوات و قلم علیحده سیاهی پاک
انداخته بدهند تا از آن دوات چیز دیگر ننویسند
و کاغذ مهره دار یا یک برهند هر روز بعد اتمام عدد

۴۸ مرقوم شد که آصف جاه فتح آباد ظاهر حضور شده که میر حسین
جاگیردار ملکور در فتح ها ملکور سکونت دارد و باید که ان ان
شقه موسومه میر مزبور که ملفوف است با نهار سانیده بحضور
روانه سازند اگر در ملکور یا جای دیگر هم بوده باشد
ازانجا طلبیده حاضر حضور سازند والا نه عهده جواب
ان بذمه خود شناسند ۵

۴۸ مرقوم شد داروغه خزینه کوشکی نه منجمله کتب خانه
حضور یازده جلد معه بیتی اسامی کتب ملفوف و
کتب مذبور سر بمهر مرسلست در کتبخانه بابت تحویل
غلام حیدر نگهداشته احتیاط کنند ۵

۴۸ جعفری مقرر شد خزانه دار ان بتین در مسجد اعلی خطیب
وغیره اشخاص صالح و متقی و قایم الصلوة را انباتبر
ختم جلاله مقرر کرده انهارا در وقت طعام از سرکار بلا
گوشت شیر و خشکه یا سرکاری بلا گوشت میخوراننده
باشند و تاکید دارند که بجا نهای خود رفته طعام با گوشت

تناول

408

بحضور معروضه دارند در اینباب بعمل آرند مذکور تاکید مرقوم
است ۱۲

۱۳ امر بنام محمد اعظم عامل چنیل پتن ظاهر شد که سابع بهزار
و سه صد راجی بابت تعلقه شمس آباد عین ستانیز
بافیست باید که زر مذکور بذمه عامل تعلقه مذکور رسانده
رسید بگیرند و بحضور اطلاع سازند ۱۲

۱۴ امر جعفری بنام میر قمرالدین عرضی مرسله بحضور بگذشت
کیفیت معروضه بشرح و بسط ظاهر و هویدا شد تشخیر
نمکان کندی کره بسیاری و مستحسن شد منجمله امیران انجا
کسانیکه برضامندی خود خواهش نوکری سرکار دارند
بسلک ملازمان درآورده باقی را بموجب قرار خود
بگذارند ۱۲

مذکور همه را متعرض نموده در میان اردکندم کلوله بسته از میان
یک کس برده بجوردن ماهیان انداخته باشند و بروز
ختم شیرینی مصری یکروپیه چهار رطل طلبیده فاتحه نماز
بجا آورده باشند ۵

بم مرتبام قلعه ارتین بمضمون مرقومه صدر

بم مرتبام غلام علی تعلقه از شمس آباد عرضی مرسله بنظر
انور بلندشت کیفیت مندرجه بشرف وضوح پیوست
رسانیدن وجه طلب مردم سندی احشام وحیش قلعه تا
بحال وبهرتی نمودن مردمان حیش وعسکر بیبار بحاد مستحسن
شد آینده نیز بکار سرکار سرگرم بوده شیوه فدویت
بکار برند مفروض بود که بزمره محمد اعظم عامل حیش بین مابین
تعلقه شمس آباد سوای تفرقی عین مهتا نیز مبلغ یکهزار
وسه صد راضی واجب الادای سرکار است زرمذکور
را باید که ایشان بمعرض وصول درآورده واخلاص خان

آبدی جناب قبلی نفر یکیک را حتی بمعرفت بخشی مذکور
دابنده رسید میگرفته باشند
بنام شرف الدین میر بحر علی هازارات کوبا
عرضی مرسله متضمن سرکرم بودن انجناب بکار
فدویت سرکار و طلبیدن برخوردار محمد رضا رساله
قادر خان را نزد خود و ندادن صدور انجا طلب بعضی
مردم درخش انداز و بنده بابت فتح خبک غراب با دیگر
نسبت دیوزر بکار فدویت سرکار سرکرم اند بنظر انور
بگذشت باید که بهمین منوال به تنبیه اشقیای کفار پردازند
در رساله قادر خان را نزد محمد رضا بفرستند میر غلام علی
فرستادن درکار نیست همانجا بماند ازین قبیل از این
درانباب منشور تاکید نمام برخوردار محمد رضا مرقوم
است بنابر نگهداشتن نا قصد مردم مهدی و بنده می
اسب نو ملازم همانجا بماند رساله مناسب بصدور انجا
مرقوم ثبت باید کرد انشاء الله و صدور معه جمعیت مرقومه

سرکار جدری سرکرم و جان فشان باشند ۵

۶ مرقوم بنام میرزا رحیم خان بیگلربیگی مرسله متضمن کیفیت
ظاهر شدن نوشتن خطوط باهل یونه اردوی و در باب روانه
نمودن ایشان بانظرف لساریجا و متحصن شده در ان
دفعه بعهدی و بد قولی اهل یونه اظهر و هویدا است
خوب چه مضایقه عما قریب سزای بدکرداری
خود خواهند یافت باید که ایشان بهر عنوان خود
را بحضور برسانند محمد باقر بخشی چهارم جیش کهری
را روانه بی نظیر رسند ۵

۷ مرقوم بنام محمد باقر بخشی چهارم جیش عرضی ایشان
بنظر انور نگذشت کیفیت مندرجه بشرف وضوح پیوست
بهر عنوان خود را به بی نظیر رسانیده باطلاع حضور بپردازد

۸ مرقوم بنام محمد اشرف عرضی مرسله متضمن بر اینکه
بسبب رسیدن سواری برخوردار علام حیدر بان یولح
وردان نگکرام مقاهیر اکثر تعلقات را گذاشته رو بفرار

صدر بوجه احسن در تنبیه کفاران پرداخته جنس تعدیت
خود بردی کار آورند و طلب چه قدر اجناس در خرش
انداز و مرد آدمی و بنجره مردم علاقه فتح خنک غراب
از صدور رسد مقدر انتساب بقصد در سور تاکید مرقوم
و ملفوظ شد ۵

مرتب شد در دویم جمادی الاول با نصد نفر مجدی و بنجره
بی اسپ همانجا بدر ماهه تناسب نوع ملازم نگهداشته
از آنجا معه سیر بحران تعلقه صاحبات جنگی کوریال
و خوشحال پور به تنبه دزدان کفاران انواع برداخته
باشند از ردی معروضه میر شرف الدین میر بحر تعلقه
جنگی جهازات کوریال ظاهر شد که طلب شصت خان
جوقدار جیش و ناکا جوقدار در خرش انداز مرد آدمی
و معلم و بنجره مردم لوازمه فتح خنک غراب کرنت و بدر
بکار زده دیت سرکار سرکرم اندیشه بایدچه
موجودات انها دیده طلب بدهند شب روز در قدو

۱۷

تنبه اینان ختن بسیار تعجب است باید که آینده عذر و حیله
را کذا شته در انچه برآمد کار سرکار باشد سرکرم بوده
بوجه احسن تنبه دزدان بعمل آورند و باصف انچا ضد
و نقاض نساخته شیوه نمک حلالی بکار برند که در صورت
مخالفه فیما بین غیر از نقصان آبروی خود نتیجه دیگر
نخواهند دید ۱۱

۱۸ امر نظام محمد جان عامل مرغلا عرضی مرسله تضمن
کیفیت شرارت نمکحرامان و سرکرم بودن ایشان
در فدویت سرکار معه دو صد پیاده کنداجار در مرغلا
بشرف وضوح پیوست تعلقه رحیم آباد را بذمه ایشان
فرموده ایم باید که دو صد نفر پیاده دیگر نوملازم نگهداشته
به تنبیه نمکحرامان و مفسدان بست تعلقات آن نواح پردازند
نکته راه دونکتا چلم زمینداران که در اطاعت و
فرمانبرداری نصارا بوده بعضی تعلقات سرکار در
تصرف خود آورده اند باید که بحکمت عملی هر دو را اسیر

نهاده اند و این ان در هر هر تعلقه یک مرد آدمی با سوس
فرستاده غله بمقدار فی روز سه صد احیاد جو تعلقه
فراهم می آورند بعضی کوایف مندرجه بشرف
وضوح پیوست فرستادن مرد آدمی بهر هر تعلقه د
فراهمی غله از اطراف بسیار بجا و مستحسن شده باید که ان ان
دصد در در کار فدویت سرکار بکدل بوده به تهیه در ان
که صد و پنجاه فراهم شده غله و غیره زراعت تعلقات
را بغارت میرزا تنبه معقول میساخته باشند در ین
باب منشور تاکید بنام صدور مرقوم و ملفوف است تفنگه
آینده بلا حیله حواله سرکرم تنبه مفسدان خواهد بود مگر اگر
هر قدر غله و غیره که فراهم میگردد بالای قلعه داشته
باشند

۱۸ در باب صدور فتح آباد در ابتولا که در بعضی تعلقات
سرکار صد و پنجاه در زدان نمکحرام جمع کرده بعادت
کریکا غله میبرداز مرد جود قریب چولد بعد ان ان

تنبه

انگشتری های نسبیار اولی دانست مرقوم
مذکور را است بغیر مغلوب کنده باید کنایند بنابر
اینکه بطور تعویذ بدین در دست میباید داشت ۵
امر بنام ملعدار تمین الهمرا و منصدی اول عسکر
کهری سعه در خرش دکادان در خرش کسی با نجامی
رسند در خرش ها نگهداشته منصدی مذبور را معه
کادان و بهلبانان روانه حضور سازند ۵
امر بنام محمد شفیع عرضی بیرسله منصدی کوالف رود
معه تبی اجناس حال حاضر کهری نگر منظر انور به
گذشت در تعلقه نگر و جال آباد در کدام کدام
تعلقات فساد و هنگامه برپاست مفصل بر نگارند
اکثر پیلان مغبر در تعلقه نگر سکونت دارند اگر
انها را طلبیده مستعمل نموده حکم شود جمعیت هزار
و یا نصد فراهم نموده به تبه مقدان خواهد برد
باید که این پیلان بغبر را طلبیده و لاساد و لبری

نموده بمالک دوزخ سپارند طریقه آسیر و دستگیر نمودن
انها را در بر دی غلام علی حامل منشور ذکر فرموده ایم
بموجب آن کار بند بوده اسیر را زندان و الاقی
عنقریب فوج ظفر موج نیز با تضلع رسیده و انتدا
۱۸ مرقوم محمد شفیع عرضی مرسله حضرت رسیدند ان
باستار اد سزاول داشتن به تعلقداران حوالی
موضع مذکور نبابر فراهمی یکهزار کاو و یکهزار مزدور
دبستر روانه کردیدن انجانب به نگر بنظر انور بگذشت
باید که بموجب حکم مه بتمامی امورات مامور خود
قیام ورزیده در عرصه زودی باروت و سرب و غیره
روانه سازند در امیاب تاکید اکید شناسند
۱۹ مرقوم خلاقه داران حضرتی توشکخانه پتن جهاد
مرجان مرسلست بعضی از ان مربع و بعضی مدور تقطیع
تراشیده بران نکینه لفظ امن الملوکلون حروف
عمیق بقسمیکه بر کاغذ علحده مرقوم و ملفوف برای

داده بکار فدویت سرکار سرکرم دارند سپهداران
مذکور را بجناب نقوی راحتی و رمایه تنبیه دارد
رسالدار ده پانزده راحتی جوقدار نوزدار را مناسب
دیده بطور علی الحساب میرسانیده باشند و همه مردم
بلازم سرکار بکوشند که اینوقت روسیاهی حسن العظیم
را از خود دور سازند بالغعاب جوانان حبیش
در اینجا اند بتحویل سپهداران همراهی حسینی بیک داده
بکار فدویت سرکرم دارند

~~همراهی حسینی بیک عرضی مرسله بنظر انور رسید~~

بهر سپهدار همراهی خود بطور علی الحساب شش
راحتی و رسالدار و تنبیه دار را پانزده راحتی نوزدار
جوقدار و بنجره را مناسب دیده از نزد واصف انجامی
دانسته باشند و بکار فدویت سرکار معه مردم همراهی
نوعی سرکرم فدویت باشند که روسیاهی سابق
بابت حسن العظم از خود دور شود

داده به تنبیه متعاهیر انجا برکار ندکه تا انها از تعلقات
سرکار تهانه مخالف برداشته تهانه سرکار قایم نماید
وزر زراعتی جمال ابا دمعه باردت و برنج و غیره کاشتهای
مطلوبه بموجب حکمنامه موسومه خود روانه سازند
نکرمس بوفور جمع کرده است باید که هر روز مزدوران
کثیر داشته همه را مشغول کنانند تا بحر سبندی انجا
نکار آید ۵

بم [illegible] عرضی برسله تفصیل کیفیت رودباد منظر انور
بگذشت کیفیت مندرجه مفصل بشرف وضوح پیوست
باید که بخبرداری و هوشیاری مردانه بوده تنبه مخالف
بعمل آورند متعاقب بطور یلغار جمعیت معقول از
حضور پرنور روانه انجا لشکر سپهداران همراهی
حسینی بیک بخشی نجم جیش کجهری همه اشرافند بجب
و نمک پرورده قدیم سرکار اند آللهی هستند جوانان
جبشن و غیره حال حاضر آنجا را بجز بل سپهداران

باشند حافظ محمد را مبلغ یکروپیه یومیه از راه کرم و فضل
مقرر فرموده شده تا صرف معیشت عیال خود نموده
بدعای دولت و مفهوری اعدا مشغول باشند باید که ایشان
مبلغ مذکور بمعرفت علاقه داران خزانه میرسانیده باشند
و بر خواندن اسمای حسنی و ختم حضرت محبوب سبحانی مامور
داشته سرانجام ضروری ختم خوانی معمول سابق که نسبتی ان
بنابر ملاحظه حضور پر نور مرسوم داشته بودند مطابق آن
از خزانه میدهنده باشند تا او سبی نه ببرکت اسمای
خوبش و انفاس بزرگان فتح و نصرت شاهان
و هزیمت و خسران مخذولان از ممکن خفا بجلوه ظهور
آرد انه قریب مجیب ٥

~~مبلغ مرقوم علاقه داران خزانه~~ چنین از راه فضل و
کرم نظر به پرورش غربا مبلغ یکروپیه یومیه برای معیشت
حافظ محمد خسر محمد عبد الله صدور چنین تقرر فرموده شد
باید که بلا ناغه و بلا عذر مبلغ مذکور از خزانه میرسانیده باشند

امر بنام غلام محمد حال کورنیل هزار تصدیع سیاه که
نجاران مرسله موسی و فرش کوزه هلجری خواهند خواست
قیمت مرقومه ذیل زر نقد گرفته بدهند بموجب فی الحال
هفت روپیه هشت آنه قیمت فی کهندی یکصد دیگاه
روپیه میباشد برای دادن مبلغ سی هزار روپیه بموجب
موسی و فرش قبل ازاین مرقوم بود اگر رسانیده
باشند بهتر والا الحال دادن موقوف سازند فی
سلخ مرتبام قلمدار متن عرضی مرسله تحفه من کتب
شروع کتابیدن ختم باب از سیرت شاه اله لوک
واحوال زهد و ورع و کثیر العیالی حافظ محمد خسرو محمد عبدالله
صدور اول متن دکهنه فرستادن حافظ موصوف
بابت ان اینکه در خواندن اسامی حکمی فواید عظیمه
شاطحال خواهد گشت موضوع و مبرهن گردید شروع
کتابیدن ختم از سر نو بسیار بجا و مستحسن شده سرانجام
فروری ختم خوانی حسب درخواست شاهصاحب داده

برانیکه همه محمدیان و احمدیان ملک فرجی از جان و مال
حاضر و خوان دولت فدویت و جانبازی سرکار
جدی هستند موضوع شد در این روز نامبردار
بیرقمرالدین بکو میشور معه افواج قاهره رسیده است
باید که انصاحب هم از اطراف محمدیان و احمدیان را
جمع نموده به تنبیه کفار بپردازند در زرا تعلقات وصول
ساخته بحج محمدیان و احمدیان داده باشند و نوعی
ملک عملی بکار برند که تمامی کفار به تیغ بیدریغ سازند

از زبانی سید حسین نائب هرکاره ذکر میشود
اوصاف و اخلاص و تصمیم و ارادهٔ بهره یابی حضور ظاهر شد
باید که ما را هم مشتاق دانسته از ملازمت حضور بهره ور
شوند و پیوسته در دعای فتح و نصرت و مخذولی اعدا
مشغول و مواظب باشند

از زبان غلام علی تعلقدار تمس آباد عرضی مرسله تفحص

تا از برکت اسماء اصدق فتح و نصرت در قرن حاضر دولت
بزرگیت اعدای دین و ملت بجلوه ظهور آید بسرکار فیض آثار
ختم خوانی وغیره هم موجب درخواست حافظ موصوف
قلعه ارین میدانبنده باشند

نشان فیض تاثیر مهر مبارک مورخه غره خردادی سال ۱۲۵۱ محمدی
از ماه مذکور سنه ۱۲۵۱

۳ مرقوم شد نشان مستان سائل بلکنده یک بوری برکاه
سرکار بنابر کمال ضروری بستر روانه میکردد باید که یک
آدم واقف راه همراه داده بستر روانه سازند
۸ مرقوم شد نشان محمود شاه درویش فرجی مرحمتی

124

با قلعدار دوم و سررشته دار روانه حضور پر نور سازند
که برای بهرتی جوانان سرچشمه ها و غیره حکم فرمودند
بنواب فرمانک سرچشمه ک فرمانک دفعدار ک فرمانک سرچشمه

کتی دو فرمانک سرچشمه ای دو فرمانک سرچشمه کتا سرچشمه فرمانک دفعدار

۴۳ مرتب نام محمد شفیع عرضی فارسی مفوف در عرضی
هندی بطرز انور یکدست مرقوم بود که چند کس از مانندگان
نگر بطرف مقهوران طرح فتنه و فتور نموده بودند و اصناف
نگر صرف نادان و بی حرمت اصلا در سی معامله
نمیکند همه مردم این مکان مبلغ خطیر خورد و برد نموده اند
ظاهر و هویدا گشت باید که کسانی فتنه و فتور و اسامی
خورد و برد را بواقعی دریافته در بزرگ گذارند اسامی
انها را بتفصیل بحضور معروض داشته مطابق حکم رسوخ
خود همه خبر بزودی بعمل آورند

براینکه تا حال مردم احشام وحشم و غیره متعلقه قلعه شمس آباد
را وجه طلب رسانیده شده اینده نیز بهوجه طلب مردم
مذکور دهنده خواهد شد مگر دراین روزها منشور فیض گنجور
بنام خود دریاب دادن و وجه طلب مردم متعلقه قلعه مزبور
که صادر شده عهده برای هر دو احراجات در اینوقت
دشوار بشرف وضوح پیوست در تعلقات چین بتن
محصول باغات دهم در تعلقه متعلقه ایشان نیز
است باید که بهر نوع و هر قدر زر وصول نموده بمردم
ملازم سرکار رسانند مردم متعلقه قلعه شمس آباد وچین بتن
هر دو نوکر سرکار اند از هر دو تعلقه زر وصول نموده
بمردم سندی داده در فدویت سرکار سرگرم باشند
مگر اگر جنابرداون طلب مردم متعلقه شمس آباد و تعلقدار
قمرکلا نیز مرقوم باشد ۵

~~احرزی بنام تعلقدار ~~ ~~ای~~

مرقومه ذیل را معه تلبی جوابان حال حاضر همراهی ایشان

سه فوج بکر به رخصت او بار گشیده لهذا حکم فرموده میشود
که ایشان سه فوج در نزدیکی ساوندی دراک وغیره
متوقف بوده منجمله افواج پیش منقلا دو سه رساله
برای خبر نصارا فرستاده خبر دریافته بحضور معروض داشته
باشند فوج پیش منقلا را تاکید نمایند که بسمت فتح آباد
رفتن درکار است نزد ایشان آمده حاضر باشند
ام مقام شاهزاده دلجا رضا و عرض نیکی رود رعرض
رسیده رسیده کیفیت ظاهر شد باید که بمجرد عرض رضا
دلیر دلخان و محمد مخدوم وغیره رسالداران تجربه کار
درجائیکه دانه و کاه دافر باشد درانجا رفته متوقف
شوند اخبار لشکر مقابل را بواقعی دریافته بحضور معروض
داشته باشند قسمیکه از حضور حکم صادر شود بدانموجب
بعمل آورند سابق بر دانکی جائیکه مامور آمد بلا حکم محمد
نروند ناصر را دنبوشیند که ملک کرد و نواح بیگلو
تاخت نموده غله از کهو برآورده باسبان منجوراینده

بجوس دلی و عقیدت کلی عزم مصمم دارد که بعالنجد
مرد شود پس اگر از راه تفضل قدم رنجه ساز زند اولی
والنعم یا اگر حکم شود این ارادت کیش که شب در روز
ب امورات انجاح حاجات طالبی خدا در پیش
دارد همه را معطل گذاشته خود حاضر خدمت میشود
حب الامر سابق بمک بندوق ساخت ولاه
اگر بر مکیت انگیزه دشمن دین است معه چند انبای
دیگر چه و غیره دیگر مرسل گردیده است رسیده
باشد ۵

امر فرمایم اصف فلک الاعظم توفی مرسله متضمن
کیفیت نصارا و روانه شدن محمد تاور بخشی سوار
کجهری بسمت ملک نصارا و فرستادن قلعدار و عملدار
دیگر نه سر انور و قولنامه نوشته دادن ایشان رعایا
اطراف را برای پناه بردن به دیر سهدر رک نظر
انور بگذشت نوشته دادن قولنامه برعایای دفرستادن

باشد ۵

امر بانجام مشارالیه قلمدر صحرائی نفصل ذیل مقرر
برانکه ارسال داروغه وغیره اشخاص از طرف بجدیت
انصاحب معروض درکار نبود فقط یک کس باید
بهره باب خدمت فیصد رجعت شود موصول شده
برحقیقت مندرجه آگاه شده حسب الحکم انصاحب
به سید علی وغیره داروغه هرکاره که قبل ازاین بنابر
استفاده خدمت رسیده اند بتاکید مرقوم است
که بلاحکم انحضرت کسی حاضر خدمت نشود تا مردم
آن حقیقت آگاه و منجمله شخص مرسله سابق هرکسی
را حکم خواهند فرمود همانکس مستفید حضور خواهد گشت
چونکه انحضرت از طرف خدا و رسول به تقویت و تائید
دین و اعانت این سرکار جدیدی مامور اند لازمه
شفقت بزرگان آنست که خود تا اینجا قدم رنجه
فرموده بهره وافی و تسلی شافی بخشند بنابرین

[illegible] محمد باقر بخشی دویم سوار کچهری که سبب بکامه
برای ایشان در ملک کافر مذکور نصارا ایملک
فرستاده راهی است باید که ایشان تا به جائین رفته
رد و برد سازند و همیشه کیفیت روبداد را
معروضداشته باشند

[illegible] آصف صدر در فلک الاعظم مسموع شد
که چند دزدان در قلعه بیاکر تهانه مخالف اورده
اند انهمه کیفیت دریافته معروضدارند مشور موسوم
محمد باقر بخشی دویم سوار کچهری که ملفوفت برسانند
بخشی مذبور نیز در همان نواح به تنبه اشقیای خواهد
پرداخت

[illegible] باید که اول نامه بجائین سواری
نموده تمامی ملک را تاخت و تاراج سازند در اثنای
راه کسان مخالف را هر جا که یابند زخمی نموده بهین

عمدار و قلعدار بسیار مجاز و مستحسن شمرده همه رعایا تاکید سازند
که در پناه دیرینه دیرینه رک و عیال و اطفال و مویشی
خود ها رفته و هم غله از کهوهای اطراف برداشته ببرند
همیشه ایشان از اخبار مفاسد دریافته بحضور پرنور
معروض داشته باشند و در رفاقت و مخالفت با
سرکرم فدویت بوده جوهر فدویت بروی کار آورند
هم مرقوم اصف خدا آباد عرضی مرسله مقتضی روا
نمودن خریطه موسی ذرین کوه بهولچری بابت مرسله
سابق بصحابت هرکاره به بهولچری و ایجاد خطاد بکر
بنام کوه مذبور رسیده اگر حکم حضور صادر گردد به
معرفت قلعدار انت گیری روانه نموده شود از جمله
قصور هوش و هوا اس ایشان متصور شد باید هرکه
داند و تواند خواه بمعرفت قلعدار مذبور خواه
بصحابت پیاده های متعینه خود روانه بهولچری
سازند

آورند

ا امر بنام میر قمرالدین قبل ازاین حکم فرموده شده
است که سمت مال کهات بروند لهذا امروز است
که دراین روزها معه درخش کان وتمامی مردم فوج همراهی
نفیسه خود بحضور پر نور بیایند وقلعه سلام آباد را برابر
زمین مهندم گشته

ا امر بنام قلعدار شمرتین عرضی مرسله بنظر انور گذشت
همه کوالیف هویدا گشت قبل ازین بهرامی میرانی چین
دجزه وجه سبندی مردم قلعه را انفذا حضور مرسلت
بایکه رسیده باشد باید که از اطراف وجوانب خود
کسان را فرستاده غله وغیره اسباب موفیی تنکجا ان
غنیمت اورده درسبندی قلعه ضابطه سرکار مبذاه
باشند کیفیت همت راو تنکجا معلوم شد باید
انهمه کیفیت را بقلعدار قبض حصار هم بنویسند تا
برادران او را سزا رسانند حسب المعروض تاکید به قلعدار

دستور باردیگر هم نامکان مذبور رفته و رانی آمد
رفت هست و دهشت تمام بان نواح می افتند
در مکان بنا کرهم سورش انقیاست باید که تنبیه
انها مهمات آورند
[illegible] مرزا جهانگیر [illegible]
مقرض بر اینکه اگر از حضور حکم نوکهدانشت با پنجاه نفر
پیاده شرف صدور یابد ایشان بند و بست آن
نواح و تنبیه دزدان ناهنجار بوافعی پرداخته بسیاری
از ممکوانان را اسیر و قتیل و متعلقات بالا پور هم که
از ملک افواج غنیم خالیست تاخت و تاراج خواهند
نمود بنظر انور رسیده از بمعنی حسن رسوخ و
فدویت ایشان ظاهر و هویدا گشت تعلقه بالا پور
هم بجاگیر ایشان داده شده با پنجاه نفر پیاده
همانجا نوکهدانشته بند و بست تعلقه مذبور هم بسپارد
نسق تعلقه متعلقه خود و اطراف و جوانب آن بعمل

باچهار رساله کچهری نامبرده تا چغامنی نبت باید فرستاد
که نامبرده برآسته آمد و رفت کفاران تاخته مردم
آمد و رفت را مجروح و اسیر کرده پیش شما بیارد
و کیفیت آمدن دیوان نظام علیخان وغیره نیز دریافته
جلدی نوشته معروض دارد ۵

جلد مردم آمد و رفت والا را اسیر هم نموده نیاورد ۵

۴۴ مرسله نام میرامان الله باید که شما با چهار
رساله کچهری علاوه خود چغامنی نبت سواری رفته
مردم آمد و رفت والا رد و برد ملک را خراب نسازند
و کیفیت آمدن دیوان نظام علیخان دریافته بلعرض
بحضور دهم به برخوردار روانه سازند و باز در عرصه
زودی دو سه مردم آمد و رفت را اسیر کرده گرفته
نزد برخوردار بیابند ۵

۴۵ مرسله نام محمد رضا از ردی عرضی میرامان خان ظاهر
که بسیار مردم جیش بسبب نبودن لشکر حالی دست اند

دعلدار موش آباد در باب تابع بودن باشما مرقوم شد
۱۱ مرقوم قلعدار قفس حصار در باب فراهم آوردن
غلا اطراف و موشی نگهداران در دفن ان را در
طلب سبندی ۹
۱۲ مرقوم عملدار و قلعدار موش آباد باید که بیش
تابع قلعدار ثمر تن بوده بخبرداری و هوشیاری
باشند ۹
۱۳ مرقوم قلعدار تن برای مهیا نموده دادن
سامان و سرانجام مطلوبه هر یک کاغذکارخانه مطابق
کاغذ نمونه مرسله بابت تماری دوم کارخانه قلمی ۹
۱۴ مرقوم موسی دبری مزدور در مرد و مضبوط
کلان را بوسیله باد قلم داده کار میگرفته باشند خا
ملک محاه و گداء فرستاده شده بعد فراغ
از کار قلعدار تن میرسانند ۹
۱۵ مرقوم شاهزاده دهلی رضا میرات ان قلعه را

۱۳۶

مامور بوده الحال نامبرده را بخشی گری کچهری مایان
نموده مرسلست باید که معامله فعله کچهری مذبور رجوع
نموده حساب دفاتر مینما بند ۲

بتاریخ ۱۲۱۹ محمد
ماشر فوق تاثیر سرکار حیدری [illegible] ماه مزبور ذکری سال
نهایه اخراجات مذکوره الیه

۴ مرقوم غلام حیدر و علیرضا برای خرچ افواج به
صحابت قادر خان پسر غازی خان مست و هج
کهندوتی رامست و سه هزار و نهصد و پنجاه راصی
بحساب فی کهندوتی یکهزار و مست و دو کهندوتی
و در مکا کهندوتی نهصد و چهل و یک و در کهندوتی
دیگر ششصد و دو و در کهندوتی سیومی چهارصد
و هفت جمله مست و هج کهندوتی برای تقسیم تقسیم

لهذا شش صد تفنگ معه دوالی وسمن دومان ان و
دسه دو دوالی وکاشه دمروری ومرقول دو دسته جری
از حضور پرنور بجل خلاصیان به تکریز نزد محمد شفیع مرسلت
کسان خود را فرستاده طلب دارند ۵

۲۴ مرقوم بنام محمد شفیع ششصد تفنگ معه دوالی و سمن
دو دسه دو دوالی آن بنام سمن دمرقول مروری و
دسته جری وکاشه نزد ایشان برای مردم جنس
منعنه محمد رضا مرسلت هرگاه که محمد رضا کسان خود
فرستاده طلب دارند تحویل اینها داده رسید بگیرند ۵

۲۵ مرقوم بنام علاقه داران دوم عسکر کهری تفنگ
را در کهری ایشان موکب دار مقرر نموده مرسلت
باید که بر موکب خالی کهری ایشان عسکری مقرر
نموده عمله موکب نامبرده رجوع سازند ۵

۲۶ مرقوم بنام علاقه داران کهری صدور قرمان
سابق به سپهداری قشون متعلقه دوم جنس کهری

مالدار

رانی راس سه هن مقرره هشتصد و پنجاه و نه بلاس
راد دو هزار و پانصد و هفتاد و هفت هن زیادتی فی
رساله پنجاه هن مقرره دو صد و پنجاه هن جمله دو هزار
و هشتصد و بست و هفت هن و دیم بخشی اعیان کمپه
نقیب محالدار و غیره پنجاه هن جمله پانزده صد راس
و هفتاد و پنج را بجهار و نهصد و چهل و یک هن برای
چهلم کچهری پانزده رساله دو هزار و پانصد و نود
و چهار راس فی راس سه هن بموجب هفت هزار و
هفتصد و هشتاد و دو هن زیادتی بحساب فی رساله
پنجاه هن مقرره پانصد پنجاه هن بخشی منصدی وغیره
هفتاد و پنج هن جمله هشت هزار و چهار صد و هفت هن
مقرره کهندونی نه عدد باید که بمجرد وصول زر
مذکور بهر سه بخشیان کچهری را روبردی خود طلبیده
همه سواران را موجودات دیده مردم حاضر را از
روبردی خود و بخشیان دست بدست تقسیم سازند

خرج برسم علی الحساب مرسلست بموجب تفصیل تقسیم سازند
برای اول سوار کمپنی دو هزار و هشتصد و شصت و شش
راس جمله دو هزار و هشتصد و سی و چهار نفر فی نفری
بسته هر مقرره هشت هزار و هشتصد و دو من برای
بخشی و مقدی علاقه داران کمپنی صد من افزود
فی رساله بنجاه مقرره چهار ده رساله هفتصد من
جمله نه هزار راخی را کهند دتی ده عدد برای سیوم
سوار کمپنی چهار و هشتصد و چهل و یک هر راشش
کهند دتی جمله هفت رساله را یکهزار و یکصد و هفتاد
و پنج راس مقرره علی الحساب پنجهزار و هشتصد و چهل و
یک من فی راس چهار من بموجب منا چو دفتری
دیوانی دور رساله را هفتصد و شانزده راس
فی راس چهار من بموجب دو هزار و هشتصد و شصت
و چهار من زیادتی را هر رساله صد من بموجب مقرره
دو صد من جمله سه هزار و هفت و چهار من باقی بحر رساله

۱۱۹۰

امر شد غلام حیدر و علیرضا خان معه سیصد سوار
کهری و تمامی فوج همراهی خود بسمت ساوه ی در ک
آمده بخبرداری و هوشیاری پرداخته زود بزود کهر و کبار
لشکر مقاهیر منموده باشند فتح خان پسر غازی خان
را با صد سوار بفرجا بحصار روانه نموده معه همه سوارا
غازی خان را هم نزد ایشان مرسلت بکار سرکار
حاضر و سرکرم دارند اولا سراغ کهی مخالف در سانگ کدام
سمت میرود بعد ازان به مشورت همگان و غازی خان
و غیره اشخاص تجربه کار همه فوج یکجا نموده با تمامی فوج
بر مخالف بزنند ۵

امر مقبول مقرون صدور انجام یافت اول و سیوم
چهارم سوار کهری

امر شد منشور خان مدت است که با طلاع جریب خود
سر و در افرای خاطر دوستان سرور افزا خدمت درین
روز افزاق اهل اسلام نیکو ظاهر ساخته لایق

سیصد و پنجاه سوار سبراه موتهه و یکصد و شصت و نه
سوار بین چوده هری جمله پانصد و نوزده سوار را فی هر اس
چهار رهن بموجب علی الحساب داده روانه نموده
شده است سواران سابق و حال جمله هفت هزار
و نهصد و بیست و سه سوار است در ایشان فی کهری
بحساب چهل پنجاه اگر بیمار باشند باقی همه را نزد خود
حاضر دارند مناشیر تاکید بنام هر سه بخشیان صدر معه
رساله دار مرقوم و ملفوف است ۵

ههر بنام سید جمن مالک هرکاره عرضی مرسله ایشان
بنظر انور بگذشت باید که ایشان بموجب فرموده
شاهصاحب بفقراد یغره زر تقسیم سازند بدستور
در هر امر مطابق حکم شاهصاحب معمل نمودند ۵

ههر بنام سید احمد دارونه هرکاره عرضی مرسله
ایشان رسید بموجب فرموده شاهصاحب باید که
ایشان بحضور میباشند ۵

ملفوف سربمهر بصحابت غازی خان مرسلت بموجب تعیی
صدر جوانان حال حاضر رادست بدست تقسیم نموده زر
بقیه سلک بحضور روانه سازند ط

۱۶ امر بنام محمد تاقر نخشی دوم سوار کچهری افشان بموجب حکمنامه
تا به چنابتن رفته تاخت وتاراج نموده مراجعت بفلک الاعظم
نموده اسباب غنیمت وبار وانقال در انجا نهاده باز متوجه
دوم بهمین قسم تا به سمت چنابتن بروند واز انجا نسبت
خدا آباد آمده سبک کرده باز از انجا بطرف ملیا کهات
رفته هیبت دوهشت بآن ملک اندازند واحی صور را
بصحابت چوبدار بسرکار نزد افشان مرسلت خواهد
رسید ط

۱۶ امر بنام آصفان سپاه نمیی دوم بخشی محمد فضل خان مرزبان کری
به نوزدهم ماه مذکور بنظر انور رسیده شد قبل ازاین سید عثمان
رامعه جمعیت روانه نموده شده است رسیده باشد
افشان در دو قلعه اردو سید عثمان همه باتفاق بوده

دوستی انکه در تقویت دین مبین سعی موفوره نامقدور
بعمل اورنده

باسم نام مهد علیخان از روی عراض انچنان مفصل
کیفیت ظاهر گشت در انصورت بودن انچنان در انجا
صلاح نبیند بزودی بحضور میاید غرض خلاصه
نواب مشور علیخان مرسلت رسانیده جوابش میاورند
باسم نام اصفهان ساوندی درک رحیم خان و محمد
مراد خان هر سه جوقداران رامعه جوانان همراهی انها
میابر قبانی ساوندی درک نزد انچنان مرسلت
بکار رفت دیت سرکار عالی در سرکرم داشته بموجب تصدیق
لغوزه طلب میداده باشنده

باسم نام غلام حیدر شاهزاده نمبت فرشهابدار
اسد اللهی همراهی انچنان مرسلت نهم حیدری نغایته
چهارم ذاکری دوماهه طلب مقرره کری نمیشد نشش
راضی چهار قلم تا دو بالا دوطاها بموجب نمی اسم دار

لغوز

غلام حسینخان نکرام که در قلعه تبن مقید اند نفاده کشی
جان بلب اند لهذا امر قوم است که کیفیت انها را
چند اسامی بسته در یافته بحضور معروض دارند
فی اسامی یک آنار راکی و یکفلوس نقد بومیه بهر
اسامی میداده باشند ۵

۴ امر بنام آصف خدا آباد در مکرا و سرسه کرده
را نزد ایشان مرسلت حساب و کتاب او در یافته
بشرط صفائی درستی معامله نامبرده را باز بکار سابق
بحال دارند ۵

۴ امر بنام آصف سلام آباد موضع تبک عامل برنگر
دش ایندت سرسه دار قصبه سلام آباد را نزد ایشان
مرسلت حساب موجی الیهما دریافته در صورت درستی
معامله باز بکار سابق بحال دارند ۵

بکار زمره دولت سرکار سرکرم باشند بذل و بست انجا هر
قسمیکه مناسب الوقت دانند دشنا سند بعمل
آورند ۵

۵ امر شد نام فادر پادشاه برای مذر انحضرت بمبلغ
دو صد روپیه بصحابت غازی خان سرسلت خواهد
رسید و بنابر خرچ خدمه انحضرت بکموضع دو هزار روپیه
در تعلقه دوراهی درک مرحمت نموده شده انحضرت
بزمه هر کسیکه خواهند موضع مذکور بدهند ۵

مناشیر خلعتی نامبر محمد خان صاحبی سال برجمد سنه ۱۱۲۱

دوم مرتبه نام قلعدار تین ظاهر حضور شد که تعلقان

[illegible]

هر قدر که فروختنیست همانجا فروخته باقی را بتدریج بار بردار
فرستاده بحضور طلبیده خواهد شد ۱۲
نامه بنام خطاب بحکم بنام سربلندخان و محمد جمال خان
لوهانی و بابو سنبهار سنگ و دیوان محمد یارخان معه فرمان
باخواهش و تصمیم اراده بهره مالی حضور معه جمعیت هزار
هزار بشرط وزیدن فرمان سرکار حیدری که معروض
داشته بودند ظاهر حضور شد یقین کلی مقصورات
که پاس حمیت اسلام مقتضی همین امورست که خود را
بخاطر جمعی و اطمینان کلی معه جمعیت صد زنهار حضور
خواهند ساخت که از بعضی همه وجوه غرور برداشت
بجال آنصاحب که موجب صلاح و فلاح و بهبودی بکلوه
ظهور درآید فرمان مهر خاص ملفوف مرسلست ۱۲

مفرد بهادر قطوه نمبر

فرمان مبارکه بنام سربلندخان و محمد جمال خان و بابو سنبهار
دیوان محمد یارخان بهادر تصمیم اراده ایشان معه جمعیت

محمد یار خان

ماسوار

نامه بنام نواب اقتضا والدوله اشمت خنک

چندین مراتب خیر خواهی و دولتخواهی که معروض داشته

بودند مظاهر حضور شده مزید اخلاص و مودت منصور

گشت ترصد که خاطر را نیز خواهان خیریت خود با

انگاشته بتسطیر خیریت نامجات مسرور و مبتهج دارند

بلاد سخط

نامه بنام مباجی بهوسله برادر رگهوجی بهوسله

باستماع حسن عقیدت و مودت آن امارت

مرتبت باین سرکار حیدری خیلی خورسندی خاطر

افزوده موجب مزید مواد مودت گردید ترصد

بهوسته خاطر را مستوجه احوال خود تصور فرموده به

نگارش دو کلمه خیریت بهجت افزا باید بود زیاده چه

بقلم آید ۵ بلاد سخط

چهار هزار سوار و دو هزار پیاده برای نوکری سرکار جیدری
بزبانی میر میران خان ظاهر حضور شده باید که بخاطر جمعی
و اطمینان کلی خود را معه جمعیت ندبور بحضور برسانند
در باره ذات بقدر شخصیت و لیاقت معه جاگیر
مقرر فرموده خواهد شد جوان شایسته دانا محفوظ
و دور است از جهل رو به تابیده در هر جاه رو به
بضابطه سرکار مقرر فرموده خواهد شد اگر کسی
منجمله در باره خود جاگیر خواهد داده آمد وقت
ملازمت از غایت فیل سرفراز و دیگر عمدگان
همراهی ایشان را هم بعنایت بالکی ممتاز فرموده
شود تا سه سال قرار نوکری است بعد انقضای
مدت مذکور اگر کسی رخصت طلبید در صورت غیر مهم
رخصت داده شود مرقوم ۱۰ ماهی سال سنه [illegible] محمد

مقرر شد لوقطعه

سربلند خان	محمد بیگ خان	ماکو نیاز سنگ
للهی سوار	صاحبوار	صاحبوار

غله وغیره بحوش قیمت که در اینولا راه رفتن انگریزان
بسمت پایان کهات از همین دو یکی راه قرار یافته
است مرسول شود حسب الخواهش انها تاکیدات در باب
رواج دادن غله وغیره مرقوم وملفوفت برسانند
وخبر اسیران که در مدکیری بودند در باب گذاشته
فرستادن نزد شمایان تاکید بنام محمد اشرف مرقوم
است نزد شمایان اسیران را خواهند فرستاد مرقوم
بود که دلاور خنک بهادر خطی بنام خود با مضمون
نوشته اند که زر بابت اقساط هر سه سرکار موافق
این نوشته باید رسانید یعنی زر بابت انگریز در
انبور کرور زر بابت آصفجاه در کرنه و زر بابت سرکار
در دهارواد باید رسانید ظاهر شد البته هر سه سرکار
از مار بخیکه رسیدات حال مرقوم است ازان زر حساب
دیده زر فرستاده خواهد شد خبری بها در گفتند که کسی
بخشی از طرف این سرکار بهمکشنگری رفته صد زمیندار

۴۴ امر بنام محمد سعید خان ساکن کرنول عرضی مرسله تخلص
اراده بهره یابی حضور پر نور و بالفعل محروم ماندن ازین
از ین سعادت و استدعای عنایت نامه و ربان طلب
سید اعظم خان برادران رفعت نشان بنظر انور
بگذشت حقیقت مندرجه موضوع پیوست باید
ابشان بهر نوع خود را بحضور رسانیده مورد عنایات
بیغایات شوند سید اعظم خان برادر خود را نیز روانه
حضور سازند تا در سلک ملازمان منسلک و سرفراز شوند
زیاده حاد سخط

۴۴ امر بنام دوعرضی مرقومه بست و دوم ماه
احدی بتاریخ بست و چهارم ماه مذکور رسیده مطلع
گردانید مندرجه ساخت موافق گفته لاطائل در
در باب فرستادن عمال به ملک مذکور که بمجرد عبد الله
تاکید نموده بجا شد و نیز تاکیدات حضور که بنام عمال
مابین راه ساکنده و سنگاریهه در باب فروختن اجناس

152

بغیر از تکمیل این امر دیگر بوقوع نیاید ط

Sehr
1220 Mm

[illegible] سنه ۱۲۲۱ مجد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وش منهوک وغیره را گرفته رفته است فیما بین این قرار
نه بود که اسامیان را گرفته ملک خالی ساخته بدهند در ایمقدمه
که این جواب داده آمد همان در اصل است تکرار
آنکه در ملک سرکار حیدری کمک زمیندار نمی گذاشته
اند مگر سرسته داروش هوک نوکر اند انها را برای
حساب آورده باشند بعد فصل حساب هر کسیکه
زیاده نباشد برطرف کرده خواهد شد هرگاه که
ملک در تصرف نباشد باشندگان انجا را داشتن
چه حاصلست سامان و سرانجام سرکار در کشکری بسیار
و بشمار است بفکه موافق قرار گکسی ممانعت
نخواهد کرد در فرد ۱۲ اسم نویسی شانهوک و زمیداران
تا حال نرسیده بروایجات نام صدور کشکری مرقوم
و طفوفست برسانند که تا دیگر قلعی ت متعلقه کشکری
را واگذارند معروض بود که تا دم زندگی از نکهلای در
فدویت قصور نخواهد شد بعض کلمیت که از شل شما

از

۱۵۱

از طرف نواب محمد شهریار شرف عرضی مرسله تضمن
تصمیم آراده ایشان معه برادران و اقارب به
بهره یابی حضور پرنور ظاهر گشت باید که بخاطر جمعی و
اطمینان کلی بحضور بیایند بقدر شخصیت و لیاقت
ایشان را معه تمامی برادران بدرجه معقول سرفراز
فرموده خواهد شد ۵ بلا دستخط

از طرف شیخ لطف کرد فرستاده حاجی غداران
عرضی مرسله متضمن براینکه عزم مصمم دارند که خود را
با جمعیت با لشکر سوار بحضور والا رسانیده بحضور پرنور
بیایند و در زمره ملازمین سرکار منسلک شوند فرد
واجب العرض ملفوفه بدستخط خاص مزین شده
مرحمت شود بنظر انور رسید شد مفصل حقیقت معروضه
بشرف وضوح پیوست باید که آن شجاعت نشان
بخاطر جمعی و اطمینان کلی معه جمعیت مرقومه صدر فایز حضور
پرنور گردیده مورد عنایات و سرفرازیها شوند فرد

وبموجب قرار خود فراهمی جمعیت معقول نموده در عرصه قر
شرف بحضور گردیده مورد عنایات و سرفرازیها شوند
بلاد سخط فقط مهر لاک

از جانب محمد مراد خلیفه خان و امر الله خان در رحمت خان
عرضی مرسله متضمن بر اینکه عزم مصمم دارند که خود را
با جمعیت پنجهزار سوار در ذمره اولیای سرکار جنت مدار
منسلک ساخته معه اهل و عیال بظل ظلیل عالی رسانند
وفرد واجب العرض ملفوفه به سخط خاص مزین شده
مرحمت شود بنظر انور رسید مضمون حقیقت مشحون
بشرف وضوح پیوست باید که ایشان بخاطر جمعی
واطمینان کلی معه جمعیت مزبوره صدر فایز حضور پرنور
شوند بهمه وجه سرفراز و مورد عنایات خواهند شد
فرمان همایون بنام ایشان مزین بمهر دو سخط خاص مرسل
است بی اندیشه عازم این سمت شوند
بلاد سخط قطعه

درماهه بضابطه سرکار هرقدر که آن میان که لایق امتیازی
باشند درماهه انهائی را سس بقدر لیاقت از سهل
روپیه تا دوصد روپیه بحبس وصولی مقرر فرموده خواهد
شد از روزیکه در سرحد سرکار داخل شوند تاریخ نوکری
سواران داده آید مساعده فی راس سراسری مبلغ
یکصد و پنجاه روپیه بلا سود از سرکار مرحمت شود وجه
مساعده مردم امتیازی را بموجب اف طا در طلب
دیگر مردم سراسری را در قرارداقع وضع کرده خواهد
شد اگر اسپ کسی در جنگ بکار آید وجه قیمتش انچنانکه
در وقت نوکر شدن اسپ مقرر شود داده خواهد
شد در جمعیت یکهزار سوار یک زنجیر فیل و یک شتر
لایق با لکی باشند انها را با لکی از حضور مرحمت خواهد
شد جاگیر و درماهه ذات موافق شخصیت و بروز
ملازمت حضور شخص معتمد سرکار استقبال مقرر
فرموده خواهد شد بعد ۳ سال هرکسیکه خواهد بجانه

فرمان نامه مزین بمهر و دستخط خاص مرسلست بی فکر و بلا اندیشه
عازم این نواحی شوند ۵

باد سخط

از مضامین فرمان علیجان کلیانی عرضی مرسله متضمن
تصمیم ارادهٔ اهره بای حضور پرنور معه فرد واجب العرض
بنظر انور رسانیده حقیقت مندرجه بوضوح پیوست باید
که ایشان بخاطر جمعی و اطمینان کلی معه جمعیت معقول
مشرف بحضور پرنور گردیده مورد عنایات شوند فرمانیه
بنام ایشان در محمد ابوالفتح خان مزین بمهر و دستخط
خاص مرسلست خواهد رسید ۵

فرمان مرحمت عنوان محمد مراد علیجان و امرالله خان و رحمت خان
باید که ایشان بخاطر جمعی معه جمعیت بخیر از سوار احدی عشر
خود بحضور پرنور بیایند بموجب مرقومه ذیل عمل
آورده خواهد شد سراسری سواران راه راه رویه

صدر کرانیکه حسب الحکم ساعده فی راس دو صد روپیه
قرار یافته بشرطیکه اسپ چار صد روپیه خریده
آورند در جمعیت پانصد سوار یک زنجیر فیل

قطعه

بنام میرزا جعفر و محمد عبد الکریم و میرزا جانی و
محمد خان و احمد خان ساکنان محله بندر رازروی
اظهار عبد الرزاق و میرزا قاسم ظاهر حضور شد
ایشان بارداده بهره بابی حضور عزم مصمم دارند
چونکه پیوسته غور و پرداخت و پرورش نجبای
مسلمین همیشه منظور نظر انور است باید که ایشان
بخاطر جمعی و اطمینان کلی مع اهل و عیال فایز حضور
گشته بسلک ملازمان سرکار حیدری منسلک و
سرفراز شوند

همه قطعه بلاد سنخط

مهر لاک

رود در رفت غیر مهم رضای خانه او داده خواهد شد
مابین تعداد مذکور اگر کسی برای شادی یا غمی یا دیگر
امورات ضروری دو کس را اگر رضا طلب داده
خواهد شد آن را معه تمامی جمعیت یا بعضی هر
قسمیکه مناسب اوقت و مقتضی رای بیضا
افتد لوکری فرموده آید

~~غایب نامه در جواب عرضی~~ فرمان نامه بنام کروری سنگه
محمد مراد علیخان معه فرمان نامه و شیخ لطیف
بنام مشرزاده و امر الله خان
و رحمت خان
سه قطعه غایبنامه و یکقطعه فرمان نامه قطعه

~~فرمان نامه~~ فرمان نامه بنام قاسم خان
کلیانی و محمد ابو الفتح خان

قطعه

فرمان نامه بنام سنگه مرقوم شیم بهاری بهمین مضمون

حضور نموده بودند مشرف بملازمت ساخته یکی از انها
را بحضور داشته مرزا قاسم را برای آوردن دیگر
برادران روانه نمودند مهملی فرموده ایم چونکه نامبرده
همراه خود زر بسیار دارد باید که مایدرقه دوبیاد
از سر خود بحفاظت بگذرانند بوقت آمدن نیز همدرقه
بدرقه داده روانه حضور سازند

۴۸ مرتبه نام میرخشک یک عدد داغی شکل
موکی برای داغ نمودن اسپان ایشان مرسل
است همه اسپان علاقه خود را ازین مداغ رسانند
نادر وقت بموجودات حضور ازین منظور نموده
آید

۴۸ مرتبه نام میر قمرالدین یک عدد داغی شکل
چهار رکی بنا کر داغ نمودن اسپان علاقه ایشان
از حضور پرنور مقرر فرموده نزد ایشان مرسلت باید
این را در زیر مهر خود باحتیاط داشته بر اسپهای نو

فرمان مرتبام محمد عبد الکریم ساکن محله بندر سرخه در مردم
اشراف و نجبای ساکنان محله بندر و غیره که آرزو
بهره یابی حضور پرنور داشته باشند همه را رامعه اهل
و عیال همراه خود آورند تا در سلک ملازمان سرکار
منسلک و بقدر لیاقت و شخصیت هر یک سرفراز
فرموده خواهد شد که نیکه مال و اسباب تجارت از
بندر مذکور همراه بیاورند انها را نیز قول و دلاسا
داده معه اسباب تجارت بحضور آورند ابواب
محصول معاف هر جنسی که در سرکار جیدری مطلوب
و پسند افتد بشرط رضامندی مالک خریده باقی را
اذن داده خواهد شد که در هر جا که خواهند بفروخت
آورند

یکقطعه

بام مرتبام غلام محی الدین فوجدار دکهی که تا مرقوم
بود که عبد الرزاق و مرزا قاسم عموهای خود را که روانه

نوشته بود نزد ایشان مرسلت بسبب اینکه در امان
مرقوم است که عبدالرزاق فاروقی عموی خود را
باجنبلانگاه دارند که این خط عندالحاجت بکار آید
۴۴ مرسلت غلام علیخان و علیرضا افراد هندی
دکنری فارسی ذخایر قلعه حیدرآباد و کشکری
نزد ایشان ملفوف مرسلت از انجمله رسیدات
ذخایر قلعه حیدرآباد مردم سرکار انگریز بها در علاوه
داران سرکار حیدری داده اند و ذخایر قلعه کشکری
که بسیار و بشمار است همانجاست در مینولا کاوان
قبل ازاین بنا برآوردن ذخایر کشکری از حضور
مرسلت قدری ازان برحمل کاوان خواهد آمد
اگر اقرار میسازند که معاوضه ذخایر در جای دیگر
میدهند بمضایقه والا بار بردار از حضور فرستاده
طلبیده خواهد شد معاوضه اشیای مضبوطه در کدام
جا بچه عنوان میدهند سوال و جواب نموده مفصل معروض

ملازم قدیم ازین داغ رسانند تا در وقت موجود
حضور از ایشان داغ منظور والا مظور فرموده شود

۲۸ مرقوم شد مطلب اینکه یک عدد راجع مکمل
ستاره برای داغ کردن اسپان علاقه ایشان
از حضور مرسلت باید که همه اسپان علاقه خود را
ازین داغ رسانند

۲۸ مرقوم شد غلام علیخان و علیرضا از روی عرضداشت
مرسله بهکوالیف ظاهر و هویدا شد مرقوم بود که از
میان هشت هزار اس گرگ سه هزار من متی رافی من سه
نیم روپیه نرخ بازارست و هونهای گرگ برابر هونهای
حیدری است لهذا حکم فرموده میشود که سه هزار من
متی روانه حضور سازند بطلبیدن که هونهای گرگ
سیدهند از نرخ بازار بگفلم افزوده نموده میدارد و باشند

۲۸ مرقوم شد قلمدان این خط غلام محی الدین دهنی
دارد که بنام محمد سلیمان دویم بخشی اسدالله گهری
دارد

فرزند میرزا یک تلخ و حسن خان غوری و دیگر ماه تقی
هر قدر سواران را که همراه آورند همه را مشروط در سلکی
اسپ و شایستگی جوان فی سوار از چهل روپیه تا کمیت
و نگاه روپیه بضابطه سرکار مقرر فرموده خواهد شد
باید که با طمینان و خاطر جمعی بهره یاب حضور شوند
ساعده فی سوار یکصد و نگاه روپیه و در ماهه ذات
بقدر لیاقت و هم بعنایت جاگیر سرفراز فرموده
شود

بنام شاه مصطفی صاحب قادری امتداد
ایام مقتضی است که باطلاع خبریت سرور افزای
خاطر مشتاق نشوند لازم که همیشه ما را مشتاق ملاقات
تصور فرموده در اوقات مخصوصه خود بدعای خیر
مشغول و موظف باشند ما حق سبحانه بحرمت انفاس
بزرگان از زیاد عمر و دولت خداداد و تقویت
دین مبین رسول رب العالمین بسی بازوی مجاهدان

دارند بسبب انکامه ذخایر افزود و ضابطه لوازمه قلعه
داشته بود در اینولا ذخایر موافق ضابطه در انجا
گذاشته باقی طلبیده خواهد شد تاکید خرل صاحب
بنام نهانه دار کشکری با بمضمون باید شد که بانکرار
اسباب ضروری قلعه همانجا گذاشته ذخایر افزود
که بقی آن نیز علیحده مرقوم ملفوف سلست مردمان
سرکار جیدری خواهند آورد و تا به سرحد خود بگذرانند
و مزاحم نشوند زسرب و باروت مقرری قلعه را علیحده
نوشته مرسلست بر انموجب گذاشته باقی را مزاحم
نباید شد سوال و جواب نموده معروض دارند ۵

4 June

بنا شیر علیخان نایب قلعه غزه ماه قعده سال مخبر
لغایه اخر ماه مذکور سه ایه

مسوده مرسله خط از طرف خود هم نوشته نفرستند
اینده هم اگر خواهند نوشت این القاب را در کجهای
خود نوشته داده نوشته مطابق آن می نوشته
باشند ۵

~~بنام رفعت خان کرنول والا مرتبت کرامت~~
از اطلاع خبر خیریت خود مسرور فرمند کل
المومنون اخوة واقفیت از اتفاق اهل اسلام
بسا فواید که حاصلست بر آنصاحب نیکو روشن
باشد در اینولا بر جماعان اهل اسلام مقدمه که روی
داده بر آنصاحب نیکو روشن تا اینوقت مصالحت
نوشته شده بود که باقی بشکش دو تهد سالیانه
بابت سرکار آنصاحب ذمه سرکار اصف جاه بهادر
باید گرفت چنانچه مشیر املاک بها در نگرار نموده این
رقم را برآورده فرموده اند بعد دریافت مقدمه صدر
تجویز و قرار داده اند که بسرکار آصف جاه مرورت

وین محصل سازد

۲۷ مرسوده کاز طرف آصف نبض حصار بکرنول
داده باید نوشت این القاب منوشته باشند
نوابصاحب والامناقب نوازش فرمای سلامت
درابنولا خریطه حضور مرسول والا مذمت ست امید
جواب خریطه مرسله ارسال بود وزر باقی بعهد سابق
اینقدر وزر رسان حال اینقدر حمله اینقدر درابنوقت
ارسال داشتن درحقیقت ادای اسلام است
درابتداب نوشتن کو باحکمت بلقمان آموختن
است بفضل الهی ان صاحب دانا و بجمیع مراتب آگاه
اند پس نوشتن ما بدین درگاه الهی زاید است

۲۸ مرسلم آصف نبض حصار خریطه بموجب فرمان
کرنول داله معه سوده نزد ایشان مرسلست باید
یک مرد آدمی را خریطه داده بکرنول بفرستند و بموجب

نموده

بسرکار خداداد و دوازده مزنتوری سابق پیشکش کرول
بانیز گرفت لیکن این است که ایمنی الصاحب هم بنگو
روشن باشد و در این وقت از جمیع امور اعانت
اسلام فرمود ماعظم خان بهادر را بحکم سلوک مطابق
پسند داشت دیرین که بوقوع آمده آنهم ظاهر است
۲۳ تفی بنام موسی دفرین ورا بنواب سعادت
حسینخان داماد و وارث صدارت صاحب دو
حویلی دو باغ و چهارده کالی زمین در بهونگری
نصف و هفت هزار و سه صد روپیه بکسی فرانسیس
بابت حسین دولحاه بافیت بانصاحب نوشته
آمد درین روزها حویلیها و باغ و زمین از سعادت خان
بحمدی و سنجد کور منجمله زر قرض بسرکار حیدری
داخل شد لازم که حویلی و باغ و زمین و غیره املاک
سعه زر بذمه رام راو دکیل ساخته اطلاع دهند
خط سعادت خان هم مرسلست ۵

نواب آصفجاه بهادر آمده آنچه نموده رسید بکریز در ارباب
تاکید اکید دانسته عذر و حیله ایشان را مداخلت
برآورد نی از قلعه هر چیکه بوده باشد بموجب نوشته
سابق برآورده

بهرنام قلعه دار بین حامی محمد رامرزا دفتر مقرر
نموده بکهری ایشان مرسلست کماشتهای
فارسی نویس از اهل اسلام بضابطه کچهری مقرر
نموده داده حساب و کتاب کچهری بدفتر تابرد
بدهند

بهرنام اصف قرن یک این و یک منصبدار
بازار و یک صراف به لشکر میر معین الدین بدستور
نزد میر قمر الدین و یک عامل بتعلقه سرانجام نویسند

بهرنام خادم درگاه شیوشاه قدس الله سره العزیز
سب المعروضه ایشان بحضور باید بعد
ملازمت روانه نموده خواهد شد

۴۴ مرقوم شد قلعه دار سراب اردوت و تیر و درخش هر قدر
که میر فخر الدین درخواست دارد بفرستند ۵

۴۴ مرقوم شد در بحری یا ترش و اصف ترش چهار ده
هزار تیر و درخش در قلعه سراست کاوان بار بردار
فرستاده طلبیدارند

۴۴ مرقوم شد سید محی الدین عمل دار سراب فشن را
تغیر نموده شده است باید که بمجرد ورود منشور بحضور
بیاید ۵

[illegible]
[illegible] میر فضل ناصر قلعه مژده ماه جمعی نخایه اخر شهر
سنه ۴۱ محمد

۴۴ مرقوم شد قلعه دار ترشین بموجب مرقومه سابق
قلعه ترشین را بمخلص میر معالی خان که از طرف
دار

بکار سرکار سرکرم فدویت دارند و از ابتدای غره ماه جمادی
سال سحر ۱۲۴۱ نه محمد نوذر راحتی معه راس در ماه قرار
داده شده است و منجمله طلب صداماً بطور پیشکی
از حضور نیامبرده رسیده است و هشتاد و دو راحتی
جمله بحساب فی چهار رومیه بهفده فلم یکصد و سیت و هشت
راحتی و م بحساب راحتی هشتاد و دو انعام مقرره نوذ
راحتی ۴ م جمله دو صد و نهفده راحتی ۷ م را منجمله از طلب
بحساب فی بنی مت راحتی قطاوضع مقرر نموده
باقی طلب میداده باشند

۹۴ م مرتبه نام قطب الدین خان در باب فرستادن
محمد قاسم و اغذا رجوع دار را معه برادرش ۵

[illegible]

نساخ فقیر تاسیر غره ماه عبد ربی الثانیه آخر ماه
مذکور سال سحر ۱۲۴۱ نه محمد

۵ امر بنام اشرف ترین یک تصدی اختیاری هوشیار
و باهوش تبلغه کهری بتین بر نهده ۵

۵ امر بنام محمد رضا توجه از فکر عرضی مرسله ان ن
معه خط شایخ بنظر انور رسید شت خط مذکور و انیس
مرسلت باید حر از طرف خود بشایخ در جواب
بنویسند که اگر سادنور والا بحضور عرضی نماید بحضور
فرستاده در جواب آن طلبیده فرستاده خواهد
شد بموجب حکم خدا و رسول همه اهل اسلام با تفاق
یکدیگر بودن عین درستی و تقویت دین متین
است با قیمرات از روی احادیث و دلایل
واضح است احتیاج باظهار ندارد ۵

۵ امر بنام محمد رضا توجه از فکر مرسلا با قرار اول بخشی
چهارم بخش مفوض نموده نزد ایشان مرسلت
باید که نامبرده تعیین نموده کهری همه مردم کهری
که از سابق تعیین ان نشده بدستور نامبرده نموده

۱۴۰

۱۱ امر بنام امیر معین الدین درانجو لامرد را امام ملک
را از راه فضل و کرم خدمت آصفی و صدری گیری
طغرا مادر فرار خانه دوازده نفسمت فرموده ایم
هر قدر شرارت پیشه که دران نواح از سالوی حال
هکامه آرا بوده باشند انهه را بسزای نکمی ای به
قتل خواهد رسانید باید که هر وقت که امام ملک
از ایشان کمک یا اعانت طلبد از فوج همراهی
ایشان بقدر ضرورت بنه نکمی امان فرستاده بشر
دارد و کوکل دارمیدر با کل دارا زین هر جا کرده
ضاله هر کسبی و شغلی که در املاک سکونت داشته
باشند انها را بیک قلم بقتل رسانند تا هیچ فساد
انها بالکلیه منقطع شود و طغا

۱۲ امر قولنامه بنام شیخ محمد و شیخ حیدری شیخ
سراج الدین حیدری ادریاب آمدان با املاک معه عیال و
اطفال و جمعیت کثیره بهقوم خود و بعد آمدن مسلم

صلح مرتبام آصف فضل صاحب عرضی مرسله نقل
خط مرسله مرادآدمی مرسله ایشان بنظر انور رسیده شد
مضمون حقیقت مظاهر شد باید که مرادآدمی مذکور را
از کرنول طلبیده نزد خود نگهدارند ۵

صلح مرتبام حسن ملوک سپهدار در باب نگهداشتن
مردم هرکی که از اقسام مسلمان و مرهته راجپوت باشد
و فرستادن تاکید در باب دادن زر بمعتمده نظام
معتمد فرودیم و حسین خان یوزی ۵

۱۲ مرتبام میر معین الدین

30 [illegible] 1792

مناسب نفیس ماه میرمقدم ماه خردادی سال سنه [illegible] مجدد
لغایه آخر ماه مذکور سنه ایه

بر ماهیه سرفراز فرموده مبلغ دو صد روپیه مساعده
از سرکار داده زرش در طلب ماقساط وضع نموده
خواهد شد اگر اسپ کسی در جنگ بکار آمده و جه
قیمت آنچه بر عهده اش تقرر یابد از سرکار
دریافته خواهد شد منجمله جوانان عسکر اگر کسی جوان
امتیازی آمد مساعده دریافته در مصرفات عسکر
ماندون داشته بقدر لیاقت سرفراز در ماهیه
نموده شود بزرگ بندی و بزرگ بردم مصرفات
معاف زراعت پیشه هم معه اهل و عیال بیابند
زمین قابل زراعت هر قدر که مطلوب دارند
از سرکار دریافته نصف محصول زمین بسرکار گرفته
خواهد شد و تجارت پیشه محصول اسپ و فیل و شتر
داشته و اسلحه که بملک سرکار آیند همه معاف
مردم خویش باش و مشایخین آیند انها را ممانعت
هیچ جیز از سرکار نرسد و جای سکونت دریافته

بنجهزار روپیه نقد سال بسال بنا بر عرض بزرگان از
سرکار دولت بدو جاگیر مبلغ ده هزار روپیه هم بشرطیکه
شیخ موصوف باشندگان ماسندن کرچی وغیره
را مع اهل و عیال از انجا آورده بدار السلطنته بین
برساند از انجمله مردم سپاه شیخ را هر قدر مواجب
که نزد یک سرداران انملک نوکر باشند بهمان
مواجب بسرکار خداداد هم نوکر دانسته خواهند شد
نوکر شیخ را در عوض در ماهه چهارم حصه جاگیر مانی
در ماهه نقد رسانیده امر کن نیکه در جنگ شهید شود
پسر صغیر او را که از زوجه اشراف و معتوم او باشد تا
بحد یکه به بلوغ رسد نصف در ماهه شهید داده شود
بعد ازان بر نوکری پدر او مامور فرموده شود اگر
شهید را پسر نبوده فقط زوجه ماخذ از اهلام
حصه از در ماهه شهید داده خواهد شد اگر کسی
خود اسپه بیاید او را بدر ماهه وصولی موافق لیاقت

خواهد شد تا بفراغت بوده بدعای دولت مشغول
باشند ۵

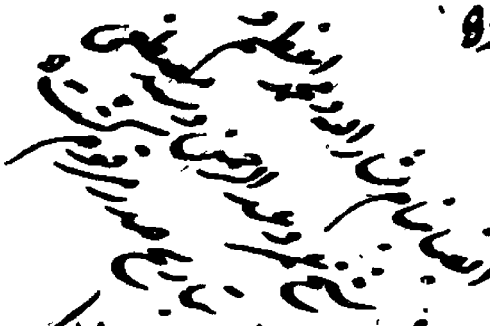

۱۴ مرقوم مهابت خان محی الدین تکلو ام در صلعه
دهلی کونه سکونت دارد تلاش نموده اگر بکنزی
رفته باشد باید که بخط از طرف خود بنام ریث فرنگی
بموجب مسطور مرسله حضور نوشته بفرستند تا او تکلو ام
را بدست شمارد ۵

۱۵ مرقوم تعلقه ارقصبه دار السلطنه تین جبند
درباب زود زود بیوبه انعام بنام میر عسکر قاضی
و میر عسکر قاضی که از غره دینی یوم بیوم بلا قصور
رسانیده باشد
مقرره دو قطعه یک بنام عسکر صاحب دومی
بنام میر حسین صاحب

دلورای بیس دیکری کو چنکی بحمعبدی مبلغ سیصد و
سیزده راضی بچغلم بتفصیل ذیل بحمعبدی ششصد و
سیزده راضی بچغلم از انجمله مبلغ سیصد بیست بطلیم
بادشاه و سیصد بیست بسیر بادشاه بطریق انعام
مقرر و مرحمت فرمودیم هرود قریه مذکور از ابتدای
غره ماه احدی سنه ۱۱۲۱ محمد مطائی دهروی کرب سیمحمد
بتصرف مشار الیهما واگذارند باقی سیزده بیس بچغلم سال
بسال واپس بسرکار میگرفته باشند نقل گرفته واپس
دهند

۱۴ امر بنام شرخان آصف سلام آباد کت مهادت
دستیب کار دور نعلقه کوملتور و آنی ملا باشند همه را
بیک راضی بخرج داده بحضور نفرستند

۱۵ امر بنام مرتب جیردکار انشان راد و تنخواه
قدیم و خدمتی این سرکار خداداد میدانیم باید که در
بندوبست مکان خود معقول بوده همه کیفیت

حتوله سپهداری مقرر فرموده نزد ایشان مرسلت
باید که بکار سرکار مامور و بهرنی جیش و عسکر بموجب
تفصیل ذیل مساعده و مانده کنا نیده باشند
جوانان عسکر همه مسلمان و در جیش مسلمان
راجپوت مرهته باشد ۵

~~بنام تعلقداران کوتهی ملک التجار بانصدام~~
بابت کوتهلی ایشان که بر ذمه لهرام است بعد دو
ماه بگیرند ۵

~~بنام عمارت کچهری دالهٔ مجمعر خانی میر تمر الله~~ من
کرایشان گرفته آند بموجب اسم نویسی مرسله به
تحویل علاقه داران میرند کورس زند ۵

~~بنام حسن ملک بیت دار عبد القادر را~~
بحضور بفرستند ۵

~~بنام عملدار دلورای درک بموجب نون نیده~~
بورای شصدی کچهری ترن موازی دو موضع یکی

دلورای

فاضلخان سه نفر قادرخان خویشکی سه نفر محمد علی دوم
شورمه نفر غلام محی الدین سه نفر عبد الرحمن توپچی نفر
محمد اعظم سه نفر ۵

۲۲ مرقوم شام توپهارشاه مرقوم سلسله نفر خطاب بکده
بصحبت اعظم خان بنظر انور رسید چونکه فرمایش
اهل اسلام اتفاق و یکدلی بحکم خدا و رسول ضرور لازم و
مقرر فرمودند و شخص یکی سر باغبان و دیگری سید محمد را
بهمراه اعظم خان روانه کرده فرمودیم تا مراتبات
اتحاد و استحکام و منضبط باشد ۵

صبح مرقوم شام جمال محمد خان جمعدار بموجب نوشته
محمد بیگ بخشی تقسیم اراده اش نبا بر رو کار
حضور از اظهار محمد بیگ و سردار خانی ظاهر حضور شد
حسب المعروض اش نیز قسم می در آید که سراسری
سی و پنج دسته در ماهه فی صد ده سوار امتیازی
فی امتیازی بهشاد روپیه جماعدار صد سوار را در ماهه

رو به او انجا معروض داشته باشند مسموع میشود که
رام نامبرفوت شده ازاین کیفیت هم اطلاع دهند
۲۴ هر یک از حکام علاقه دار ان خزانه دار السلطنه من یامر الله من
رامرزای دفتر خزانه دارالسلطنه تعین مقرر فرموده
ایم باید که از حرما کل هم حساب دخل و خرد داخله داده
بر اخلا نامبرده حساب نویسنده باشند و حکم
احکام که از حضور صادر شود هم نامبرده اطلاع داده
باشند بدون داخله نامبرده هیچ امری بعمل نیاورده
و در تعظیم و تکریم نامبرده دقیقه فروگذاشت ننمایند
۲۴ م و قاعده ازابه جوبلی بابت غنیمت فرنگی
بقسمت بحر احتیه بذمه اصف ترن و هند تا بامیان
محله داده شود
۲۴ هر یک از حکام سپهداران ترن و مه الدیاب بموجب نوشته
صدور ترن بگماشتهای بموجب ذیل منجمله متعینان
ایشان بذمه کچهری بندور ترن و هندوه محمد حلیم سه
فاضلان

معه چند اسپهای کاروان بانجا خواهند رسید بحضور
معروض داشته بخرج رسانند

[illegible] بنام محمد رضا قوجه از کرمانشاهان
سید سلیمان و سید هیبر در امعه حاضری وصول
بحضور نفرستند که چند سواران از جا فراری شده
باوجودیکه مساعده گرفته اند باز نزد شما آمده نوکر
انها بر گرفته آوردن انها واقف کاروان بانجا
رسیده اند حواله انها بسازند

[illegible] 1762

[illegible] فیض تاثیر معه غره ماه ذاکری [illegible]
غایته اغر ماه مذکور رسیده

[illegible] بنام محمود رضا [illegible] موجب نوشته

با صد رد به سوای این مردم متفرقات بجیب و اشراف
جوان شایسته و اسب درست و بده بقدر لیاقت
انها در ماهه معقول مقرر فرموده خواهد شد مردم
پیاده انقوم مسلمان راجپوت مرهته هر قدر
همراه خود ها خواهند آورد و انهمه را جوان اول و دوم
و سوم دیده در ماهه ضابطه سرکار مقرر شود نه طلبه
تمامی مردم به متعلقان خود بی بندبس هر قدر
بمعه متعلقان خود باشند انهمه را برای سکونت انها
مکان و در عوض در ماهه انها نصف حاکر مقرر
فرموده خواهد شد هرگاه که ایشان متعلقه قبض حضار
که سرکار است بیابند بحرح رسانیده خواهد شد
~~صلح مرحمت نشان اصف قبض حضار هرگاه جمال محمد خان~~
معه جمعیت سواران بیابند بحضور معروض داشته
بحرح رسانند
~~صلح مرحمت نشان اصف قبض حضار هرگاه باب الله~~ شاه

موفر

بمجرد استماع یعنی آن شرافت نشان رفته نکحرام
را معه برادرش جمعی کورا بگیر آورده زرندرانه به
سزا اولی وصول مینمودند در این اثنا مرکور را افیون
خورده و اصل جهنم شد متعلقان آن نکحرام در
تعلقه نسطر آباد معه زندگی رفته اند ظاهر شد و اطلاع
ان رشدن کافر خوب وبجا شد ربنا ضاعف
علیه العذاب منشور تاکید بنام تعلقدار نسطر آباد
در باب دادن متعلقان نکحرام معه اسباب بدیه
ایشان مرسول است باید که زرندرانه وصول کرده
بحضور معروضدارند دیگر معروض بود انچکه بدرانه
بتعلقه کرور مقرر شده سوای آن چند اقلام کفایت
است اگر حکم شود بجاه هزار روپیه افزود دیگر ای
زرانه مقرری ساکن وزیادتی وحال مبلغ بجاه
هزار روپیه وصول کرده خواهند و سناد اولی دانسته
است باید که هرچه کفایت سکار دانند بعمل آورده

علیرضا دستخط نشده فقط مهر لاک بعد سنت الاسلام
و آرزوی ملاقات و همبزمی نامشهود خاطر عاطر باد
در اینولا خوبیهای ذاتی و صفاتی آن مجمع الکمالات
بزبانی علیرضا بعرض حضور پیوسته ما را مشتاق
ملاقات کردانند لهذا امتصدع میشود که بهر طور یکدفعه
خود را در اینجا رسانیده سرور افزای خاطر ما بدولت
شوند چشمداشت از توجهات بزرگانه همینکه این
سرکار خداداد را خانه خود تصور نموده خواه مخواه
فیض است که تشریف ارزانی خواهند فرمود و همیشه
در اوقات مخصوصه خود بنا بر حفظ دین اسلام و تقویت
غازیان ظفر توأمان مشغول باشند

~~مهر نام تعلقدار مهاراج درگ و دستخط~~ [illegible]
مرسلان ایشان بنظر انور گذشت کیفیت هویدا
شد مرقوم بود مرگور امتعلقان خود را در تعلقه
منظرآباد فراری گذاشته خود هم فراری شده بود

بلکه

30 December 1762

[illegible]

[illegible]

۳ مرقوم [illegible] فرستادن [illegible]
تاکید در باب کمک نمودن میر جنگ را بنام سید غفار
و منظوری بحسب استدعای میر مذکور

۴ مرقوم نامه باسم سید محمد خان جا بعد از علاوه سوار [illegible]
حسب العرضه ایشان برای بهرتی سواران نامزد
حکم فرموده میشود باید که سواران درست و شایسته
و اسپ درست و مضبوط هر قدر که بیاورند بموجب
شرح ذیل و سنجانیده شود و مردم مسلم را جیوت
را سراسری نی را سس سی و بجردیه کست روزه
ده روز را حساب قرار واقع بموجب قاعده مقرر

جوقدار و دو حوالدار و سیزده جوان بهرنی شده اند
اظهار جوقدار اینکه اگر شرح سوم جوانان مرحمت شود
بهرنی نموده خواهد شد مرقوم بود ظاهر شد باید که سی
نفر پیاده اعتمادی بدرماهه بخط از تاریخ ورود منشور
نوکر دارند و بعد سه ماه برطرف نمایند جوانان جنبی
را معه جوقدار و حوالدار بحضور نفرستند بعد در یافت
دنفر درماهه باز روانه انجا نموده خواهد شد
~~۲۴ هر جناب محمد رضا خان توجه از لشکر عرضی مرسله معه~~ خبری
بنی مردم همراهی ایشان رسیده اند نوشته بهمین
طور نگارش احوال خود باشند در عسکر سواری اهل
اسلام نباید داشت راجبوت امر متهه راجی
دار کمی دار باشند انهه را داخل دویم جنبش سازند
در اول و دویم هر قدر تلنگها باشند انها را داخل
ملاصیان باید نمود در انمیان قابل اول را اول
دویم را دویم سوم را سوم مقرر ساز نمایند مکرر انکه

بحضور معروضه دارند

از مرحمت تعلقدار کوریال در باب رسانیدن بقیه زر
تنخواه سابق بنام موسی دفرین کونسر هولجری که
از مرحمت اصف ترن هردو بنک راو کاشته
اندان ستی که بذمه شما از حضور داده شده باقی
هردو را بذمه پرسپتی مذکور نموده مبلغ یک لک و
بست و پنجهزار روپیه لامی که معاملا فیصله یافته
است از نامبرده گرفته بخزانه رسانند

The Son of Khadan Sahib

از مرحمت تعلقدار بتن پسر اندان ستی که در قید
ایشان است معه هردو بنک راو کاشته های
او معه اهل و عیال و اساسه بذمه اصف ترن
داده بعد بند و بست نمودن اصف مذکور از انها
یزک خود بردارند

فرموده خواهد شد امتیازی فی صد ده بدرماهه بیفتاد در
مردم مرتبه راسراسری سی روپیه رسد جاعداری
بجز دیه امتیازی فی صد ده بدرماهه شصت روپیه
سوار این مردم متفرقات خود انسپه هر قدر که بیاورند
بقدر لیاقت بدرماهه وصول بصابطه سرکار سرفراز
فرموده شود منجمله طلب اگر کسی بنابر داشتن متعلقان
خود جاگیر خواسته باشد مرحمت شود در وقت غیرهم
اگر کسی برطرفی یارضا خواهد داده خواهد شد

~~۲۲ رجب تعلقدار مهاراج درگ عرضی مرسله~~
بشرف وضوح پیوست انچه از ارسال داشتن
زر نذرانه در عرصه قریب در رسیدن جوانان احتشام
با وجودیکه سابق بنابر فرستادن صد جوان احتشام
باصف کچهری حکم شده و ضرور بودن جوانان احتشام
بنابر تحصیل دستور برای یک جوق جوانان حشم حکم
صادر بود شرح فی جوان تجویز یه از انجمله تا حال یک

۱۰ افزا

این مرقوم است همین طریق

۴۴ مراسله اقام داران بموجب مرقومه ذیل
مع قطعه

شاه بربع از زمان فرزندانها
شاه سراج الدین حق کولار
بر محمد بصیر در قصبه مذکوره حضور
برسا بر بومیه بکفلم
برسا بر تعلقه مذکور مسجد جامع
بکفلم بومیه در زمین هفت کرد
از انجمله سه نیم سه روسه نیم حصه

قطعه

قطعه

حاجی فتح محمد متعلق بر تعلقه
الله یار نیک بر سایر تعلقه
سایر کولار بومیه بکفلم
کوهدر
بومیه بکفلم

قطعه

قطعه

حسن شاه متعلق بر سایر تعلقه مذکور
کولار دوراحت
بومیه بکفلم
مهر حیدر دولش در ناحیه بر سایر

قطعه

قطعه

بالفعل انشان بر سر مهم اند باید که بعد فراغ از مهم
بموجب مزبوره اقصد بعمل آورند ۵

۴۴ مرقوم بنام شیر خان عرضی مرسله رسیده واقعه از
طلبیدن مقصدیان هر دو مکرر برای طلب زر مزرانه
و مقرر نمودن دو وسط کننده سوال و جواب نمودن
میر عز برافته عامل دلی باز مندارای انچه مرسوله آنجا
عرضی نامبرده مرقوم بود ظاهر و مستحسن شد باید که مابله
فریبی ان نمکحرامان خوشدل و مغرور نشده بحکمت
عملی انهه را بکیر آورند ۵

۴۵ مرقومه بنام معین الدین انجان و سلطان
انجا محی الدین انجان از معروضه سید اعظم ظاهر
شد که عزم مصمم بهمره بابی حضور و منسلک بانفس
بسلک ملازمان خجسته مستحسن است باید که بخاطر
جمعی بیایند هر قدر جمعیت که بیاورند شرح و ضابطه
که مرقوم است بعمل آید چنانچه در ورق بالای

از روده آنها

[illegible]

[illegible] نامبرده [illegible] غره ماه [illegible]

لغایه آخر ماه مذکور سنه [illegible]

[illegible] نام سید حسین جوانان خوب و اشراف

دیده در پیش قشون و ابراهیم سپهدار بهری کنانند

راس سه عکس هر رس لدارد و دیگر رس لدارد غیره که فقط

کردیده باید که آنها را اسب دیگری خوب و بهتر دیده

بنویسند ۵

[illegible] سید ابراهیم سپهدار در باب [illegible]

[illegible] از اسناد مجاهدین علاقه میرحسین قباتی

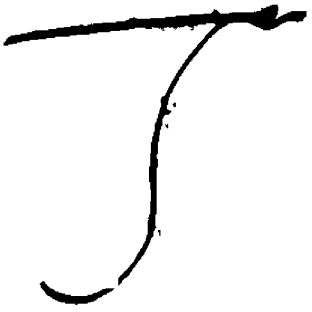

عطا و الله شاه صاحب قبلہ
ہر دو تعلقہ تر اخلف سید کولاز
یومیہ نیم یاد فلم عطا و الله شاه
یاد فلم و حیات نمایم فلم

تعلقہ

۴۴ مرقومہ نامہ مشتمل بنام محمد حسین خان بہادر تسلیم ارادہ
ان ان بہرہ یابی حضور ظاہر شد باید کہ نحاطر جمعی
بحضور بیابند بحاکر دیزہ سرفراز فرمودہ خواہد شد

۴۴ مرقومہ نامہ مشتمل بنام شاہ حسین فرنی در جواب عرضیہ مشتمل
ذیل مقررہ چ اسم یک مضمون می باید کہ ان ان
بیائید دین محمدی مشغول باشند ہمہ احمدیان را با تفاق
دانستہ در بائید دین ساعی و جاہد باید نمود

ہم قطعہ

سید عالم سید علی حسین سید صلح سید عبدالرحیم
سید عبدالله سید عمر را بحضور بیابند لوسہ شدہ موجب

میرزا صفی ولد سید علی — سید حسین ولد سید علی — میرزا تقی ولد سید علی

میرزا محمد تقی ولد میرزا اصغر — سید حسین ولد میرزا — میرزا صفی ولد میرزا حسین علی

میرزا احمد جان ولد — میرزا حسین علی خان — میرزا جعفر حسین ولد — میرزا احمد

---

۱۱ مرتب ام حسن والدین بموجب نوشته
عرض مودبانه بعلاقه داران عرض مودبانه اشیای
مرقومه ذیل برای خرج سالیانه بدهند و رسید بگیرند
و هم ممکن است موسومه مودبانه والده طلبیده و بدهند

ارزیر	نوشکر	اطلاعی
ماهیت ده کنجه	مصه دکنجه	حمه اطلاع ام حب ادکام
قرنفل	ناگروهنه	ملک
مصه دکنجه	ماهیت دکنجه	اطلاعی دکنجه
برگ نیل	شاه زیره	
سنه اکلل ام	مصه دکنجه	
حب ۴ دکنجه		

نمبر از دفتر

به بحر مهمه برای آوردن سرب و باروت رسید ظاهر
شد باید که بزودی سرب و باروت بفرستند کاپتان
که برحمل سرب و باروت قبل ازین روانه شده بود
در بنجا بکار خزانه آوردن برضامندی مالکان آنها
داشته شده است بعد یکهفته انهارا روانه نموده خواهد
شد ۵

بنام مرزا ابوالفتح چهارم جنس عرضی مرسله
متضمن کیفیت سوال و جواب محمد رضا فوجدار مازندران
کرده ظاهر شد بفصل آلهی غقریب سردار مذکور
بسزای کردار خود میرسد

۲ بنام اعظم خاص سپهدار عرضی مرسله
رسید مرقوم بود که حالا سه از دو ماه بمردم مشوش
خود نرسیده است صدور فرجا بحصار عدر نمودن
آصف درمیان می آورند و بموجب حکم حضور در لشکر
داول جیش یکذات تسلیمان داشته باقی مردم از

الیه منشور حضور نزدانیان برسانند بمانوقت بلاتوقف
سرخ مرکور درکور باک وزن نموده بندر بکی از نامبردها
بمانخا داده رسید معسر بگیرند پس موبه نوی مرسه
ماموسی بسید از انجا خرج خود نموده برجهاز حمل خواهند
نمود مگر اینکه انیان نزدوران را وکشتی های
ماخود بهم رسانیده بدهند بقیمت خود داده
داده حمل خواهند نمود در ایناب تاکید دانسته
حسب المسطور بعمل آرند ۵

۶ مرقوم نهم تعلقه از رام سمندر عرضی مرسله رسید
کیفیت سندرمه بشرف وضوح پیوست کیفیت کمی
دانه سرخ در تعلقه انیان که مرقوم بود وظاهر شد بهر طور
دانه از رعایا بخریدی بهرسانیده روانه سازند تفصیل
آنهی دانه سرخ امسال بوفور زیارت ۵

۶ مرقوم نهم شهر خان عرضی مرسله متضمن روانه نمودن
هشتصد کاوان بهمراهی یوسف خان اول منشور رضا داد.

۱۰ ام مهر

چند نهال سکر لیمون [illegible] برای کاشتن
در [illegible] بغرستند

۴۴ مرتبه نام موسی دیزی در باب فرستادن تنباکوی
بارفشون خود را با جاره داران بدستور در همان
تاریخ اسمعیل خان در باب فرستادن تنباکو بقیمت از
نرد موسی دیزی ۵

۴۵ مرتبه نام متعلقه از کورمال متضمن بر اینکه شیخ سلیمان
و غازی خان سوداگران که اسبان بحضور آورده
بود مرخص کار رفته تمام و کمال زر بها بسرده را داد
شد اگر ایشان دیزی بطریق مبادله با بها در کورمال
داده باشند زر خود بگیرند ۵

۴۶ مرتبه [illegible] راجپور بمحمد دیزی سلیم
بناه هون حیدری بنام موسی خان نبره ابابکر خان
کاردان با شنی مرحوم بنا بر بردرش متعلقان
نامزد حوم بر متعلقه بدری

قوم ساجبوت در مرتبه داخل رساله دوم نموده شده
هنودان را خارج کرده الهی رام نامی یک شخص در
رساله اول حیش باهوش بود همه هنودان را
سیر دلهی رام نموده از انها نوکری خلاصی کری
میکنند در میان انها چندین نفر از خود دین محمدی
بصدق دل اقرار کرده اند ظاهر و مشخص گشت رعوض
یک بنی مردم قشون ایشان را از حضور رسالت
کسنیکه با وجود اقرار اسلام میسازند انها را هم
باسلام در آورده و سپرد نمودن جماعه هنودان بذمه
لچهی رام خوب شد حاضر بنی قشون ایشان که مرسول
بود رسید مدار ایک یوزدار که بقضای الهی فوت
شده عنقریب عرضیه او از حضور فرستاده شود
~~بهندر بنام خاوندان درگاه حیات البحر عرضداشت~~
مرسله الشیاهای نبرکه و سکر بعمون رسید باید
همیشه دست بدعای این دولت بوده باشند

نواختان حضرت پروردگار را فروض منحصر است کتمامی
همت خود را مصروف باهدام کفره فجره و تخریب آن آئین
ملعنهای باطل دارند لاکن حصول این سعادت عظمی منوط
باطنی بزرگان موقوف لهذا اعتضد است که همواره توجه
کرامی در اوقات خاص مبذول ارتقای مدارج عمر و
دولت خداداد برداخته از جناب واهب العطیات بعد
عجز و نیاز سائل شد که او سبحانه نامردم بهادر پیشه را
در غلبک کفره فجره ثابت قدم و راسخ دم دارد و
جمع مسلمانی از روی مقابله کفار ستمکار فائز بعطای
فتح و نصرت غنی مسرور گرداند از قرار مجیب یک غلاف
مهمانی مرقد مبارک حضرت خواجه بنده نواز قدس الله سر
العزیز معهذا ارسال یابد روبیه ارسال است بتقدیم
فاتحه نیاز خواهند برداخت پیش از سه سال بوقت
روانگی نواب قطب الدوله و علی رضا غلاف و
درگاه نیاز درگاه همراه ملازم سرکار ارسال یافته بود

نمودکه دین متین قبول نموده اند همه را اسلمان
ساخته تعلیم دین وایمان نمایند لجرام را که باهوش
دیده مقرر نموده اند و نوکری خلاصیان از لجرام میکنند
و نمودان را همه زمانبرده کرده اند خوب و مسلمان
شده

درک

و احمد رسال ساکن [illegible] محمد نام تعلقدار بهاراج
عرضه مرسله رسید مرقوم بود که کوسری راو سرشتهدار
هندوی و عمل محمد مهدی از اثر کجهری بدون مثل
حضور آمده تا حال در انجا قایم است و در تعلقه بسیار
خود دبر و نموده و قریه در عمل معاول اجاره میکرد
ایشان انهمه مقدمه در یافته مبلغ شش هزار روپیه
برجوع و مقابله ثابت نموده محلکه کرفته اند ظاهر و بجا شد
مبلغ مذکور بتازیانه کاری وصول نموده بخزانه بفرستید
و سرشته دار را در بندر کذاشته بحضور رسول
دارند سرشته دار دیکر از مثل حضور فرستاده خواهد

که محمد را با در رفته دستک بهادری از بنگاه حیدرآباد
کرفته والا بنکلیر شریف رسیده حسب الحکم بتقدیم رسانند
اشخاص مذکور از ممانعت ایشان رسیدن بنکلیر شریف
نتوانستند و بناز مرسله واپس آوردند در اینجا آمده
بود الحال مرسلست

بدرگاه حضرت خواجه بنده نواز — بدرگاه شاه نبود سید

یک خلاف جمادار — یک خلاف کنجاب

بدرگاه شیخ سراج الدین — بدرگاه حضرت ایلی ایلی

جمادار

بحضرت شاه عبد الله شاه — بدرگاه شیخ

جمادار

از مرحمت اعظم عباس سپهدار از اردبیل مرحمت
مرسله بکیفیت مندرجه بوضوح پیوست حسب العرضه
ایشان بوردار معوض فوتی فرستاده منوطلب
بکماهه بمردم قشون ایشان از حضور مرسلست چند اسپ عباس

بود

وبناری بحمل علاقه خود پردازند

۱۴ مرتبام محمد رضا توجه از نگارستان بندت را بردا
رسلت باید که بنویسند مذکور مقدمه سد اسپوکده
درعرصه نزدوی فیصله داده قبل از شروع امام مارشات
آنانک بحضور پرنور معروض دارند تا ان ن معه جمعیت طلبیده
خواهد شد

۱۴ مرتبام سید حسین صدور فرجا بحضار بحر الدین
نقیب کچهری صدور تزن نبا برادر دن قشون بردم
اسد الهی شعبه فرجا بحضار نزد ان ن مرسلت باید
که بزودی تکمید نفر پیاده بردم قشون انداخته
معه زن و بچه ها روانه حضور سازند

۱۴ مرتبام بیرزاده تانکل در باب شنیده شدن
حسن اوصاف و استدعای دعای ترقی عمر و دولت

۱۵ مرتبام محمد یار خان مدرس دویم سوار کچهری از روی
عرضی مرسله کیفیت فوت شدن بیرو جودهری و هو شیار

شد

۹ بهرجی نام شیرخان عرضداشت مرسله مخلص کیفیت
فراری شدن کشمیهادتال سکنه سلام آباد و اتی ط
و غیره متعلقات سمت ملک رام نابرظاهر شد باید که
ایشان را بدلاسا و قول طلبیده بیزی بخرج انها داده
بحضور بفرستند تا از حضور هم تسلی داده باز عما بجا روانه
نموده میشود

۹ اهدی نام عبدالصمد خلف سخاوی بهدایت الله خلف مرسله
محتوی بر انتقال والد رسید چونکه همه را بهتر شاه راه
دربش است باید که آن خلف الصدق هم بطریق ابای
خود نیک نام و شهره آفاق باشند

۹ مهر نام عثمان شاه قادری خطاب مرسله محتوی بر
تشریف آوری خود معه چند مجاهدین لدی الفراغ از
شادی برادرزاده خود رسید ظاهر شد باید که بعد
الفراغ از شادی با مجاهدین علاقه خود بحضور آمده بدریافتی

۹ ماری

باب فرمودن مرحوم مبرور محمد خان سوداگر باقندهار بشتر

ماده قابل بجه کشی خریده بسرکار آورند اصل خریدی
معه امرجات بسرکار قندهار حاضر دانسته بخوبی تندرانند
چهارم حصه افزود بفع داده خریده بود اگر در سرحد
سرکار بلغطی باز دی کرد و قیمت او دانسته خواهد
شد بشرطیکه جنهی بمهر دشمنی عملدار انجا بیاورند
بر در یکه معوشتران بحضور آیند دانه و چاره خود
سازند روز دیگر دانه و چاره بسرکار رسانیده
خواهد شد

باب مرحوم رفیع الدین قادری نقشبندی معرفت
شجاع خان در جواب عرضداشت متضمن حسن کمالات
واستدعای دعای درحق مجاهدین و ترقی عمر و
دولت و رسیدن رساله ثمره المکیه بطور نذر

باب مرحوم میر صفدر نقشبند ارسال نوشته مرسله
درباب فراهم شدن مرچ سیاه والایی بوفور در تعلقه

بودن برادر او اگر حکم نمود برسر او داری تعرض نخواهند نمود
ظاهر شد پسر او هم هشیار است تا وجود پسر برادر را به رسد
که رسالدار شود

ه امضا نام تعلقدار مهاراج درک توقفی برسر رسید
مرقوم بود که نرسانیدند شاهوک تهل از رعایا صدور
عداوت میکند چرا که نتی خورد و برد رعایا کفته بودند
اگر حکم شود بندوبست شاهوک میکنند و نکرانی کوهها
عامل کهاراج الحال عامل منظرآباد شده است در
معاملت چهارسال از روی حساب دست باقی
پانزده هزار روپیه آمدنی است تاکید منشور عاملدار
منظرآباد در باب دادن زر مذکور از روی حساب
مرحمت شود ظاهر شد نبی مفصل معامله معروض نمودند تا
تاکید از انجا مرسول نمودن شاهوک زبردست شما است
چرا او را در معامله دخل میدهید هرکاه که شما حاکم و ضابط
باشند شان شاهوک چه میتواند که خود معامله سازد

نموده مواهب [illegible]

[illegible] قطعه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

قطعه قطعه قطعه قطعه

ایشان رسیده باید که همه الاچی و مرچ سیاه به نکر
روانه سازند

۴ هم مبلغ تمام حسبان خلیل سپهدار عوضی مرسله متضمن
اراده طلبیدن متعلقان خود از کربه و درخواست مرخص
بنظر انور گذشت باید که دو ماهه بطریق پیشکی منجمله عوض طلب
خود بگیرند جهت العوض ایشان قریه جاگیرهم در طلب دانده
خواهد شد

۵ هم احمدی بنام متعلقداران دیاب بتاریخ بیست و هفتم
ماه رمضان المبارک خطاب برخوردار علام محی الدین
مقرر گشته از راه فضل و کرم مرقوم است که اکثری از
اطفالان خاص و عام نیز خطاب کنانیده بعنایت
خلعت های لباس و غیره اخراجات سرفراز سازم
ایمعنی در نامی متعلقات خود مشهور ساخته اطفالان
نیز مخصوص روانه سازند اگر والدین یا کسی از افزای
طفل هم همراه آیند بهتر است بازبعد صحت روانه بمکان اینها

فرد

مرقوم بود که فرزند حسن شاه باراده حضور آمده است
ظاهر شد باید که نامبرده را رخصت حضور سازند مهار
راس اسپ برای سواری همراهیان معه راهداری
و یک شخص جهان دار مرسلت مرقوم بود محمد خضر الدین
نامی مرد آدمی بمنشی گری فارسی بدرقه همه راهه
در عمل غلام محمد بعلقه ارمغول مامور بود الحال متصدیان
جمال اباد در باب دادن طلب منشی مذکور عذری
از نزد ظاهر شد باید که سابق همه راهه بمنشی مذکور
داده بجدمت منشی گری بحال دارند مرقوم بود که بار
یکصد مردم همراه عبدالرسول است باید که مدتغیار
بردارهم همراه دهند

۱۰ احمدی بسلام کمی محی الدین [illegible] الحکم حضور از
قاضی بالله سرمان عبدالرزاق نوین نبده مقدمه کفر انجام
در تعلقه مذکور داده بمنشوری کیفیت ابدار سانیدن
نابران ثابت بان ظاهر شد علدار مجی تعلقه مذکور بشما

ذکر انتظام میر اشرف علی الصف جمال آباد در باب
فرستادن نمکشتهای مسقط و الله بسقط و هر دو خط
مسقط و الوم که نام نامبرده بود در ان منشور ملفوف است

ذکر انتظام قلعه دار مکلدار بکلور ظاهر شد که دو بهاسه در
عمل فرستکی از مجددات بیان رسیده که فیما بین الحال آستراد
مذکور از دو بهاسه قرار یافته است بنابراین باید
که اسباب را بموجب تعیین ملفوفه روانه سازند تا
بالفعل در یافته زرانها کرفته باتها رسانیده شود

ذکر انتظام عبد الرسول فرزند حسن شاه از روی عرض
این معنی ظاهر شد که امیدوار توقع عنایات
داشته اراده بهره حضور دارند ظاهر شد راهداری
مرسلت بیابند و چهار راس اسپ برای سواری
همراهان این معتمد شخص مهمان دار مرسلت
زود بیابند

ذکر انتظام تعلقه اکلوربال عرضداشت مرسله رسید

اقوم

نابرده رار دانه سازند

بتاریخ بیست و هفتم ماه احدی سنه ۱۲۶۱ محمد عرایض کوهی دالہ
سفط معہ مسودات در جواب ان کہ بر بالای عرضی
مرقوم است حسب الحکم حضور والا اصف ترن کہری
نمودہ شد

سنہ ۱۲۶۱ محمد

مباشر خلجی تاخیر مہینہ ماہ زائد بہادری سال ہم
لغایہ اخر ماہ مذکور سنہ لہ

امر بنام آصف نفیس حصار در باب رواندہ بودن
سید محمد و سید مرتضی رارسانیدن ان باکرنول
نزد کلاب خان روانہ سازند وقت مراجعت نامبرد
ہمراہ سید رامادو خیدانشخاص بدستہ دادہ بحضور
بفرستند بعد امدن انہا نفیس حصار معروض دارند
بابرداون خرچ حکم فرمودہ خواہد شد

امر بنام خانجہان در باب درک داون خرچ بیران

داده میشود و چراکه از طبوار هم نزدیک است متعلقان خود
را در انجا گذاشته بحضور آیند
بهمین مضمون از طرف حسین علیخان هم نامبرده نوشته
شده

شیخ احمدی نام متعلقدار کوریال عرضی این آن
در باب اینکه منشی فارسی از قدیم الایام غلام محمد
عامل معزول مدرماه هفت راحه نوکر داشته کار
روائی خطوط و عرائض فارسی میکرد الحال متصدیان
جمال ابکار طلب مذکور مجرا نمیدهند و عبدالرسول
پسر حسن شاه باشه راس اسب دیگر اسم خجسته
قسم فولاد برای مدرحساب اورده آماده استان نوشته
حضور دارد فی هرشد هفت راسی در ماهه بمنشی داده
بکار سرکار کرم دارند در اهداری مرسلت عبدالرسول را
روانه حضور سازند چهار راس اسب برای سواری
دیگ مهمانداران حضور موجود عبدالرسول مرسلت

نامه

در جواب اسباب نزاد و شمشیر کشیدن و کمر بستن
نمودن ظاهر شد اورا بدرخت او بخت بخود معروض
دارند اگر اذن رویه دهد قبول نسازد ۱۲
۱۲ مرتب نام آصف نگر عرضی تفصیل مرخصاد ن صبا
تعرض دارد عقد و منصدی و غیره علاوه بنا دین کارخانه
رسید خوب دیجی شد ۱۲
۱۲ مرتب نام سید اعظم عرضداشت مرسله تحوی
برسیدن ایشان معه متعلقان بفیض حصار و دوا
زدن بعد دیدای بهرتی سواران بنظر گذرانیدن
شانی بمراتب هر شهامت و معالیرتبت
سید بیمر ظاهر نموده شده بود مفصلا از نوشته
سید موصوف مبرهن گردیده باشد نامه مرقوم
است هر قدر سواران بهرتی نموده بیاورند و آصف
فیض حصار بنماید انقدر زر تنخواه بموجب قرار
داد قدیمه از سرکار داده خواهد شد و ایشان

ملا بیگ نام سید عرضی مرسله رسیده هر کیفیت
سنه رجه کرد مد بهمین منوال معروضه داشته باشند
فرد الفقار علی و عثمان خان و میر تراب علی هرسه
مرد آدمیان را نوکر داشته روانه انجا نموده مشخص
ملا رجب نام محمد جانی کیفیت معروضه معلوم شد
اگر اراده آنان بآمدن حضور باشد بیایند
و مرحبا نام میر علی اصغر تعلقدار رام گیری از روی
معروضه ایشان همه کیفیت ظاهر شد ایشان همه
سر رشته دار بحضور آمده باز برفرمند
و مرحبا نام شیر خان عرضی مرسله همه هرسه مردان
مرسله سید فرمد آینده هم اگر کسی ازان سمت آید
روانه ساخته باشند
و مرحبا نام ابراهیم خان تعلقدار مالور عرضی مرسله
متضمن اجاره نمودن او و خان تعلقه دو هزار هون

روانه نمودن تاکید بقلعه ارکردن شکوه در باب دادن
پیاده کنداچار ۵

۱۰ امر بنام قلعه ارکردن شکوه در باب دادن پیاده
کنداچار برای بدرقه خزانه ۵

۱۱ امر بنام شیرخان متضمن براینکه وکلای زمیندار
نزد خود طلبیدن ضرور نیست یعنی موجب رشوت
خواری ایشان متصور است

۱۲ امر بنام خزانه والا حضور دو قطعه منشور یکی در باب
خریدن بجو اسل ب بقیمت یکهزار روپیه دیگری در
باب اطلاع خریدشدن دو راس اسپ بقیمت سه
صد و بیست و بجو روپیه

۱۳ امر بنام منشوران قلعه بنین کوری کولور
ساهوکر کولی کمال را از قید گذاشته بذمه
آصف ترن کچهری دهند ۵ نوشته آصف ترن

۱۴ امر بنام منشوران قلعه بنین حافظ محمد صوفی

هم باید که بعد متعلقان بحضور بیایند جمعیت سواران اگر
فراهم نموده بیارند اولی است والا خود بیایند بعد فایز
شدن ایشان بحضور مشرف بملازمت و کامیاب
مقاصد خواهند شد ۹

ثبت
[illegible] نام میر محمد سعید برادر سید اعظم از ردی [illegible]
مرسلہ نمای مراتب مندرجہ معروضیت رسیدن
سید اعظم علیخان برادر رفعت نشان بقبض
حصار واضح و مبرهن گشت باید که خود را مع متعلقان
بحضور برسانند تا بهمدوجه سرفراز و بهره مند
ملازمت شوند جوانان شایسته و اسپان مضبوط
هر قدر که بیایند تا صف قبض حصار نمایند بموجب
قولنامه سرکار بایشان عطا داده خواهد شد باید
که تا ایشان کلی عازم این سمت شده ذخیره افتخار
اصلاح خود اندوزند

ثبت
[illegible] نام زین الدین تعلقدار کردوان شکوه آباد

رب الدار دوم در قشون سید اشرف مقرر نموده مرسلت
به تصدیق باید که رساله مذکور در قشون سید اشرف
داخل نموده نبوده کرین سرکار حاضر دانسته موجب تصدیق
طلب میداده باشند ط

۴۴ مرحبا مهم میر نمر الدین پیاده های تعیناتی قلعه حصار
که نزد ایشان است باید که پیاده صدر یانخا فرستند

۴۵ مرحبا مهم زین الدین در باب تاکید اینکه هر سرغنه
یک یک بندوق بدارد ط

۴۶ مرحبا مهم لاله سی بند در باب کاغذ هندوی
هزار روپیه در عید آباد برود دکان کیسو مدن ساهو
نویسنده بصحابت هرکاره های رسد ایشان رمضان
دریم چند رسلت نامبرده در عید آباد دوکان
کیسو مدن داده از انجا هندوی دوکان مذکور نوشته
نزد ایشان به شاه جهان اباد میفرستد باید که مبلغ
مذکور گرفته بسید دوانه سازد ط

بخشش اشخاص مرقومه ذیل را ضامن شده اند اظهار ا
قبد کذا شته بمعرفت آصف ثانی کچهری بشامل حضور آورند

[illegible] شیخ مار شیخ مخدوم - نور محمد خانجه
شیخ محی الدین ۵

۱۸ مرحبا تمام خزانه والا حضور ا کارکنان کچهری
اسپ بقیمت کچهزار و یکصد و چهروپیه از انجمله تراس
زرد و ورانس ماده ۵

۱۹ مرحبا تمام کچهری والا های مفصله ذیل سابق در
کچهری های ایشان جاگیردار مقرر اند الحال مقرر فرموده
شده که در یک تعلقه تمام مردم متعلقه کچهری ایشان
را جاگیرات داده شود باید که جاگیرات سابق ضبط
نموده در تعلقه که الحال قرار داده اند جاگیرات نو بدهند
بدانند دو سوار کچهری عسکر چهار سوار کچهری حضور عسکر
کچهری نک جش کچهری بهادر اسد اللهی کچهری یک

۲۴ مرحبا تمام میر معین الدین یکرساله موتی سنگ

ال لار

دو صد سه صد روپیه یاورند

۱۱ هر نام آصف فیض حصار در باب دادن مساعد
فی سوار صد روپیه که معین الدین انجان آورده
بنویس مذاکر سواران معه متعلقان آنند قدری قلیلی
بخرچ هم داده می نوشته بحضور بفرستند

۱۲ هر نام صفدر جنگ دالہ بادل جنس کچہری سی و شش
کندا و بحضور عسکر کچہری سی و شش کندا و مانند الہ
کچہری ح کندا مدہند بعد آمدن سواری خاص همه
کندہا را واپس بگیرند

۱۳ هر نام قلعه کچہری دالہ بکصد و شصت کراری
به اول جنس و به سیوم جنس کچہری شصت کراری
و سی عدد به اسد اللہی کچہری و بحضور عسکر سی عدد
کراری بدہند و رسید بگیرند

بتاریخ غره مراسله انعام داران دیاب نوشته
آصف نرن کچہری برقعلعدار بالا پور کلان بست راجپت

الی بنام میر معین الدین بصحابت میر عسکری بلغ
قسط دویم بابت سرکار نواب اصفیاه مرسلت باید
که قسمیکه زر قسط اول رسانیده اند همانقسم به
تحویلداران سرکار رسانیده رسید بحضور
مرسول دارند ۵

الی بنام سید ابراهیم حسین در باب فرستادن
قشون الله الهی منعنه فرجا بحصار را بحضور
بهراه نقیب کچهری صدور ترزن ۵

ماشاء الله فضل تنبیر تحریر غره ماه نور بهادر رحل ساعر

الی بنام آصف فضل حصار در باب دادن
صد روپیه ماهانه بجناب فی سوار که سید اعظم
و میر محمد سعید خواهند نوید نیدشر طیکه این قیمت

دوصد

امر بنام شیر بیک معه فشون خود روانه شده به
همگی درک نزد سر قمرالدین برسند دیدند فشون
علی بیک سپهدار هم همراه خود گرفته بکار سرکار حاضر
باشند

امر بنام محمد رضا خان سپهدار چهارم حسین
شد شیر بیک را معه فشون و حاضری وصول نزد
قمرالدین به همگی درک روانه سازند

امر بنام عملداران مفصله ذیل در رباب حاضر
شدن انها بحضور تا اخر ذیقعده شنه اهری
برای ادای نماز عید الضحی والصیام دوم دقه فاشیر
بنام همین عملداران ذیل و سرشته داران فشونها بهمان
در رباب وصول نموده فرستادن بقایای تعلقات
بابت دیر و دیی کرت سیمهر دیری و هادی سیمهر و مبلغ
مقرره در هر دو مقدمات بنجاه قطعه
صد و عملدار مقرره بهر دو مضمون هر قطعه

عمده راقم

جانبه بیگم اهلیه عباس قلی خان فرزندان جانبه بیگم بهبه دودمان قلیخان

محمد راقم عمده راقم

عالیه بیگم

عمده راقم

ماه بماه سیصد روزه بطریق انعام داده شده از ابتدای غره ماه منور بهاری هر سه آسیای یک سند

الیه تاریخ صدر سند مرقوم بنام محمد رضا متوکل بوبه یکقلم بر سایر تعلقه بالاپور کلان از ابتدای غره ماه منور بهاری انعام یک قطعه سند

سند دو قلم بوبه بر سایر تعلقه سرانجام سید علی شایخ محمد غره ماه منور بهاری انعام یک قطعه سند

باسم قمرالدین شیر بیک در انجامعه قشون مرحمت سند قشون علی بیک هم تعیین نامبرده ساخته بکار زدودت سرکار حاضر و سرکرم دانند

۲۰ [illegible]

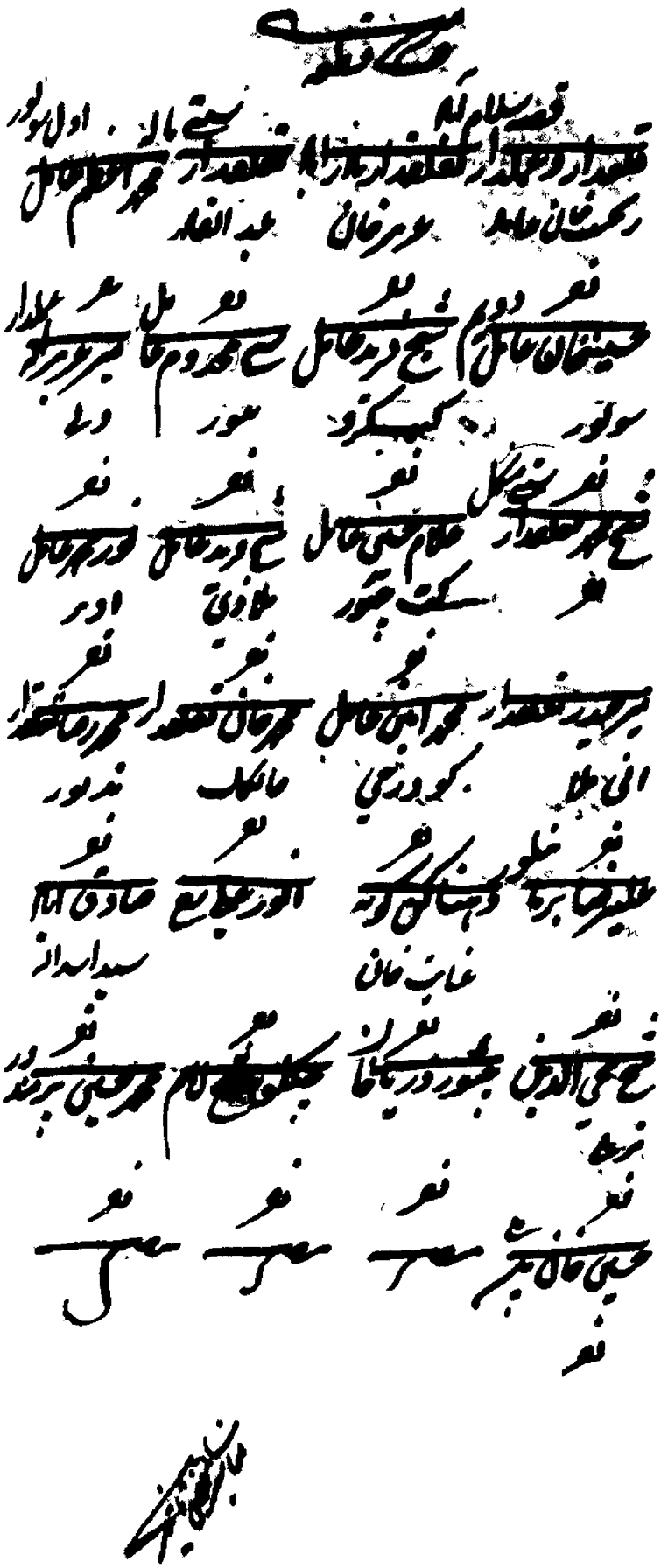

بنام محمد احمد درویش مرید شاه مرتضی قادری انبار
نرخ مسجد و مدرسه معاش در تعلقه مرد اهل موضع بوانی
موشا ملات در موضع بمعنبدی نود و چهار راسی

در حاقد زمین در تعلقه کوار بنام فاضل پلی

در تعلقه سرا موضع نامی کره معمر در داخلی بمعنبدی
دو صد و سی و هفت زاضی بخلم که متعلقه تالن ملی
است بنام شاه احمد درویش برادر محمد فیض الله

در تعلقه مرد اهل موضع تارن پلی معه بکتر داخلی تقرر
در موضع بمعنبدی یکصد و چهل و هفت بیون محمد نبی
بنام شاه قاسم درویش

اکهرار مردم زمار دار مقرره [illegible] اتامی رات الی حصه
در فصیه انند و متعلقه رحمت نظر چار موضع بمعنبدی
دو صد و پنجاه و پنج راسی ۲۵۵

بکلن پلی یکصد و بیست و یکهون — هکلونه پهاک هون
نه قلم — سیاه قلم

۳
سرای درگاه ابراهیم صاحب که در قلعه بنکلور واقعست برای
هر نفر بجهت پی کشیدن در قلعه بنکلور بدیره مجاور آن
درگاه موصوف بطریق انعام

۴
در سمت ماناوار موضع منی کره بابت زمین پاینده رامی
بطریق انعام بنام اهلیه کریم داد خان برکی

۵
موضع کهلی و هوله مذکور سه سابر در بلوک در قلعه بنکلور
برای خرج درگاه ماناشاه رحمه

۶
بجهه موضع چهال در سمت بلوک زمین تری و خشکی
دوازده راسی در قلعه بنکلور برای درگاه راجی حسینی
شتر سوار

۷
موضع اکهر آرمه سابر بجهت پی کشیدن راسی بطریق انعام
در قلعه بنکلور برای خرج درگاه محمد شاه در سمت بلوک
نقد بانه دوازده راسی

۸
در قلعه کشن راج پور برای درگاه داود خان موضع
سنکی پلی بطریق انعام زمین دوازده راسی

چهار هون از رامانبدت سرسته دار انجا و بدر خود
بتقید داشتن بندت مذکور را در سر انجام هر دو اسن
که در انجا یافته شده بحضور فرستادن گاه

۲۳ مر بنام سید کریم تعلقدار رام سندر در باب حسن
مجرای سبب مرت نمودن نالاب گاه

۲۳ مر ظاهر شد که بی اطلاع بلدگر تقسیم اجوره
مزدور دیره معمل می آید باید که هر دو روبرو کوده
تقسیم نموده باشند گاه

۲۳ مر بنام امام بیک و دفعه خواهش سا
یکی متضمن شرارت وف و نکو امان تا بحد یکه در تعلق
کریم اباد دکدری و کمار کالوه عبور مردم سا فر غراز
دراهمی سبد و دو صد مجال دیگری در باب درخواست
شرح درشته سواران نوملازم و بهرلی نموفن متوجه
سوار شرف وضوح پیوست تنبه در زدان شرارت پیشه
آن بلاد تعلق به میر معین الدین دارد میر موصوف ظاهر

قصبه سلام آباد بارداده نوکری سرکار خداداد نظر انور
بگذشت کیفیت ان صاف و منقح معلوم نشد
بسبب انکه در عرضی ایشان مابین عبارت مرقوم
است که دو صد نفر کلاه پوش و یکنفر ان ملازم توپی
بارداده رو رکار سرکار خداداد قصبه سلام آباد رسیده
اند عمل از قصبه مذکور هر سه نفر را مقید داشته بایشان
نوشته است در جواب هر چه که حکم حضور عز اصدار
یابد بدید انموجب بعمل خواهند آورد و نالازم قوم است
دو صد نفر کلاه پوش و یکنفر ان ملازم مابین چنین است
که هر سه نفر را مقید داشته شده چونکه متعلق بشکیک
است لهذا حکم فرموده شده که اگر دو صد نفر کلاه پوش
بارداده رو رکار آمده باشند جواب صاف دهند که در
سرکار خداداد شما را نوکر نمیدارم و اگر دو صد نفر کلاه
پوش آمده اند مقید داشته معروض داداد فرآینده
تفسیر حکم فرموده شود بانموجب بعمل آورند

کرده باشند تا بدفعه ان بر دانسته باشد عرضی مرسله
ایشان بجنس ملفوف منشور میزد کورنشت بود حضور
چنین قرار یافته است که اسپ جوان بدا بحضور ملاحظه
نموده موافق نیافت او از پنجاه روپیه دو صد روپیه
وصولی در ماهه مقرر نموده شود و به سی و شش روز طلب
باید داد جمعدار را از صد روپیه تا پانصد روپیه در ماهه
باید نمود فی سوار مبلغ یکصد روپیه ساعده داده روانه
حضور ساخته باشند بعد رسیدن بحضور در ماهه به
حسب لیاقت مقرر شود هر قدر سوار که ملازم بدارند دستکان
اینها را نیز همراه مقرر ساخته باشند

۴۲ مرتبه نام میر معین الدین در باب نبشته نمودن
اسرار آن نواح و فرستادن عرضی مرسله امام بیک
نزد ایشان

۴۳ مرتبه نام شیر خان آصف جلادت آثار عرضداشت
مرسله متضمن رسیدن کلاه پوشش و ملازم ملازمت

۳۴ مهر مبلغ میرزا حسین میرفضل علی صدور یک نفر
منصدی یک مرد آدمی برای دریافت احوال فرح
باد حصار رسیده اند باید که ملکمه میرزا موصوف دیده
ایشان و میرفضل علی باتفاق دریافت معامله ملکی و
سپاهیه نمایند و کیفیت مفصل معروض دارند

۳۵ مهر مبلغ تعلقدار قبضه فرحباد حصار هر قدر زود که
میرزا حسین و میرفضل علی صدور حضور برای فیصله
نمودن طلب مردم سپاهیه متعینه فرحباد حصار
درخواست خواهند کرد حساب از هر دو نوشته گرفته
زود بفرستند و رسید بگیرند و کیفیت ان مفصل معروض
داشته باشند

۳۸ مهر در باب رفتن لفر فرحباد حصار یک مکمله
بنام میرفضل علی و بردم سپاهیه فیصله حساب نمودن
دادن

نایب

انیس ان بعض خاطر در ما فتغایر گشته چونکه در سرکار
خداداد بسیاری از اسبهای خوب خوب مطلوب
و رعایت و پرداخت سودا گران آن نواع مرغوب
است باید که هر سال از جاتره دار و هر جائیکه باشد
اسپان بهتر و جوان بوفور روانه این سمت نموده
باشند تا از یمعنی حسن مجرای ان محبت و یکانگی
بجلوه ظهور در آید

و قطعه

بهر در بیولا موضع سکن پلی و غیره بارده موضع
بجمعبندی یکهزار و هفتصد و چهل راصی و موضع کوری
کور که زیر تالاب در وجی ست بجمعبندی چهار صد راصی
و موضع انتا پور و دین مرکود باندارای و غیره که از
سابق در کوری کوته بود بجمعبندی سه هزار راصی
جملگی مواضعات بتحویل محمد علی بیک عامل قدیم
فرمودیم باید که مواضعات متعه حساب و اصلیات
در رسیدگی شتر و غیره بذمه عامل مذکور ساز ند و زر

باشد

۵

۸ امر بنام بیرج اصفهان و میران حسین و سید محمد خان
در باب فرستادن حکم نامه و تاکید باینکه عمل بران
سازند ۸

۸ امر بنام منشوران قلعه بین سمت مغرب کرج
علم است نقشه تیاری آن نزد ایشان مرسلست
آنرا بدارند

۸ امر بنام میران حسین و سید محمد خان و شیر خان و
میر ناصر علی و اشرف علیخان و امام بیک سرشته دار
و شاهوک و عمدار خود دلست منهدم زر مدالله ملکه لم
نداده اند تمام و کمال وصول نموده بفرستند ۸

مقرری

۸ امر بنام کونبک بایک و همت بایک اوزبک
عرضداشت مرسله حسن رسوخت و دولتخواهی
ایشان

طوفه نیز داری لیف ن ست باید کا محال از خوان بغلت
بهوش آمده مردم یک برک در انجا دارند ۵

۲۱ مر جام عملدار هری آل موضع کاجنور و غره به
جمعبندی هزار راصی از سابق ودیعلقه وذر بود بهمین
قسم بذمه عامل تعلقه وذر سازند ۵

۲۲ مر جام سید محمد خان آصف خطی که کوبرا کلی بهادر
بکیتان مکلور که نوشته اند ارسال ست باید که فرنگی
مذکور در شکری با کامه یری پور هر جا که باشد بمصوب خود
آدم خود نزد کیتان صدر فرستاده چونکه نامبرده سرحد
آبدا ب ن هم رفته با تفاق او به سلوک و دوستی اردی
واصی فیصله قریجات سرحدی سازند ۵

غره ماه مری جام تعلقه ارکوریال شیخ سلیمان سنجر
را برسم علی تلاب بست راصی داده بنابر کامکار
جهازات یکو ریال روانه فرموده شده ست باید که نامبرده
را بکامکاری مامور داشته هرکاه که نامبرده ملازمت خود

با بت [illegible] نامه نیم اکتفا نمود عایای مواضعات مذکور
وصول نموده بشند مصدر تعامل صدور دهند
در باب گرفتن مواضعات مذکور بدسته خود منشور
تاکید بنام محمد علی هم مرقوم است باید که در اینباب
عذر و حیله ننموده حسب المسطور تعامل ابرند

بنام محمد جلیل بیک علدار در دیی در باب گرفتن
مواضعات بدسته خود

بنام متصرفات سوار کچهری محمد نور الدین رامزرای
دفتر کچهری ایشان مقرر نموده فرستاده شده است دانسته
حساب بدهند

بنام سیوم بخش سید مخدوم رامزرای دفتر
کچهری ایشان مقرر نموده فرستاده شده

بنام علاوه دران قلعه بین حویلهای سمت
شمالی بین که تمام و کمال شکست در آمده ظاهر شد
که سنگ تی با به دیوار عمارات شکسته هر کسیکه میخواهد ببرد

باکی نرم هم برآید داده رسفید بلب میارد

۲ام جنام آصف سکرز دصد بندوق در خانه
کارخانه مذکور انجا نیارست بمعرفت آدمان خود بحضور
بفرستد

وبموجب حکم مه مهرتی انهکر دنجار نموده سرکرم کار
باشند

۷ام جنام سید محمود داروغه بنادیق کارخانه دوصد
بندوق بمعرفت اصف بحضور بفرستد وبموجب
حکم مه مهرتی انهکر دنجار نموده سرکرم کار باشند

۹ام جنام شیرخان مکرر عرض انکه بنظر انور
بگذشت مرقوم بود که بکنفر نک مرام نیست که این
منصوبه اورا اسیر سازد مکرر سپرده چهارده نفر را
نگهدارم با خود با متفق اند اگر برای همه انها فوج سرکار
برود همه با متفق شده بکوهستان نمایند و مدتها
خود با بکوهستان برده جریده برنگهداری مستعد می

عرضی نوشته بدست ایشان بدهند روانه حضور سازند

۴ امر جهان مطاع بنام بخشی دار الدرباب گرفتن ده نفر
اسیران از آصف بیگی و مقید داشتن ایشان در
قلعه

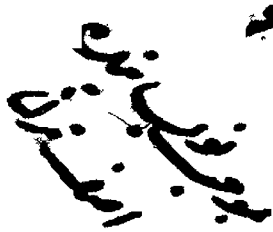

۵ امر جهان مطاع صفدر حسین حکم شد مرقوم درباب
بردن زر قسط سیوم بابت سرکار نواب اصفخان

۶ امر جهان مطاع میر معین الدین قسمیکه سابق نوشته شد
اند همان طریق زر مرسله عال بصحابت صفدر حسین
هم رسانیده رسید گرفته بفرستند ۵ از امروز
انقضای یکماه جنس وغیره را دود راصی دلو
روانه سازند هرگاه که زیشتر بگیره خواهند فرستاد
بست وپنج ماروی دیکصد روپیه برای خرچ روانه
شتران بدست صفدر حسین بدهند اگر چیزی یکی خورده

باشند چون ایشان برافراز نمودن انها منظور نبود
لهذا خواستند که بوقوعی رفته سلسلا آمد و رفت
انها نکنند و من بعد بر انها دست اندازی نشود
ظاهر شد هر چند که ایشان تدابیر صایبه در باب
گرفتن زروان بعمل آوردند لاکن هیچ فایده نشد
در اینباب خود منصف شوند که الحال چه میتوان
کرد

الفصی

در ذکر رسیدن شیرخان و رباب بارکیاد عبد
در سیدن بحرو به تدریجی

در ذکر رسیدن شیرخان بحرو در ماه جمادی الثانی سنه
فعایته افزماه مذکور گشته ایه

در ذکر رسیدن قوم غره ماه مذکور بنام مهدرمان کوار
بر تعلقه بارکور علاوه نکرزمین عوض بیت طلب چون چندی
بنفید

رباب خصوصی ساختن اسیران کفار برای ملاحظه ایشان
رسیدن

نام مرحوم شیرخان برای تنبیه رسانیدن ورود
نکرام بنام فاضلخان سپهدار حکمن مه نوشته داده
روانه نموده شده است بمجرد رسیدن فاضلخان
اول رساله قشون سید محمد و سه عسکر و جوق نصیر محمد
غلامی و صد و نود و یک نفر را فاضلخان دانیده
بانی همراه سید محمد و رساله دوم جوق سپهدار
و یکجوق غلامی بمعه کاری بان حاضری وصول نوشته
داده روانه حضور سازند حکمن مه بنام فاضلخان
مرقوم و مفوض ست نقل انرا ایشان هم گرفته ایشان
هم بمعه فاضلخان رفته کاکلم بنا کورا و چیل بالیکار
دیگر را گرفته تنبیه رسانند هر دو را بدرخت بیاویزند
سوای این اوت کلی و کاکلم وجی سکل دیگر انور
بیگ کبری که در میلان آنهم تعلقات هر یک پنجهزار

[illegible] نصف محصول غرید و فروش علاوه ایشان معاف
در کوریال بندر با بره نجا طرحبی بحضور میباشد و یک
حویلی سکونت در کوریال بندر ساخته سکونت دارد

۱۰ امر بنام غلام علیخان و علیرضا حرفه موسوم به
نواب اعظم الامرا مسوده در جواب آن مرسلت
جواب دریافته خریطه بدست وکیل نامبرده بدهند
یا موکل خود بفرستد ۵

۱۱ امر بنام شیر خان دریاب رسیدن عرائض دریاب
سبب رکوانه نمودن مناشیر و فرمی

۱۲ امر بنام سید محمد خان دریاب دریافتن کیفیت
عمال که کدام کدام کاره و کدام کدام ناکاره است تا
عوضی ناکاره بعد عرض ایشان از حضور مرسول
شود

۱۳ امر بنام میر قمرالدین و خانجهان حدیث بنوی ۲
دریاب

نوبت بنده فرستاده میشود انهارا فی مهل روز
یکماهه منی مغز نموده ایشان بموجب سپهدار روبرو
نشسته تقسیم سازند برای بهرتا نمودن قشون
عسکر فی صد جوانان بسن صد هون ساعده
بحساب یوزباشه سه صد داده بهرتی کنند بعد
بهرتا شدن جوانان صدر باز ساعده بگیرند
جوانان باید داد و زر ساعده را از طلب مردم
بموجب قسط وضع میگرفته باشند و بر مردم زر
ساعده باقی مکدارند رسالدار هم عقب
روانه نموده میشود انوعی مبدوبست املاک سازند
که در تعلقه سردشارت باقی نماند یکیک تعلقه را
در بقره شما خود رفته ملاحظه سازند و جمعبندی
بموجب عهد کاغذ سابق برابر کنانند و ملک هم
آباد کنانند

۲۴ مهر بنام سید محمد سپهدار در ایروان

The Muslim
Gadi - Yomud
Ind. in Urch in
Adoption

شش هزار گرفته سرکار را هزار و دو هزار داده باقی مبلغ
ماهر هر تیل چهار صد یا نصد صندوق داشته در محکم
عامل نبوده شرارت میکنند شما ها بهتر میدانید ایشان
را محکم مرقوم نموده داده شده است که فریه
یکصد تن را یکتیک تیل باید داشت بموجب عرب
غربارها را نمکحلال دیده تیلی مقرر نموده باید داد
باقی تیلان معتبر که شرارت میسازند انها را پابزنجیر
کرده بر انها انچه زر آمدنی ست حساب دیده اول
زر سرکار گرفته پابزنجیر همه را دو دست بحضور نویسند
کسان نمکحرام را انجا بدرخت بیاویزند هر هر تیل
که چهار صد یا نصد صندوق داشته انهم صندوق به
سرکار گرفته امده تاکید سازند که سلاح بدست نگیرند
وملک را بسازند باقی بر ملک زیاده است جلد
وصول نموده باید فرستاد قشون فاضلخان را
از ابتدای غره حیدری طلب و اذن تصدیق

این نوشته

را بمعه زر مساعده بذمه فاضلخان داده رسید گرفته
بحضور میاید ۵

A.D
1793

ماخیر فعلی تا تیر ماه جدید از سال سابق

ملا میرغلام حیدر واصف بمعرفت صدور کچهری
دالا جوانان یکجوق مرسلست نزد خود داشته جوانان
سابق بحضور بفرستند ۵

ملا بقلعه ارطبار جوانان یکجوق بمعرفت صدور
کچهری دالا فرستاده شده است نزد خود داشته
جوانان سابق بفرستند ۵

ملا بصدور کچهری دالا ارقشون بهمن سنگه جوانان
اعتمادی راجپوت نامه یکجوق نزد غلام حیدر
اصف بتین و یکجوق بقلعه ارطبار بدالا فرستاده جوانان

ایشان فاضلخان را روانه نموده شده منجمله ایشان
ایشان بزمه فاضلخان ما بدداد تفصیل ذیل یکصد
و هشتاد و هفت نفر رساله اول سلیمکانه یکصد
و چهل و هشت بندوق عسکر سید محمد شیب چهل و چهار
رابندوق چهل و چهار خلاصی فقیر محمد حوق داشت
نفر جمله دو صد و یک و بود نفر رابندوق یکصد
نود و هفت بزمه فاضلخان داده باقی بحضور باید آورد
دوم رساله سید بایزید یکرساله فادر یکرساله
شهباز حوق یک خلاصی محمد خان یکحوق کاری باقی
هشت صندوق طرنک بمعه سامان و سرانجام گرفته
جلد بحضور حاضر آیند و حاضری وصول کرده اند
نوبنده بیارند ایشان را در حضور مردم
نشون بهرتی داده میشود بحضور بیارند برای بهرتی
جوانان عسکر سه صد هون ساعده داده بودند
از انجمله هر قدر جوانان که نوبنده اند ان جوانان

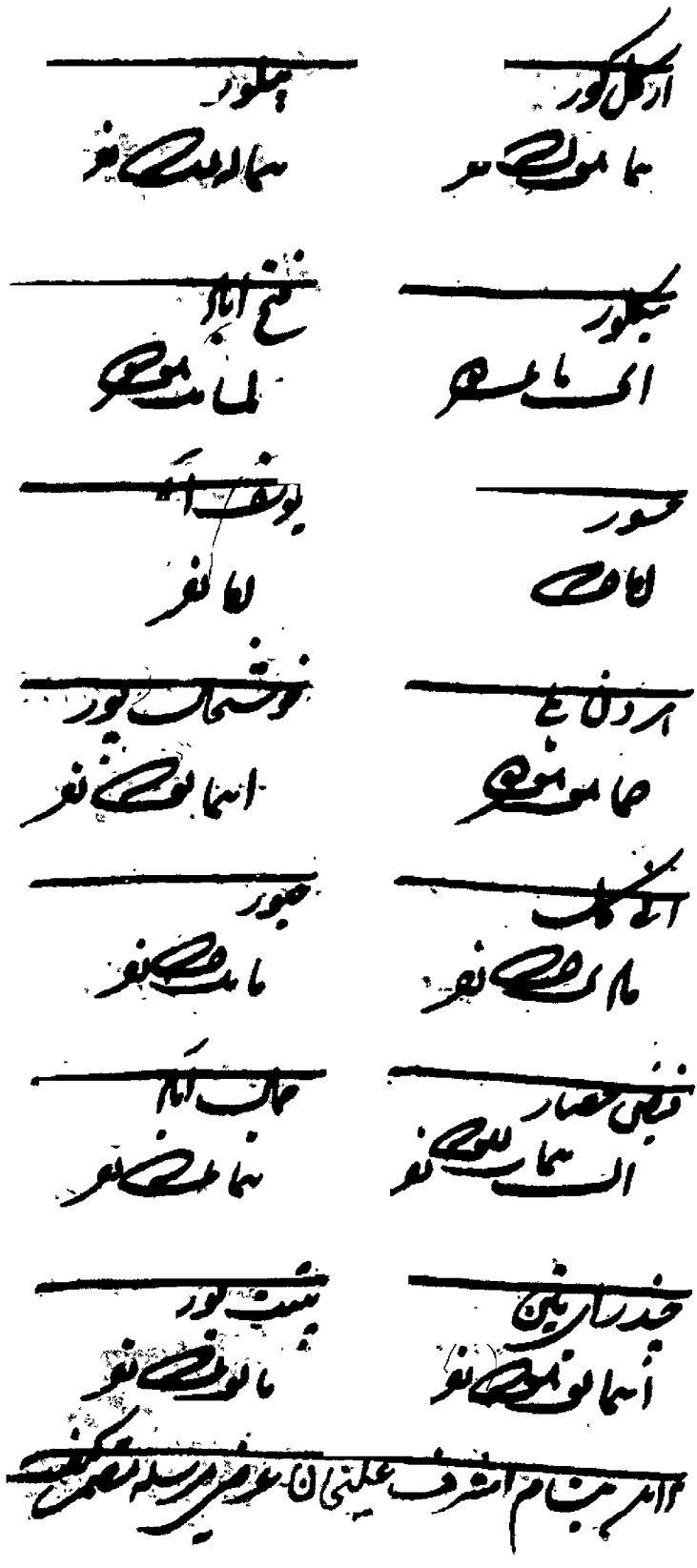

سابق را طلبدارند

[illegible] نمایند

[illegible] عمل دار قلعه دار مفصله ذیل [illegible]

و رنجولا پیاده بموجب سابق و حاضری نمی رسد لهذا رقوم

[illegible] پیاده بحال داشتن قرار یافته است لهذا رقوم

است که [illegible] را بحال هر قسم پیاده ها که بموجب

تصدیق حال حاضر اند بهتر و بجاست سوای انها باقی

های که بسبب طرفی جا بجا رفته سکونت داشته باشند

همه بار ابقول و دلاسا طلبیده فی نفر بحکم خرج داده

نمی انها اسم وار نوشته بحضور رسول دارند تا بر انوجب

تصدیق نوشته روانه نموده شود

قلعه دار عمل دار قلعه دار کهر

محمد سمای نفر ای [illegible]

کردوه شکوه

ابا علم

[illegible]

ان [illegible] نفر

رسلست ملاحظه کرده بمردم شرارت پیشه منبه واقعی
رسانیده باشند ۵
۷ مرقوم بنام مهار سوار کهری و دو سوار عسکر کهری
و هیچ عدد و بندل عسکر کهری و جلو کهری جلد [illegible]
بعلاقه کهری الی ان هرگز کسی را که منافیده از سرکار
خداداد رسیده و از انجمله تا الی الان چه قدر وجه مطالبه
باقیست و چه قدر وضع گردیده حساب بتفصیل نوشته
در حضور آورده دستخط کنانند و هم بر یکدیگر دستخط
میرسان کنانند ۵
۸ مرقوم بنام مهد علیا ان نوایت در [illegible]
روانه شدن اینها از حضور بسمت چیانین تا بر [illegible]
سرکار و فراهم کنانیدن غله و گوسفندان و مرغ وغیره
اسباب علوفه برای ضیافت لشکر بهادر که همراه
شاهزاده می آید و رسانیدن خرچ مانها یعنی نفری
مذکور بموجب کفنه علیحده و غلام علیخان ۵

صادر ساری تعلقدار کوریال ظاهر شد باری شما نزد
خود یک قشون داشته از راه خوف جان نشسته اند
که گویا کسی که به خود راه خواهد خورد معلوم شد که از شما
هیچ چیز نمیشود زود بحضور بیایند

۱۲ امر بنام سید محمد خان عریضه مرسله معه نقل خط
مکلور کپتان که بنام ایشان مرسوله داشته و در جواب
ان که بنا میرده نوشته بود و معه نقل فلم چهارم عهدنامه
رسید چونکه عهدنامه بحضور حاضر است ارسال نقل فلم
چهارم ضرور نه بود پس لفیده خطوط مابقیه فیمابین مردم
میگردد بحضور فرستادن ضرور نیست سوای سه روز
مقصدی هم در انجا رسیدنیست زیاده طول و طویل
نساخته مقدمه سرحدی زود فیصله دهند نقل خطوط
واپس مرسلست و نقل عهدنامه بحضور داشته شد

۱۳ امر بنام فاضلخان سپهدار عریضه حامل
اوت کری دکرود مضمن شرارت مردم دره تزدیان

الورد

ام از طرف پدر از نامجان به جا دور و از اقارب اکرم
مرقوم گشته نوامید بحسب مشفق شفیق مقدوان
فیضبخش فیروزان دام افضاله بعد از تبلیغ مراسم
نیازمندیها و پس از ثنای ادراک صحت سرا با
افاضت ملتمس خدمت فیضدرجت انکه سرفراز باد
بفضل عمامه شرف وصول و بکوایف مندرجه
الی بخشید محب الاسامی کرامی تمامی مراتب نخالصا
متعالی معروض داشته از انجا که شفقت و ملطف
حضرت خداوند نعمت مرطلا نعالی نسبت با قدردان
بیشتر است بمجرد استماع شدت تکمل مزاج سامی
جبلی نامعلوم و تفکر روی داد و مبارک کشته بخلاف حب
کرمفرما ابو الخیر خان بوساطت این نیازمند حکم
روانکی عراضه دار یافت خانموصوف نظر به بعد مسافت
و عدم جرأت سفر اصلا تا قدم ایمنی نبرداخته آند

وخود بسرحد متوقف شده یک خط بغلام علیخان و علیرضا
و هر که فعلان داده بیاید شتران بار بردارد
ادمان فراش وبغره مرسلت

ام مرحبا تام سید میران و شیخ رامی صدی بیرا
محمد علی و محمد عمر و شیخ حسین صدی فلاهر حضور شد
که تصمیم اراده ایشان به بهره های حضور پرنور مصمم است
ازانجا بتجا بردی و کرد آوری مردم اشراف بیمه
منظور نظر والاست لهذا مبلغ چهار هزار روپیه مرحمت
فرمودیم شیخ رامی صدی مرسلت باید که مطمئن کلی
معه چند خویش و اقارب خود که بالفعل امکان داشته
باشد خود را بحضور رسانند بعد ازین بسیاری
را از مردم اشراف و نجیب بمعرفت ایشان بحضور
طلبیده خواهد شد ایمعنی را موجب رهابیت و صلاح
حال خود دانسته خود را بحضور بزودی بحضور برساند
و بنام سید میران فقط در بیجاپور اعتماد کرده

Requests
Americans
to Persian
Legation
to
the Minister's Court

قبل ازین درباب تشریف آوردن اتباع
توام مرقوم است باینکه خود را بحضور رسانیده
سرور افزای خاطر باشند

ماشر شیخ ناصر حسن ناصری سال حاضر
نعاینه اخراجات مذکور

G3
J. M. Shuster
Oct
Oct
Oct

لهذا از وانکی عانموصوف از درجه امکان خارج منافی
مکیم عادق معاد و به موثره مرواه مفهود و ترصد که خاطر
بیار مند همیشه خواهان صحت و صحت ذات والا نصوص
فرموده بی الله تعالی باطلاع خبر صحت و عافیت سرور و
مسرور دارند

الطاف [illegible] از طرف بدر الزمانی بمولوی

حبیب الله ساکن سادور مرقوم گشته مولوی صاحب
سبار مهربان دوستان سلمه الله تعالی مکتوب نوازش
اسلوب منضمن شدت تکمل مزاج فوائض مشحون
موجب کوائف چهره وصول افروخته خاطر اخلاص
ماثر را قرین اضطراب بیهایت خود اوسیجانه عزت
بافضال عمیم خویش بسرعت سریعه صحت عاجل کرا
فرماید تا از بیمعنی تسلی و طمانیت دوستان حاصل
آید باقی کیفیت از روی عریضه که بخدمت فیض مرتبت
نوائض صاحب قدردان ارسالست مبرهن و هویدا خواهد

فقط والسلام

Zuman Khan to Ameer Ahmed Bakhsh (by order)

سوا بسقط و خریده فرستادن بیست حبشی غلام
که هریکی بعمر بست سال بست و دو سال باشند برای
فن کشتی آموختن و بست نفران حبشیه کلکم از سن
پانزده سالگی باشد از هر جا بهم توانند خریده
روانه حضور سازند ۱

۱۵ امر بنام آصف بخشی والا عهد مدار دوم
سوار بخشی را در قلعه بین سیصد و هشت منزل خانه
بدین تفصیل بعنایت دهانند که هر دار سی دو دو
راسی دو دو خانه و تیپ دار شش شش خانه
که هر خانه از سه سه پانزده جمعه باشد ۵

۱۶ امر بنام محمد جعفر متعلقه ایچلی درک در ملک
ایشان قوم پدر رعیت شاند یا غیران هر که باشد
همه را بقتل رسانند و بجای رعایای مذکور دیگر قوم
دار را طلبیده قول داده آباد سازند و قلعه ایچلی در
را باقی نگذارند تمام بشکنند سر و خشت و در خشن هر قدر

والاصفات شاه صفی الله صاحب دام ظله در ابتدا
برای ادای مراسم نیاز بدرگاه حضرت خواجه بنده نواز
قدس سره العزیز معتمدان سرکار محمد عمر و محمد علی و غلام محمد
را با دو دست خلعت یکی زنانه باب دیگری مردانه تا
مع یک خلاف کمنی بی روانه نموده شده لازمه اخلاق
بزرگان است که بتقبیل خلاع مرسله پرداخته معتمدان
صدر را بمکان خود فرود آورده با دای ختم و فاتحه
نیاز از طرف این سرکار حیدری بموجب اظهار مومی الیهم
بعمل آورده با دای ختم و فاتحه نیاز از طرف این سرکار
خداداد مدعای ترقی مدارج عمر و دولت مراد او پردازد
تا از حسن توجه بزرگان مقاصد دینی و دنیوی
بحصول انجامیده از تقاع الویه احمدیه کما هو حقه بجلوه
ظهور درآید بفحوای اللهم انصر من نصر دین محمد و اجعلنا
منهم و اخذل من خذل دین محمد و لا تجعلنا منهم عنایات
ربانی و تائیدات آسمانی نصیب حال زمره مجاهدین گشته

که باشد بوده باشد آمانت داشته بجل کاوان سرکار
روانه حضور باز ندارد

فرمان جناب سید عثمان شاه قادری بر عمال چرنیا
موازی شش قریه و یک مزرعه مجموعه بمعیدی مبلغ دو هزار
و نهصد و بست و یکراعی چهار فلم هفت طاها نباشد خرج
درگاه عافلت همراه جناب نورالله مزکوره تحویل خانشاه
صاحب قادری خلف شاه صاحب مغفور بطریق انعام
مقرر و مرحمت فرموده شده باید که مهر غره ماه احدی
سال ساعر شده امر تصرف شارلیه واگذار نموده عاملان
ان را بجرح درگاه و معیشت خود صرف نموده دعا
گوی دولت عمر و دولت مشغول باشد هر سال سند
مجدد نطلبند نقل کرفته اصل والعین دهند در ابتدا
تاکید اکید دانند

فرمان جناب سجاده نشین درگاه حضرت خواجه
بنده نواز قدس الله سره العزیز شاه حسین الله شفاق

+ This is all.
= Ziyaratha
Yes, since
many years
as well
as the previous
one.

نمایشنامه

سنبه تاره یکتعلقه	از کور یک تعلقه
یک قطعه	یکقطعه
کنت کرو تصویر دو تعلقه	از قفا بری کرنده دو تعلقه
یک قطعه	یک قطعه
دماسکس کوه کجل بی دو تعلقه	الور سری دو تعلقه
یکقطعه	یک قطعه
پرنامدور تروتورک تعلقه	سولور یک تعلقه
یک قطعه	یک قطعه
دوم سولور یک تعلقه	تیور حضر یک تعلقه
یکقطعه	یکقطعه
بولاجی یک تعلقه	شری دوور یک تعلقه
یکقطعه	یکقطعه
سنه کسکنه یک تعلقه	کیت صور یک تعلقه
یکقطعه	یک قطعه

شکست و هزیمت شعاری و ذلت بکرده ضالین
مشرکین کردد عاید کردد الیم روز فرد
اهلش مضمون بحضرت سجاده نشین درگاه حضرت
منبع الله حسینی عمیم الاشفاق و کریم الاخلاق شاه
راجو صاحب ۵
اهلش مضمون بنام شاهصاحب ذوالاشفاق عمیم
الاشفاق
شاه حسینی صاحب سجاده نشین درگاه حضرت شاه
رمین الدین اویسی قدس الله سره العزیز
اهلم بنام عمالان مفصل ذیل سواری بازده اهلل
دمبت دمج دک الاچی و بازده دک الاچی لونده
بحساب فی اهلل الاچی دوازده هون و فی اهلل
الاچی دوازده شانزده هون نزد ان سر بمهر مرسل
است باید که به ورکان و بقالان وغیره در تعلقه
متعلقه خود بقیمت صدر فروخته زر نقد روانه حضور
سازند تعلقه

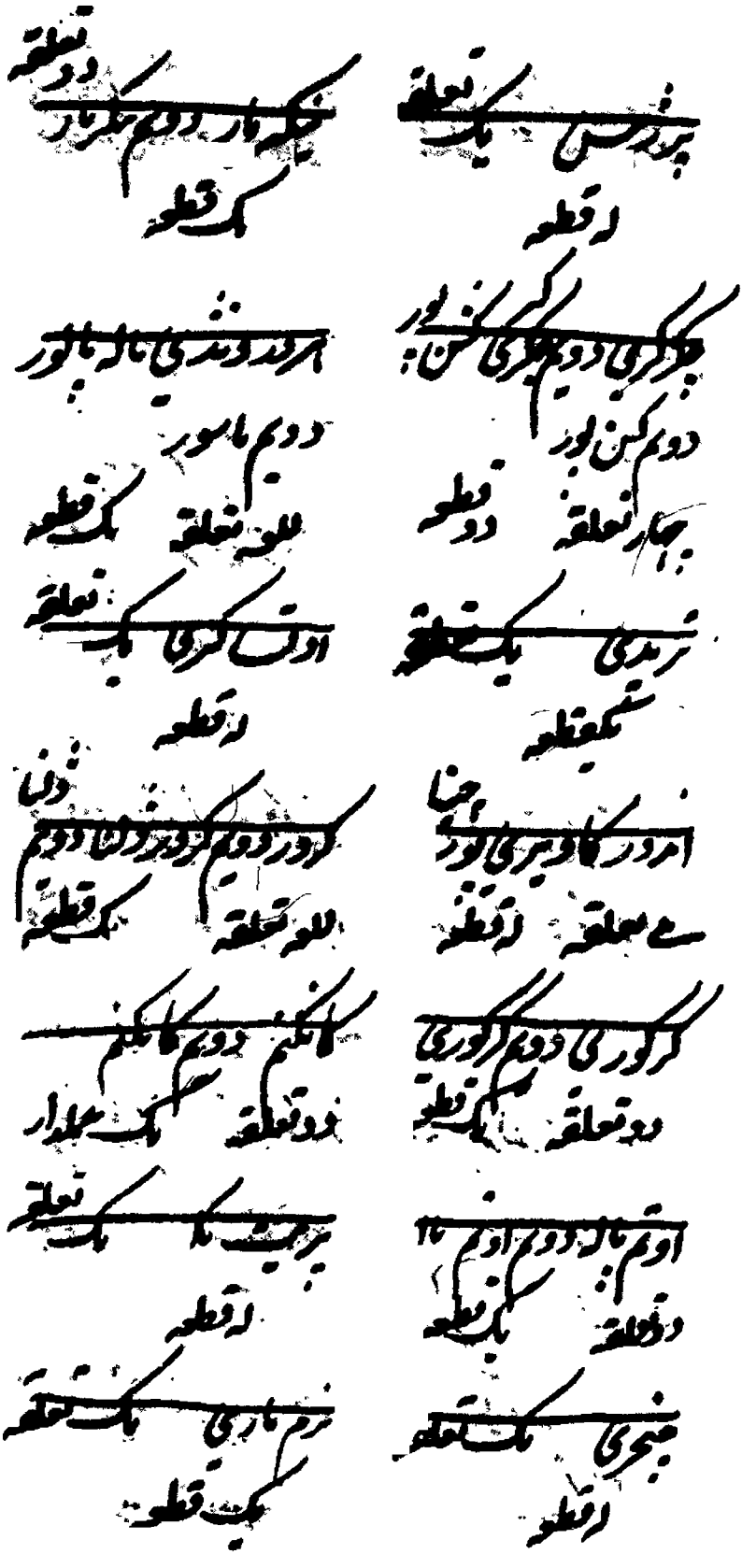

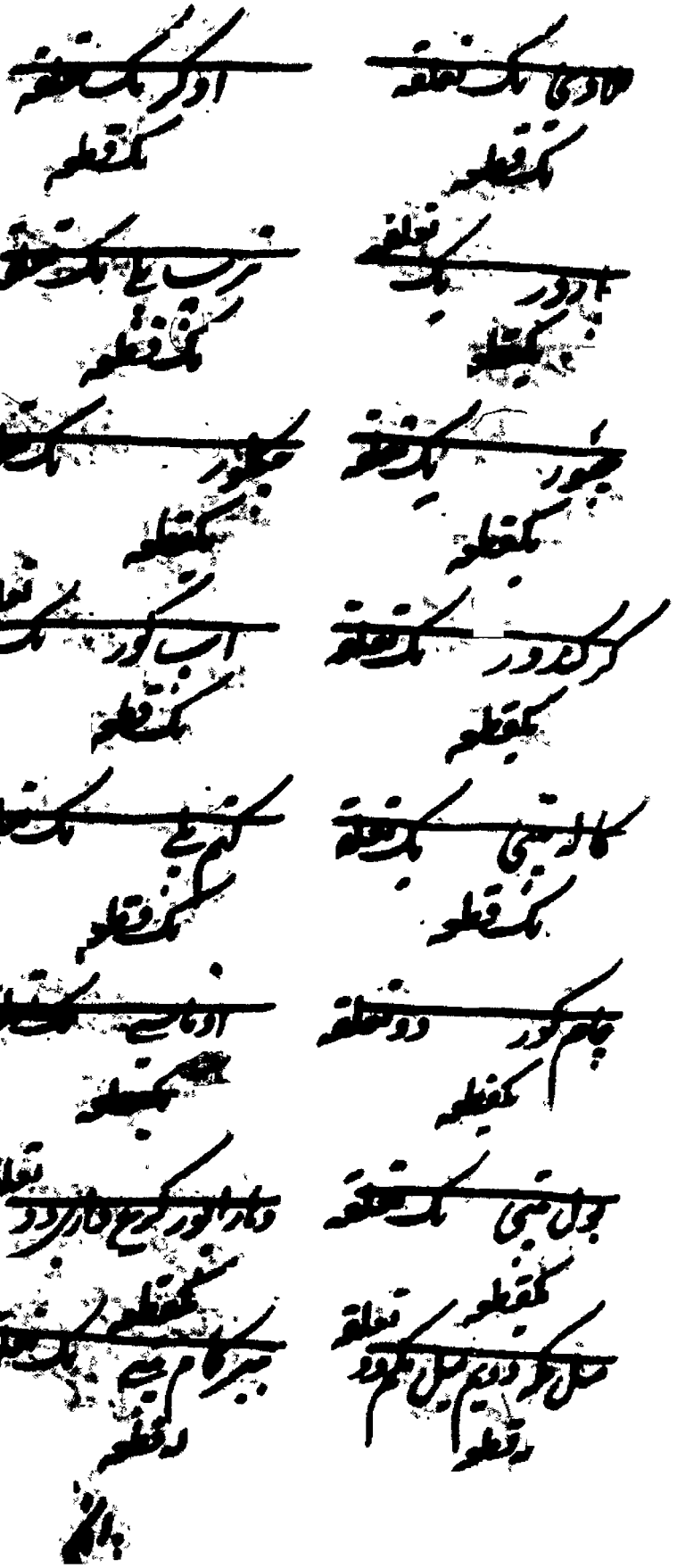

از تعلقات دران نیز بسیار خورد و اندازه آنرا ان طرز
بکار نمی آید بجان طرنگ ها را داکرده از سر نو بیاید
کنانیده

۸ مرسلهٔ نام سید محمد خان آصف حضور در امیولا نقل
خط حضور که در جواب خط جنرل مارکوس کارن والس
بهادر مرسول کردیده و برای ملاحظه ان ملفوف
فرستاده شده است باید که ان بموجب نوشته
لاٹ صاحب از قرار جات سولکری و دریا کچهری بدسته
انها بگذارند و بسرکار مکلوت بگویند که احال باین قرار
مقدمه انفصال یافته است بدانموجب فیصله داد
شما کارهای خود مشغول باشند و ان در سرجان
بموجب حکم مرکار بند ماهه حضور سروصدا ندارند

۹ مرسلهٔ نام خیرخان تنبه نمودن تمنا کوسوار ابسیار
بجا و مستحسن باشد در میولا بحضور دوم بوار کچهری بعده
جمعیت کچهری خود از حضور روانه آن نواح شده اند

است بکارخانه سازد و رباشی بدهند

ایشان و بخشندگور باتفاق یکدیگر سر کوبی اشتغا
مشغول باشند و بموجب حکم نامه کار بند باید بود
و مهر بنام نامزد جیح آصف نگر باید که ایشان بجرد
رسیدن منشور فیض گنجور بحضور آیند
و مهر بنام زین الدین تعلقدار بالا تور کلان کنیت
مرد ضابط باشد و در باب آبادی بیشه سعی موفور
بکار برده حسن مجرای خود سردی کار از دست ندهد
زمینداران نجا طریق نیاز مندی
و مهر بنام آصف قرن در باب فرستادن کتاب
کتاب انوار سهیلی مرتبا برداون بمسجد اقصی نامزد قرار
بنام برکان از روی کتاب صدر مرقوم که برای
کودکان و دبستان نیاز میاز مند فایده کار آورده
باشند
و مهر بنام صدر قرن کجهری والا مقدار اس
جا موس نزد ایشان از جنس قوشکانه مرسل

باب نهم

در بیان آصف و مدد در قبض حصار عرضی مرسله
عرضی مرسله بوضوح پیوست انچکه در مقدمه خیلد و
والی ختن بخشی و مقدمان شتم جیش و جواب
دادن انها که تنقیح نمودن در کار نیست و با وجود
فاضلات باز طلب بخشی و درخواستن و به نبه و زدان
اصلا نپرداختن موضوع شد در امنیات بنام قطب الدین خان
و بخشی و مقدمان شتم جیش مفصل تاکید نوشته شده
باید که ایشان محمد بیک بخشی را بازپرس نموده بدرقه قلعدار
قبض حصار دهند هر قدر که عوض بطرف بخشی و مقدمان
است بایشان وصول نموده آینده تا رسیدن حکم حضور
بجوانان جیش و عسکر دود و راعتی و معهده والا عوض
درماهه دولت ورسد و به نصف عوض سی و شش
روزه بمعرفت قطب الدین خان و دو مقدمی بکمپی ایشان
فرستاده دست بدست تقسیم میکنانیده باشند سابق